



پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال سوم | شماره ۲۴۱
www.hammihaonline.ir



میانجیگری روسیه و عواقب آن
یادداشتی از **احمد زیدآبادی**

درباره رویکرد کرملین به مواجهه ایران و ترامپ



پشت پرده رفتن ظریف
گفت‌وگو با **ساسان کریمی**

درباره آنچه بر معاون راهبردی رئیس جمهور گذشت



جاده بد را خوب برانیم
یادداشتی از **علی ورامینی**

درباره پویایی که در آستانه نوروژ راه افتاده است

**شماره جدید
سیاست نامه
منتشر شد**



ارزیابی کارشناسان حقوقی و اقتصادی از حکم دو وزیر رئیسی

توجیه فساد در دولت قبل

محمد صالح نقره‌کار وکیل دادگستری | در چنین پرونده‌هایی همانند چای دیش باید دقت شود که تمامی مراحل دادرسی به‌طور شفاف و قانونی انجام شود. متهمان باید امکان دفاع از خود را داشته باشند و حق تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی برای آن‌ها محفوظ باشد. همچنین، باید از انتشار اطلاعات نادرست یا ناقص جلوگیری شود تا حقوق متهمان و شهروندان به خطر نیفتد.

حمید اسدی کارشناس مسائل حقوقی | در حال حاضر، حکم صادر شده برای دو وزیر سابق، حکم بدوی است و هنوز قطعی نشده و امکان تجدیدنظرخواهی وجود دارد. حتی پس از مرحله تجدیدنظر، پرونده ممکن است به دیوان عالی کشور یا مرجع اعاده دادرسی ارسال شود. نمونه‌هایی مانند پرونده بابک زنجانی نشان می‌دهد که احکام ممکن است در مراحل بالاتر دچار تغییرات اساسی شوند.

عطا بهرامی کارشناس اقتصادی | دولت رئیسی با این تصور وارد عمل شد که ناظران قبلی عملکرد ضعیفی داشته‌اند و با تغییر آن‌ها می‌توان مشکلات را حل کرد اما واقعیت این است که مشکل فراتر از این است. نظام قیمت‌گذاری ارزی و چندنرخ بودن آن، ذاتاً مشکل‌ساز است. حتی با تغییر ناظران، اگر ساختار اصلاح نشود، مشکلات ادامه خواهند داشت.

اقتصاد سیاسی
۲۰۳۰-۱۰-۱۱



**حامیان
دولت رئیسی
پس از حکم دادگاه
طلبکار شدند**

**پیش‌بینی دلار
۱۰۰ هزار تومانی
در دولت
سیزدهم**

گزارش
جامعه
۱۳-۱۲

مواجهه نسل «زد» و «وای»

**متولدان دهه‌های ۶۰ و ۸۰
مقابل هم نشستند و از کنشگری
اجتماعی و سیاسی گفتند**

یونس خسرو بیگی دبیر کانون آسیب‌های اجتماعی دانشگاه تهران

نکنه اینجاست که این نسل در مقایسه با نسل قبلی در ایران و هم‌نسلان خود در کشورهای دیگر، بسیار ضعیف عمل کرده. هفته پیش دکتر فرستخواه، جامعه‌شناس اعلام کرد که آمار فعالیت‌های داوطلبانه در کشورهای اروپایی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد اما در ایران این آمار یک درصد است؛ آماری که بسیار عجیب است. البته مشخص هم نیست که این یک درصد از کدام نسل است.

گزارش
سیاست
۴-۵

راهبرد عبور از بحران

**فعالان سیاسی اصلاح طلب
پیشنهاد‌های خود را خطاب به دولت
پزشکیان مطرح کردند**

حمید رضا جلائی پور استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

در چنین شرایطی دولت پزشکیان شایسته است رویکرد وفاقی‌اش را سامان یافته‌تر و شفاف‌تر پیگیری کند. بدین معنا که: دولت پزشکیان نباید مسئولیت پیامدهای تندروی‌های رادیکال‌ها را به عهده بگیرد؛ حلقه مدیریت در ساختمان ریاست جمهوری (پاستور) را منسجم‌تر و کارتر بکند. معاونت اجرایی رئیس‌جمهور سابقه کار در امور کلان کشور را ندارد یا افراد کاربلد مثل طیب‌نیا رانده می‌شوند.

سرمقاله
بی‌اطلاع نبودند

همیشه فکر می‌شد که فهم و درک آشکار و پنهان مقامات دولت پیشین از واقعیت یکسان است و این موجب تأسف بود که چرا تا این اندازه درک نادرستی از واقعیات سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی دارند. اکنون معلوم شده که حداقل در مسائل اقتصادی چنین نبوده و کارشناسانی بوده‌اند که راه‌را از چاه به آنان نشان می‌دادند و اگر عمل نمی‌کردند، این مشکل و بحث دیگری است. اخیراً تصویر نامه‌ای به شماره ۲۸۴۴۵ با قید فوریت و خطاب به اکثریت اعضای کابینه دولت رئیسی منتشر شده که به تاریخ ابتدای سال و به امضای رئیس دفتر آقای رئیسی است و به پیوست آن تصویر طرحی از ستاد راهبردی تحول دولت را با عنوان «رفع ناترازی انرژی و عادلانه‌سازی بارانه‌ها» ارسال کرده و خواهان دریافت نظرات اعضای هیئت دولت شده است. در این طرح، جدولی وجود دارد که متغیرهای اصلی اقتصاد را در پایان امسال (۱۴۰۳) طی دو سناریوی اصلی و دو سناریوی فرعی پیش‌بینی می‌کند. سناریوی اصلی اول، ادامه وضع موجود در سیاست‌های انرژی و ارزی است. سناریوی اصلی دوم، اجرای طرح پیشنهادی و پیوست از اردیبهشت ۱۴۰۳ است.

در اینجا فقط دو شاخص نرخ تورم و نرخ ارز را از مطالعه مزبور توضیح می‌دهیم. در سناریوی اول یا ادامه وضع موجود، اگر شرایط بین‌المللی و تحریم‌ها تغییر نکنند، در پایان سال تورم به ۴۵ درصد و دلار به ۹۰ هزار تومان خواهد رسید و اگر اوضاع تشدید شود، همچنان که با درگیری‌های نظامی و آمدن ترامپ چنین شده است، تورم در پایان سال به ۵۰ درصد و دلار به ۱۰۰ هزار تومان می‌رسد. این وضعیت فراتر از این است که چه کسی مدیر باشد و حتی با وجود بهترین مدیران چنین خواهد شد. سناریوی دوم اجرای طرح مزبور از اردیبهشت امسال است که در صورت عدم تغییر شرایط بین‌المللی و تحریم‌ها، تورم به ۳۰ درصد و نرخ ارز به ۷۰ هزار تومان خواهد رسید؛ و اگر شرایط بین‌المللی بدتر شود حتی با اجرای این طرح نیز تورم به ۴۵ درصد و دلار به ۹۰ هزار تومان خواهد رسید. فراموش نکنیم که آنان تصور نمی‌کردند که شکاف عمیقی در ساختار داخلی به وجود آید و مجلس با تمام توان مقابله کند که این نیز بر وخامت اوضاع می‌افزاید. مطابق این تحلیل، جامعه ما اکنون در وضعیت عدم اجرای سیاست اصلاح انرژی است. همچنین، تحریم‌ها و شرایط بین‌المللی نیز بسیار بدتر شده است و باید نرخ تورم در پایان سال ۵۰ درصد و نرخ دلار ۱۰۰ هزار تومان شده باشد. با قاطعیت می‌توان گفت که تورم حتی به ۴۰ درصد هم نخواهد رسید و وضعیت دلار هم در بدترین حالت به رقم پیش‌بینی شده در این گزارش خواهد رسید. ❏

دادگاه چای دیش/عکس: مهرداد اصفهانی/میزان

میانجیگری روسیه و عواقب آن



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

مقام‌های رسمی کاخ کرملین از طرح مسئله هسته‌ای ایران در مذاکرات هیئت‌های بلندپایه روسیه و آمریکا در ریاض خبر داده‌اند و در عین حال تأیید کرده‌اند که این مسئله به صورتی مجزا در مذاکرات آتی دو طرف بر سر جنگ اوکراین، مورد بحث قرار خواهد گرفت. روس‌ها آمادگی خود را برای میانجیگری بر سر این موضوع اعلام کرده‌اند و خواستار حل اختلافات ایران و آمریکا از راه گفت‌وگو و مذاکره شده‌اند. طبق گزارش رسانه‌ها، ترامپ و تیم همکارش نیز خواستار دخالت مسکود در این زمینه شده‌اند.

با این حساب، در روزهای آینده روس‌ها برای کمک به حل اختلافات بین ایران و آمریکا به طور جدی وارد صحنه خواهند شد. این حرکت غیرمتربقه که ناشی از گرم شدن روابط پوتین و ترامپ و تمایل آنان برای پایان دادن به جنگ اوکراین است، قاعدتاً پرسش‌های بسیاری با خود به همراه دارد؛ پرسش‌هایی از این قبیل که آیا اقدام روسیه برای ایران تهدید است یا فرصت؟ فرمول مورد نظر آنها برای حل اختلافات ایران و آمریکا چیست؟ واکنش تهران به میانجیگری آنها چه خواهد بود؟

در بین اغلب ایرانیان به روسیه به عنوان کشوری غیرقابل اعتماد نگریسته می‌شود. این نگرش سابقه تاریخی دارد اما در سال‌های اخیر به نظریه توطئه هم آغشته شده است. برخی محافل ایرانی، روسیه را عامل اصلی و پشت صحنه منازعات بین جمهوری اسلامی و دنیای غرب می‌دانند و بر این تصورند که آن کشور از انزوا و تحریم ایران سود می‌برد و به همین دلیل در مسیر آشتی تهران با اروپا و آمریکا سنگ‌اندازی می‌کند. این تصورات تا آنجا گسترش یافته است که برخی افراد عزل محمدجواد ظریف از معاونت راهبردی رئیس جمهور را با سفر اخیر سرگئی لاروف وزیر خارجه روسیه به تهران بی‌ارتباط نمی‌دانند و دست روس‌ها را در پشت ماجرا می‌بینند! روشن است که روس‌ها در جریان جنگ اوکراین که روابطشان با آمریکا و اروپا بسیار تیره شد، علاقه‌ای به بهبود روابط ایران و غرب نداشته‌اند و با استفاده از پهنادهای انتحاری ایران علیه مواضع اوکراین می‌کوشیدند تا رابطه تهران با بروکسل و واشنگتن را هر چه بیشتر به‌خامت بکشانند.

از طرفی در ایران هم برخی محافل، شاخ به شاخ شدن روسیه با غرب بر سر اوکراین را همچون فرصتی برای اتحاد استراتژیک با روسیه و تغییر نظم بین‌الملل می‌دیدند و آشکارا از سیاست نزدیکی هر چه بیشتر با مسکو حمایت می‌کردند.

با این حال، در تمام سه سال گذشته که روسیه درگیر جنگ اوکراین بوده است، مسکو و تهران در بسیاری از مسائل منطقه‌ای، افق و جهت همسانی نداشته‌اند و در برخی مراحل اختلافاتشان از پرده بیرون افتاده است. در سال‌های اخیر روس‌ها ضمن علاقه به حفظ رابطه خود با جمهوری اسلامی، برای رابطه گرم و نزدیک خود با تمام کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس به‌خصوص عربستان و امارات و بحرین، اهمیت زیادی قائل بودند و در یک مرحله حتی از ادعای امارات در مورد سه جزیره ایرانی در خلیج فارس حمایت کردند. اضافه بر این، روس‌ها هیچ‌گاه، هیچ تمایلی به تیره شدن روابط خود

با اسرائیل نداشته‌اند و به طور واضح با نوع رویکرد جمهوری اسلامی در این باره، فاصله خود را حفظ کرده‌اند. به واقع، براساس یک قاعده رایج در روابط بین‌الملل، روسیه رابطه خود را با ایران در چارچوب منافع کلان خود دنبال می‌کند، یعنی همان کاری که دیگر کشورها هم انجام می‌دهند، به عبارت روشن‌تر، تعقیب منافع یک کشور در نظام بین‌الملل امری تابع بازی شطرنج همواره متغیر جهانی است که با جایگاهی دائمی مهره‌های متعدد، آرایش آن به هم می‌خورد و این نیز به نوبه خود بازی تازه‌ای را از سوی بازیگران طلب می‌کند.

ظاهراً این فقط در کشور ماست که محافل متنفذی، امور جهان را از ازل تا به ابد منجمد می‌دانند و هرگونه تغییر و تحول و انعطاف در برابر رویدادها را اصول از «اصول لایتغیر» خود قلمداد می‌کنند! به هر حال، با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، آرایش بازی شطرنج جهان به کلی دگرگون شده است. عمده تحول در این مورد به خارج شدن روابط آمریکا و روسیه از تیرگی و حرکت به سمت بهبود و چه‌بسا همگرایی بین‌المللی است. طبیعی است که روس‌ها، ساز خود را با آهنگ جدید هم‌ساز کنند و این کار را پیشاپیش آغاز کرده‌اند! در ماه‌های اخیر روسیه و اسرائیل علائم فراوانی از بهبود رابطه خود نشان داده‌اند. اسرائیل برای خوشایند کرملین به قطعنامه اروپا در مجمع عمومی سازمان ملل در کنار کشورهای چو کره شمالی و روسیه سفید رأی منفی داد و پس از آن، گزارش‌ها از تلاش دولت نتانیاهو برای متقاعد کردن آمریکا به موافقت با حفظ پایگاه‌های نظامی روسیه در بندر طرطوس سوریه حکایت دارد. روسیه نیز در مقابل، کمترین انتقادی نسبت به سیاست دولت نتانیاهو در برابر نوارغزه، سوریه و لبنان مطرح نکرده و در عین حال، از مقام‌های اسرائیلی برای حضور در مراسم رژه ارتش روسیه به مناسبت سالگرد شکست آلمان نازی دعوت به عمل آورده است. ظاهراً روس‌ها پی برده‌اند که لای دولت نتانیاهو در تعیین برخی سیاست‌های کاخ سفید بسیار مؤثر است و از همین رو، برای جلب نظر ترامپ و پایان جنگ اوکراین دست به کار همراهی با دولت اسرائیل شده‌اند.

حال با چنین رویکردی، آیا مداخله پوتین در منازعه اتمی ایران را باید فرصتی برای جمهوری اسلامی به شمار آورد یا تهدید؟ در واقع، پاسخ به این پرسش مستلزم آگاهی از نوع فرمولی است که روس‌ها برای حل اختلافات ایران و آمریکا به عنوان میانجیگر در نظر گرفته‌اند. درباره فرمول مورد نظر آنها تا این لحظه هیچ اطلاعی در دست نیست. با این حال، به نظر می‌رسد که هدف اصلی روس‌ها جلوگیری از جنگ و برخورد نظامی بین آمریکا و اسرائیل از یک طرف و ایران از طرف دیگر باشد. این هدف در هر حال، می‌تواند فرصت به حساب آید به‌خصوص اگر همراه با ارائه تضمین‌های امنیتی طرف‌های مقابل به ایران و رفع کامل تحریم‌ها باشد. با این حال، واضح است که دستیابی به چنین هدفی جز از راه انعطاف‌های بسیار درناک از سوی تهران امکان‌پذیر نباشد.

نوع واکنش جمهوری اسلامی به میانجیگری روس‌ها نیز همچنان محل ابهام است. بدون تردید دست‌زدن به سینه روس‌ها، عواقب بسیاری دارد و چه‌بسا آنها را به همراهی با آمریکا و اسرائیل علیه ایران به‌بهای دریافت امتیازاتی در جنگ اوکراین ترغیب کند. پاسخ آری به میانجیگری روس‌ها نیز مستلزم تغییر آرایش نیروهای سیاسی در داخل و انزوا و طیف‌های تندروتر است که این نیز بسیار بعید است به آرا می‌یابیم و بدون در دسر صورت گیرد.

به هر صورت با آغاز سال نو، ماجراهای بسیاری در پیش است.

در واکنش به تلاش دوباره تندروها برای ابلاغ قانون حجاب

پزشکیان: در مقابل مردم نخواهم ایستاد

قانون حجاب را داشت. طی روزهای گذشته تحصنی محدود از سوی چند نفر نیز با درخواست ابلاغ این قانون از سوی رئیس مجلس برگزار شده است و هنوز ادامه دارد. در حال حاضر، دبیر شورایعالی امنیت ملی جلوی ابلاغ این قانون را به خاطر تبعاتی که برای جامعه و کشور به دنبال خواهد داشت، گرفته است. مسعود پزشکیان نیز با توجه به همین ملاحظات، پیش از این قانون حجاب و عفاف را ابلاغ نکرد. با توجه به ورود شورایی‌ها امنیت ملی به این موضوع، رئیس مجلس نیز تاکنون از ابلاغ قانون مذکور خودداری کرده است. در حال حاضر، فشار زیادی از سوی تندروها برای اجرایی شدن این قانون وجود دارد.

اینکه این افراد می‌دانند و آگاهانه انکار می‌کنند تا سهم بیشتری از قدرت ببرند. جالب اینکه پیش‌بینی‌های جدول مزبور درباره ناترازی برق و گاز و بزین نیز نزدیک به واقعیت است. کشوری هستیم که درگیر یک شبهه‌جنگ خارجی است و در عین حال، با بیشترین تنش‌های سیاسی درون‌ساختاری هم مواجهیم. این باعث تأسف فراوان است که تا این اندازه شاهد عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی سیاسی شده‌ایم.

حامیان دولت رئیسی طلبکار شدند

بررسی واکنش مدیران دولت سیزدهم پس از حکم دادگاه چای دیش

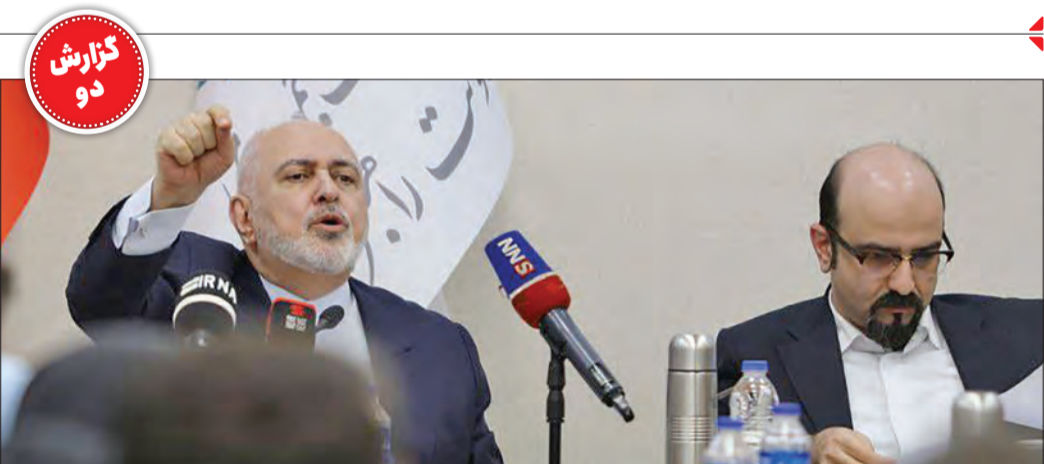
نیز به این موضوع ورود کردند. این کنش‌های رسانه‌ای پس از حضور سنگنجوی دستگاه قضا در تلویزیون شدیدتر شد. روز گذشته دفتر سیدرضا فاطمی امین با انتشار بیانیه‌ای به صحبت‌های جهانگیر واکنش نشان داد. در بخشی از این بیانیه می‌خوانیم: «آیا وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌تواند شخصاً فعالیت‌های ۱۶۰۰۰ نفر از کارکنان وزارت صمت و همه مجوزهای صادرشده را بررسی و کنترل کند؟ آیا وزیر باید حدود ۱۵۰ هزار ثبت سفارش در ۵۰۰ نوع کالا (ریف تعرفه) که توسط ده‌ها هزار واردکننده، وارد می‌شوند را خودش بررسی کند تا اهمال نکرده باشد؟ اگر قرار باشد صادرکننده مجوز کسب‌وکار آن‌هم بالاترین مقام آن سازمان در تخلفات و جرائم احتمالی دریافت‌کنندگان مجوز معاونت داشته‌باشد؛ پس وزیر صمت در تخلفات و جرائم احتمالی حدود ۷۰ هزار واحد صنعتی، ۱۰ هزار معدن، ۳ میلیون واحد صنفی، ۵۰ هزار متقاضی سرمایه‌گذاری، ۴۰ هزار دارنده کارت بازرگانی، ۹۰ هزار انبار و سالیانه بیش از ۱۵۰ هزار ثبت سفارش معاونت دارد! مثلاً وزیر صمت باید در پرونده بدهکاران بانکی هم متهم شود! با چنین رویکردی همه مسئولان کشور، متخلف و مجرم هستند!»

▼ چرا وزرای روحانی دادگاهی نشدند؟

امیرحسین ثابتی، نماینده تهران روز گذشته در مجلس گفت: «قوه قضائیه اولویت‌های ترک فعل را در پرونده چای دیش فراموش نکند؛ این ماجرا از سال ۹۸ شروع شد. چرا هیچ کدام از وزرای دولت روحانی مورد برخورد قرار نگرفتند؟ اگر بنای ورود به ترک فعل‌ها را دارید، چرا به پرونده امثال رنگنه و آخوندی و نعمت‌زاده و همتی به خاطر ترک فعل و سوءتدبیرهایشان رسیدگی نمی‌شود؟» محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد دولت سیزدهم قبلمی از صحبت‌های رئیس جمهور مر حوم چهار روز قبل از سقوط هلی کوپتر که از سه روز قبل در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده را منتشر کرد و نوشت: «این صدای همراه با بغض، مظلومیت و ولایت‌پذیری رئیسی شهید را چهار روز قبل از شهادت، مجدد بنیید و بشنویید. بدانید نور الهی خاموش شدنی نیست؛ او بزرگ و عزیز است و این مقام را خدایش به او داده است. با تهمت و ظلم و ستم به او بدنامی را در همین حیات دنیوی تجربه خواهید کرد. ان‌الله عزیز ذو انتقام.» سیدابراهیم رئیسی در این فیلم، در جریان جلسه هیئت دولت می‌گوید که با توجه به توصیه مقام رهبری درباره عدم طرح موضوعاتی که زمینه ایجاد اختلاف میان قوا را دارد، از طرح چنین مباحثی خودداری می‌کند.

▼ تکلیف دیگر پرونده‌های «ترک فعل» هم روشن کنید

علی نادری، مدیرعامل سابق خبرگزاری ایرنا در دولت سیزدهم از اولین مدیران میانی و چهره‌های آشکار این دولت بود که به این احکام واکنش نشان داد. نادری در توییتش نوشت: «آنچه از متن حکم فاطمی امین و ساداتی‌نژاد و میزان مجازات‌شان بر می‌آید، محکومیت بابت قصور و کوتاهی است که منجر



پشت پرده رفتن ظریف

ظریف هزینه تعمیرات ساختمان معاونت را خود پرداخت کرده است؟ گفت: «هزینه تعمیر نه‌اما هزینه احداث یک سال بزرگ ۸۰ نفره را پرداخت کرد؛ آنچه از منابع غیردولتی.»

او درباره استعفای ظریف تأکید کرد: «ایشان استعفا ندادند و تلقی‌اش این است که از کار کنار گذاشته شده است. این دو مفهوم خیلی متفاوت است. حال کسانی که می‌خواهند تقصیرات خود را بیوشانند یا افرادی که از همه گرایش‌ها به غایت می‌ترسند در تلاشند که برچسب‌هایی مانند دادن استعفا... به ایشان بزنند. از سوی دیگر یک‌صدم این فشارهای داخل و خارج و برچسب‌هایی که ظریف متحمل می‌شود، باعث حذف شدن یا انصراف دادن هر کس دیگری در ایران می‌شود. می‌خواهند این برچسب‌ها و فشارها با ظریف مقابله کنند. چون توان مقابله از جنس دیگری را ندارند و تلاش می‌کنند ایشان را لوٹ کنند.»

معاون سیاسی و بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست جمهوری تأکید کرد: «به هر حال آقای اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه ایشان را دعوت کرده و توضیحاتی که در مورد ارجاع پرونده از طرف مجلس به دیوان عدالت اداری دادند، این تلقی را برای آقای ظریف به وجود آورده که کنار گذاشته شده است و ایشان با این امر در واقع موافقت کردند. بنابراین این به معنی «استعفا» نیست.» او با اشاره به اینکه از همان زمان ظریف به معاونت راهبردی هم نرفته است، گفت: «ایشان به دانشگاه برگشتند.» کریمی در پاسخ به این سوال که ظریف می‌توانست چه

گروه خبر: ساسان کریمی، معاون سیاسی و بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست جمهوری به هم‌میهن گفت: «روندهای داخل دولت می‌توانست تسهیل بیشتری برای کار آقای ظریف فراهم کند. اما اینطور نبود. اگر اسم آن را مانع‌تراشی نگذاریم، حتی به نظر می‌رسید کم‌لطفی‌هایی در دولت به وجود آمده است که باعث گلایه ایشان مبنی بر عدم حمایت در مقابل قانون مشاغل حساس شده بود. تشکیل یک معاونت جدید نیازمند حمایت‌های بیشتری از طرف رئیس جمهور و دولت بود که متأسفانه انجام نشد.» او با اشاره به اینکه ظریف تواضع و توان بسیار زیادی دارد، افزود: «بخشی‌را از منابع شخصی خود جبران کردند، اما به هر حال انباشت گلایه‌ها باعث این اتفاق شد. لایحه اصلاح قانون مشاغل حساس متأسفانه طوری که مینا بود تنظیم نشد و دستوراتی که صادر شده بود برای خارج شدن تابعیت قهری از این قانون، انجام نشد و دوستان در تنظیم پیش‌نویس لایحه دنبال حل مشکل خود بودند و به همین دلیل هم لایحه از مجلس برگشت چون تمام خوداکنسای‌ها و... که هدف قانون بود نیز در این اصلاحات لحاظ شده بود. در حقیقت حضور آقای ظریف را هزینه حل مشکل خودشان کردند. مشکل که به این شکل حل نمی‌شود و دوستانی که خود و فرزندان‌شان دارای تابعیت اکنسای بودند به دنبال حل مشکل خود بودند. به همین دلیل هم از حل مشکلی که به ناقح برای آقای ظریف پیش آمده بود، خودداری کردند.» کریمی در پاسخ به این سوال که آقای

بازتاب

تاجر همیشه مقروض

درباره وضعیت اوکراین و به بهانه یادداشت سردبیر

مجتبی محکم
روزنامه‌نگار

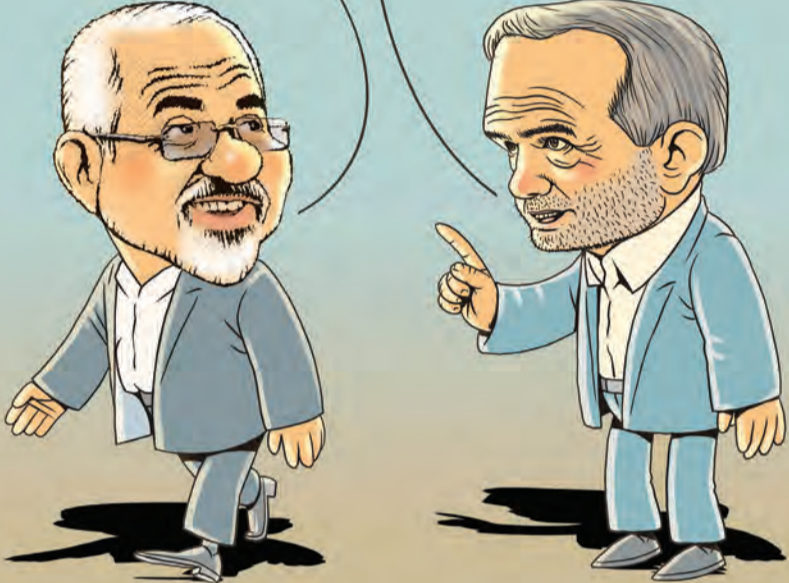
پیش از ورود به بحث، از استاد عزیزم محمدجواد روح، تشکر می‌کنم که این مجال را برای من فراهم کردند تا بتوانم در نقد یادداشت ایشان با عنوان «دیوار کوتاه رلنسکی» مطلبی بنویسم. اشتباه‌های رلنسکی و به‌طور کلی اوکراین در نحوه تعامل با روسیه مربوط به امروز و دیروز نیست و این کشور در طول عمر کوتاهش از زمان استقلال از شوروی سابق تاکنون، در موارد متعددی تصمیم‌های نادرستی داشته که امروز با ظهور ترامپ دوم، علنی شده است. به بیان دیگر، وضعیت اوکراین همچون حال و روز تاجری است که برای سریا نگر داشته‌ن تجارت‌ور شکسته‌اش، مداوماً خود را مقروض اطرافیان کرده، اما اکنون وارث یکی از همین قرض‌دهنده‌ها پیش از آنکه خاک پدر را از رخت‌خواب پاک کند، ناگاه از گرد راه رسیده و نقد خود را از آن تاجر طلب کرده است. این بستناکار گستاخ اما چون پاسخ مطلوب نمی‌شود، حرمت‌نگه نمی‌دارد و آبرویی برای آن تاجر نگویند بخت باقی نمی‌گذارد. بنابراین، نباید نادان اوکراین به جنگ با روسیه در سال ۲۰۲۲ تا اولین مرحله از مقابله دو کشور فرض کنیم، بلکه باید ریشه این تقلیل را در روندی جست‌وجو کنیم که در طول سال‌های متمادی ادامه داشته و اکنون کار اوکراین را به اینجا کشانده است. اولین اشتباه اوکراین در ارتباط با روسیه، به سال‌های اول ایجاد آن بازمی‌گردد؛ زمانی که سلاح‌های هسته‌ای باقی‌مانده از شوروی سابق را به روسیه تحویل داد. در آن زمان البته هنوز روسیه نتوانسته بود از گردو خاک‌های حاصل از فروپاشی شوروی سابق، بیرون بیاید و اوکراینی‌ها با این خیال که روسیه هرگز علیه آنان اقدامی نخواهد کرد، سلاح‌های هسته‌ای را تحویل دادند. با اینکه در آن هنگام، غرب به رهبری آمریکا به اوکراین بابت تحویل این سلاح‌ها تضمین‌های دفاعی و امنیتی داد، اما از همان زمان معلوم بود که اگر تقابلی میان اوکراین و روسیه رخ بدهد، این تضمین‌ها نمی‌تواند برای اوکراین کاری انجام دهد؛ از این رو در همان دوران بودند کسانی که این تقابل احتمالی را پیش‌بینی می‌کردند و تحویل این سلاح‌های حساس به روسیه را نادرست می‌دانستند. از مشهورترین این اشخاص در آن زمان، جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه شیکاگو بود که در سال ۱۹۹۳ در مقاله‌ای نظیر مخالف خود را در این زمینه مطرح کرد. اشتباه بعدی اوکراین در سال ۲۰۰۸ رخ داد، هنگامی که این کشور رسماً درخواست خود برای پیوستن به ناتو را مطرح کرد، بدون اینکه در نظر داشته‌باشد این درخواست می‌تواند نگرانی جدی روسیه را برانگیزد؛ روسیه‌ای که با رهبری پوتین نتوانسته بود دوران ضعف پس از فروپاشی شوروی را پشت سر بگذارد و مقتدرانه به عرصه بین‌المللی بازگردد. با این حال، به‌رغم نگرانی‌های جدی روسیه در زمینه تلاش اوکراین برای نزدیک شدن به ناتو و اتحادیه اروپا، این کشور همچنان بر خواسته‌های خود پافشاری کرد که این نهایتاً در سال ۲۰۱۴ به مداخله آشکار روسیه انجامید و جدا شدن شبه‌جزیره کریمه از اوکراین و پیوستن آن به روسیه را به دنبال داشت. در همه این سال‌ها، اشخاصی همچون مرشایمر، به اوکراین هشدار می‌دادند که ادامه این رفتارها به نفع این کشور نیست و نتیجه‌ای جز حساسیت روسیه در پی نخواهد داشت. البته این هشدارها در اوکراین و حتی اروپا و آمریکا گوش شنوایی نمی‌یافت. یادآوری این نکته نیز ضروری است که اوکراین اقلیت قابل توجهی روس‌تبار دارد که اکثر آنها در مناطق استراتژیک این کشور یعنی مرز روسیه و شبه‌جزیره کریمه و سواحل دریای سیاه ساکن هستند که این وضعیت همواره وحدت سرزمینی اوکراین را مورد خدشه قرار داده است. با اینکه در سال‌های اولیه استقلال اوکراین به این اقلیت توجه می‌شد و حتی در اوکراین روس‌تباران در امور سیاسی و اقتصادی سهم داشتند، اما در ادامه پس از اصرار اکثریت مردم اوکراین بر نزدیک شدن به ناتو و اتحادیه اروپا، وجود همین اقلیت روس که فرصتی برای تظلم‌طلبی رابطه اوکراین با روسیه بود، به عاملی برای تهدید این رابطه تبدیل شد. در واقع روی کار آمدن رلنسکی در سال ۲۰۱۹ در شرایطی رخ داد که در طول سال‌های بعد از جدایی شبه‌جزیره کریمه تا آغاز جنگ تمام‌عیار روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه از شبه‌نظامیانی که بر برخی مناطق روس نشین اوکراین فعالیت می‌کردند حمایت می‌کرد و البته هشدار می‌داد که پیوستن اوکراین به ناتو را تحمل نخواهد کرد؛ چرا که این مسئله را «تهدید وجودی» تلقی می‌کند و باز هم در همین دوره اشخاصی همچون مرشایمر، در این باره هشدار می‌دادند. به بیان دیگر، مردم اوکراین به صورت عام و رلنسکی به‌صورت خاص، نمی‌توانند از بار مسئولیت اصرار خود برای پیوستن به ناتو شانه خالی کنند چرا که هشدارهای لازم را در این باره دریافت کرده بودند. البته باید به این نکته اشاره شود که به‌لحاظ حقوقی، این حق مردم یک کشور است که برای پیوستن به یک پیمان منطقه‌ای یا جهانی تصمیم بگیرند، اما واقعیت مناسبات سیاسی این است که دستیابی به «حق» بدون داشتن پشتوانه «قدرت» واقعیت پیدا نمی‌کند. موضوع دیگری که باید مورد توجه باشد این است که گرچه اشخاصی همچون مرشایمر به سبب داشتن دیدگاه مستقل علمی نمی‌توانند در رسانه‌های جریان اصلی حضور بر جسته داشته‌باشند، اما وظیفه دولت‌مردان یک کشور این است که در اتخاذ تصمیم‌های خود به دیدگاه همه کارشناسان توجه کنند و خود را به گروهی خاص که معمولاً دارای گرایش‌ها و منافع سیاسی هستند، محدود نسازند و از محتوای رسانه‌های اجتماعی نیز برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری استفاده کنند. بنابراین، رلنسکی به نمایندگی از مردم اوکراین در کوتاه ماندن دیوارش مسئول است و همین وضعیتی است که او را در موقعیت فتنه‌ای قرار داده که هر رهگیری را برای پای‌زدن و سوسو می‌کند. البته رهگذاران عرصه سیاست که او را مورد نوازش قرار می‌دهند باید به این نکته بیندیشند که ممکن است روزی خود در چنین موقعیتی قرار گیرند و دست‌نارم روزگار آنان را نیز نوازش کنند.

جمال رحمتی

عکاس و روزنامه‌نگار

نرو جواد نرو!

وقتی قراره مذاکره نکنی
خب با یه مخالف مذاکره
وفاق کن مسعود!



J A M A L

عکس نوشت

ماهی قرمز کوچولو

درباره عکسی از فروش ماهی قرمز یا گلد فیش

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

روزهای عمر مثل برق و باد می‌گذرد. یک سال دیگر هم گذشت و به آرزوهایمان نرسیدیم. ناشکری نمی‌کنم اما انگار خدا آمیزد را ساخته که ناراضی باشی. از همان روزی که پدرمان رضه رضان به دو گندم و فروخت دیگر این بنی پش‌رنگ آرامش و آسایش به خود ندید که ننمید. البته کسی چه می‌داند شاید حکمت این عالم یا قدر الهی همین بوده که ما به این دنیا بیاییم، پنج بربیم و روزی هم ربق رحمت را سر بکشیم... و... اصلاً شاید همین ناراضی بودن و بیشتر خواستن است که باعث و بانی رشد و پیشرفت‌مان می‌شود. حالا اینکه «پیش کدام رفتی» را شما بهتر از من می‌دانید. شده ام مثل این پیر مرد های غرغربی که عصر به عصر چهارپایه آهنی شان را بر می‌دارند و دم خانه می‌نشینند و به زمین و زمان فحش می‌دهند. اما یکی به من بگویند مگر همین دیروز نبود که چهارشنبه‌سوری بود و زردی خودمان را به آتش دادیم و سرخی اش را گرفتیم؟ مگر همین دیروز نبود که دور سفره هفت‌سین نشستیم و حول حالنا ای احسن الحال خواندیم؟ مگر همین دیروز نبود که از دستفروش کنار خیابان ماهی قرمز کوچولو خریدیم و فرارسیدن نوروز باستانی را به جشن نشستیم؟ روزها گذشت... روزهای سخت و عجیبی هم گذشت، اما یک لحظه به عقب نگاه کنی، چشم بر هم زدم و به خودمان آمدیم و دیدیم دوباره دستفروش‌ها توی پیاده‌رو آوار پیوم گذاشته‌اند و گلد فیش‌ها را میهمان خانه‌هایمان می‌کنند. حالا دوباره وقت آن رسیده که طرفداران و کارشناسان محیط زیست پایشان به صفحات روزنامه‌ها باز شود و در مذمت نگهداری و خریدن ماهی قرمز سخنرانی کنند. وقت آن رسیده بیایند و بگویند این نوع خاص از ماهی چنان سخت‌جان است که هیچ رقمه نمی‌میرد و اگر خدایی ناکرده هوس کنی بعد از مراسم نوروز به رودخانه و دریاچه بسیار بدشان پدر صاحب بچه اگوسیتتم را در می‌آورد و چه چه، خدا می‌داند نگارنده که من باشم آدمی بددغه‌ای نیستم. حتی خیلی وقت‌ها فیلتر سیگار یا آدامس جویده‌ام را توی دستمال می‌پیچم و در جیبم می‌گذارم که مبادا چیزی خسته محیط زیست ترکش بیشتر شود. اما یکی بیاید به من خسته‌دل می‌سرم و سامان بگویند این ماهی قرمزی که شاید چند روز رنگ زندگی به خانه‌ام می‌بخشد آزارش به می‌کمی رسد؟ اصلاً این ماهی قرمزی که هر سال همه‌جوره‌ها را داشتیم، غذایش را به موقع دادم. آب‌بی کلرش را به وقت عوض کردم اما سبزه نشده روی آب آمد و دل سنگ مرا همچون رنگش سرخ کرد مگر اصلاح‌زنده می‌ماند که بخواید به محیط زیست آسیب برساند؟



عکس: مجتبی محمدری / ایرنا

به فساد دیش شده است. صرف نظر از اینکه آیا قصوری متوجه آنها بوده یا نه، موارد متعددی از قصور مدیران ارشد می‌توان برشمرد که موجب ضرر میلیاردی دلاری به کشور و جیب مردم شده. اما آیا همه این موارد رسیدگی شده و برایشان حکمی صادر شده است؟ نمونه‌اش دیروز در مجلس بررسی شد؛ عملکرد یک وزیر چهل درصد افزایش قیمت ارز را به دنبال داشته، اگر از کارنامه این مدیر و تأثیرش در افزایش قیمت ارز در زمان ریاست بانک مرکزی صرف‌نظر کنیم یا ماجرای کرسنت و عملکرد وزیر وقت که با وجود میلیاردی دلار ضرر به کشور پس از سال‌ها همچنان مفتوح است. صرف‌نظر از اینکه این دو وزیر در کشف فساد دیش پیش قدم هم بوده‌اند، شائبه سیاسی بودن احکام اخیر (که در برخی محافل مطرح شده)، با جریان انداختن امثال این پرونده‌ها است که مرتفع خواهد شد.»

ضابط پاسخگو باشد

تینتر یک روزنامه جوان در روز چهارشنبه آنگره چه در حمایت از قوه قضائیه بود، اما در نیم‌تای پایین صفحه اول این روزنامه یادداشتی به قلم دبیر سرویس اجتماعی چاپ شده بود که جالب توجه است. در این یادداشت آمده بود: «۲۴ جلسه فشرده در کمتر از ۱۶ ماه زمان برد تا پرونده موسوم به دیش به رأی برسد. این رسیدگی فوری که قوه قضائیه خیلی از بابت آن برای خود به درستی زست مبارزه بدون اغماض با فساد گرفت، ابهاماتی دارد. فارغ از بررسی محتوای پرونده که طبیعتاً در دسترس عموم یا حتی خصوصی همچون جامعه حقوقی هم نیست، پیگیری اخبار قضایی در همین ۱۶ ماه گذشته، پدیدآورنده این ابهامات است. پاسخ درست به این ابهامات، کار درست قوه قضائیه را در رسیدگی فوری و بدون اغماض به دیش تکمیل می‌کند. مطابق شنیده‌ها، ضابط پرونده دیش، وزارت اطلاعات بوده است. همین ضابط از وزاری که اکنون در پرونده دیش محکوم شده‌اند، به خاطر پیشگامی در جلوگیری از استمرار فساد و همکاری شان در برخورد با فساد دیش، تقدیر به عمل آورده است. چگونه وقتی ضابط پرونده از این وزرا تقدیر کرده است، دادگاه همان‌ها را محکوم کرده است؟! یا باید پذیرفت و ثابت کرد که ضابط بلاوجه بوده و باید با آن هم برخورد کرد، یا اینکه ناچار باید پذیرفت رأی صادره لااقل پیرامون وزرای دولت سیزدهم، بیشتر سیاسی است تا حقوقی و مبارزه بدون اغماض با فساد.»

هیچ گاه تسلیم باند‌های قدرت نشد

روز گذشته یادداشتی به قلم فردی به نام مرتضی فیروزآبادی نیز منتشر شد که گفته می‌شود یکی از معاونین کمیته امداد است. در این یادداشت آمده بود: «دکتر سیدرضا فاطمی امین را بیش از ۱۵ سال می‌شناسم و چند سال هم توفیق همکاری از نزدیک با ایشان را داشته‌ام. به یقین ایشان یکی از پاک‌دست‌ترین و خوش‌فکرترین و به‌ویژه شجاع‌ترین مدیران جمهوری اسلامی ایران است. فراتر از اینکه ایشان هیچ‌گاه تسلیم فشارهای باندهای قدرت و ثروت نشده و در مدیریت و تصمیم‌گیری ملاحظه‌کسی را نکرده است؛ حتی اگر هزینه‌های سنگینی مثل استیضاح و پرداخت کرده باشد، محکومیت ایشان در پرونده گروه دیش، با این شرح که «وزیر می‌توانست نظارت بیشتری داشته‌باشد و از فساد پیشگیری کند» به معنای توسعه حد اکثری حیطه مدیریت مستقیم وزیر و سخت‌گیری حداکثری قوه قضائیه در مفهوم مبهم ترک فعل است. مهم‌ترین اشکال به این برداشت وسیع و سختگیرانه، تبعیض قائل شدن بین مدیران در این پرونده و مهمتر از آن ده‌ها مسئله دیگر کشور است. اگر در پرونده گروه دیش، جرم وزیر صمت این است که می‌توانسته بیشتر نظارت کند، به طریق اولی مورد انتظار است که ده‌ها مدیر در سلسله‌مدیریت از وزیر تا سطح تصمیم‌گیری در وزارت صمت و مهمتر از آن مسئولان عالی و میانی بانک مرکزی (که مسئولیت مستقیم در موضوع ارز دارند) هم در همین پرونده محکوم می‌شدند.»

نقشی را در دولت پزشکیان ایفا کند که به این همه فشار منجر شد؟ بیان کرد: «کشور ما دچار چالش‌ها و ابرچالش‌ها، بحران‌ها و ابربحران‌های جدی است که تعداد معدودی از جنس نازاری‌ها، برای مردم محسوس شده و تعداد بیشتر و فقرات مهم‌تر آن در آینده محسوس خواهد شد و نیازمند نگاه‌های فراجایی و فراموضعی راهبردی است که یک توان ذهنی و اشراف نظری دقیق و خاصی می‌خواهد که من به جز آقای ظریف در دولت کنونی سراغ ندارم. تعداد نیروهای انسانی متخصصی که بتوانند طراحی‌های راهبردی کلان داشته‌باشند، بسیار کم است که با افراد دیگر که به دنبال اقدامات جاری و روزمره‌اند تفاوت بسیاری دارند. برای رفتن به سمت طراحی نوعی حل مسائل فراجایی و فرامرزی کشور در افق‌های راهبردی به یک تیم در چه اولی (که خلا آن در دولت کاملاً محسوس می‌شد) نیاز بود. معاون سیاسی و بین‌المللی معاونت راهبردی ریاست جمهوری تاکید کرد: «ظریف باید از مدار خارج می‌شد تا ضعف‌های دیگران دیده نشود.» کریمی در پاسخ به این سوال که موضع آقای پزشکیان درباره این استعفا چیست؟ گفت: «آقای پزشکیان در ابتدا با این برداشت آقای ظریف مخالف بود و با نظر آقای از‌هی همراه نبود. تا جایی که شنیدم خواسته که ظریف برگردد اما شرایط داخلی دولت و حملات از خارج دولت در طول شش، هفت ماه گذشته به آقای ظریف، شرایط حمایت از ایشان را در چالش قرار داده است. ضمن آنکه آقای پزشکیان در ۷۲ ساعت گذشته موضع‌گیری علنی نکرده است و من شخصاً از این اقدام برداشتی مبنی بر عدم حمایت از ظریف دارم.»

او در پاسخ به این سوال که چرا دوگانه‌هایی درباره موازی کاری با وزارت امور خارجه مطرح می‌شود؟ آیا کار گروه ویژه دیپلماتیک در معاونت راهبردی ایجاد شده بود؟ گفت: «معاونت راهبردی چهار تا معاون داشت از جمله معاونت سیاسی و بین‌المللی، معاون اقتصادی زیربنایی، معاون اجتماعی و فرهنگی و راهبردهای ملی. وزن آقای ظریف در موضوعات بین‌المللی طبیعتاً معاونت سیاسی و بین‌المللی را بیشتر نمایان کرده است. اگر آقای بین‌بینی معاون راهبردی باشد طبیعتاً موضوعات اقتصادی رنگ بیشتری به خود می‌گیرد. علی‌احوال قرار نبود که موازی کاری صورت بگیرد و ما جلسات هفتگی به صورت مرتب با چند معاونت وزارت امور خارجه داریم.»

کریمی تاکید کرد: «آقای ظریف یک وجه شخصی هم دارد که حاصل توانمندی و سابقه ایشان است. ایشان معاون راهبردی بود اما نه به این معنی که الزاماً تمام معاونان در یک سطح رفتار کنند. اظهار من الشمس است که به جای استفاده از این توانایی‌ها، بیشتر از آن می‌ترسیم و مرتب دنبال بحث‌های سطحی هستیم مثل اینکه به یک بازیکن خوب مانند رونالدو بگوییم که گل زن بگذارد بقیه هم گل بزنند.»



دولت بدانند ما به هر کسی رای نمی دهیم

رسول بخشی دستجردی، نماینده اصفهان در مجلس در نشست علنی روز گذشته در تذکر شفاهی خطاب به دولت درباره استیضاح وزیر اقتصاد و گزینه بعدی برای این وزارتخانه تصریح کرد: «ما وزیر اقتصاد را به خاطر اندیشه‌ای که ۵۰ سال است در این وزارتخانه وجود داشت استیضاح کردیم و اگر دقت نشود چند وقت دیگر باید یک وزیر دیگر را با دلار ۲۰۰ هزار تومانی استیضاح کنیم.» وی در ادامه افزود: «دولت بدانند که مجلس به هر کسی رای نمی دهد و به وزیری رای می دهیم که برنامه منسجمی برای کاهش سفته‌بازی، دلالی و بهره داشته باشد و چرا که بهره بالا بلای جان اقتصاد کشور است.»



پزشکیان لجبازی می کند

کامران غضنفری، نماینده مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران درباره رفتن محمدجواد ظریف از دولت گفت: «آقای پزشکیان حتی پس از تذکرات متعدد نمایندگان مجلس درباره غیرقانونی بودن انتصاب آقای ظریف، زیر بار لغو این حکم خلاف قانون نرفته و عملاً مرتکب جرم شده است. این در حالی است که روز گذشته سخنگوی دولت اعلام کرده که رئیس جمهور هنوز استعفا ظریف را نپذیرفته است، این کار حتماً به معنای لجبازی با قانون و ایستادن در برابر قانون است و از آقای پزشکیان می خواهیم از این لجبازی دست بردار و قانون را بپذیرد، زیرا اگر این کار را انجام ندهد، نمایندگان مجلس پیگیری‌های قضایی خود علیه ایشان را ادامه می دهند که به هیچ وجه به نفع رئیس جمهور محترم نخواهد بود و پیامدهای خوبی نخواهد داشت.» او ادامه داد: «بررسی‌های نمایندگان مجلس نشان می دهد که نه فقط آقای ظریف، بلکه درباره بستگان پنج مدیر ارشد دولت چهاردهم شرایطی وجود دارد که می توان گفت انتصاب آن‌ها مانند ظریف برخلاف قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس است؛ از جمله آن‌ها می توان به آقایان عارف و قانچه‌پناه، معاون اول و معاون اجرایی رئیس جمهور اشاره کرد.»



می خواهند وفای را برهم بزنند

مهرداد گودرزوند، نماینده مجلس در جلسه روز گذشته گفت: «بر اساس اصل ۱۷۶ تصمیمات شورای عالی امنیت ملی روال قانونی داشته و اولویت دارد. همه ما نمایندگان مجلس باید پاسدار مجلس باشیم و نمی شود خودمان خلاف قانون اساسی، مطالبه غیرقانونی داشته باشیم. همه نمایندگان مجلس می دانند مصوبات شورای عالی امنیت پس از تایید مقام معظم رهبری قابل اجراست.» او ادامه داد: «متأسفانه جمعی از نمایندگان بر اساس یک خبر نادرست به این جمع‌بندی رسیدند که شورای عالی امنیت ملی مصوبه‌ای در مورد حجاب نداشته است. یکسری تندروهای اصلاح‌طلب با همکاری جمعی از افراد به دنبال این هستند که این وفای ملی را به هم بزنند؛ اگر واقعاً هیچ مصوبه‌ای وجود نداشته، آقای دکتر احمدیان به مجلس بیاید و توضیح بدهد. آقای دکتر جلیلی عضو شورای عالی امنیت ملی هستند، اگر دغدغه کشور دارند، بیایند توضیح بدهند.»

نظر خواهی

راهبرد عبور از بحران

پیشنهاد فعالان سیاسی اصلاح طلب به مسعود پزشکیان در پی فشارها و حملات اخیر به او

تسلیم یا استعفا؛ این دیدگاهی است که در روزهای اخیر و پس از آنکه یک وزیر دولت چهاردهم را برکنار کردند و معاون راهبردی رئیس جمهور را نیز به خانه فرستادند، در میان تحلیل‌های سیاسی به چشم می خورد. پزشکیان از ابتدا سعی کرد تا با شعار وفای ملی، تعاملی را با گروه‌های مختلف سیاسی در پیش بگیرد تا به زعم خود بتواند کار کشور را پیش ببرد اما از ابتدا به وی هشدارهایی نسبت به معنایی که از وفای تفاسیر کرده بود داده می شد، یا آن‌ها را نشنید یا نادیده گرفت، یا فکر می کرد که این رویکرد نتیجه خواهد داد. شاید حالا

منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست



با توجه به استیضاح وزیر اقتصاد و همچنین استعفاى معاون راهبردی رئیس جمهور، آیا آقای پزشکیان باید در رویکردهای مدیریتی خود تغییراتی ایجاد کنند؟

آقای پزشکیان وجود دارد این است که در انتخاب مسئولان و کاربردان این موضوع را رعایت نکرد. در انتخاب استانداران، وزرا و حتی معاونین خود این مسئله را رعایت نکرد. معاون پارلمانی ایشان آباکار پارلمانی انجام داده است؟ از چانه‌زنی در مجلس چیزی می داند؟ کسی می تواند معاون پارلمانی شود که چند دوره مجلس را تجربه کرده باشد، اینکه یک نفر از بیرون بیاید و معاون پارلمانی کنید، خلاف توسعه‌گرایی است. ایشان متأسفانه در انتخاب مدیران آن ضوابطی که اعلام کرده بود را رعایت نکرد. ایشان همان شعرهایی که داده بود را هم رعایت نمی کنند، اینکه مبنای کار توانایی، تجربه و تخصص است را نیز رعایت نکرده است. در استان مازندران استانداری را منصوب کرده است که یک روز هم بخشدار وزارت کشور نبوده است، فرد بسیار خوبی است و از همه استانداران نیز اصلاح طلبتر است اما کسی که استانداری را تجربه نکرده است، تا بخواد با بدنه استانداری آشنا بشود زمان می برد. اگر ایشان بتواند دولت توسعه‌گر تشکیل دهد، بوروکراسی فشل و ضد توسعه در ایران را اصلاح کند، در مقابل خط و نشان‌ها هم از نظر من دیگر اگر بنای رقبا کارشناسی است ایشان باید مردم را آگاه و افشاگری کند. باید افکار عمومی را آگاه کند و ایشان در این ایام متأسفانه نتوانسته است افکار عمومی را هم به سمت خود بیاورد و بخش اعظمی از مقبولیت خود را از دست داده است. مهمترین کار ایشان این است که بتواند افکار عمومی را همراه خود داشته باشد.



صادق نوروزی: جریانی که وزیر آقای پزشکیان را استیضاح کردند به دلیل مشکلات اقتصادی که پیش آمده، به جای اینکه به دلایل اصلی این شرایط بپردازند، رویکردی را در پیش گرفتند و خواستند به این شکل مردم را قانع کنند که تقصیر آقای همتی و دولت است. در صورتی که مشکل اصلی اقتصاد کشور به مسائل سیاست خارجی و تحریم‌ها باز می گردد و همانطور که آقای پزشکیان در مجلس اشاره کرد، این وضعیت اقتصادی با استیضاح وزیر بهبود پیدا نمی کند و این شرایط به خاطر سیاست‌های کلی و تصمیماتی است که نظام اتخاذ کرده؛ آقای پزشکیان باید از این تجربه استفاده کند و به‌رغم اینکه سعی کرده است با سیاست وفای و اینکه «با هم دعا نکنیم» و با گفت‌وگو با یکدیگر مشکلات را حل کند، اما به نظر می رسد که طرف مقابل خیلی از این موضوع استقبال نکرده و به دنبال مسائل خودشان و در حال مقابله با دولت هستند. با این شرایط آقای پزشکیان باید سعی کند با به‌کارگیری مدیران توانمند، همفکر و هماهنگ جهت حل مشکلات اقدام کند.

کند تندروها متوجه می شوند این سنگ‌پرائی‌های آن‌ها فایده ندارد. بعید نیست وزیر خارجه روسیه در سفر اخیرش به ایران به این تندروها روحیه داده باشد.



سید رحیم ابوالحسنی: من معتقدم آقای پزشکیان از ابتدا استراتژی‌شان را دچار اشکال کردند. معتقد بودم که ایشان باید درصد تشکیل یک دولت توسعه‌گر باشد، مشکل کشور ما این است که رؤسای جمهور ما بعد از آقای خاتمی نتوانستند دولت توسعه‌گر تشکیل دهند. مشکل آقای پزشکیان این است که وقتی گفتند همه نیروها بیاییم با هم جمع شویم و متحد شویم، اینها یکسری تعارفات بود، یک نفر که می خواهد رئیس جمهور شود، ابتدا یک برنامه دارد که ایشان اعلام کرد برنامه هفتم توسعه را در پیش خواهد گرفت، اما از شش برنامه توسعه قبلی چند درصد محقق شدند؟ فقط برنامه سوم توسعه که در زمان آقای خاتمی بود، گفته می شود بیش از ۲۵ درصد محقق شد، بقیه برنامه‌های توسعه کمتر از ۲۰ درصد محقق شده است که یکی از علت‌ها این بود که دولت‌ها بدنه توسعه‌گر نداشتند. بوروکراسی در کشور مریض است و اعضای کابینه اساساً تفکر توسعه‌گر نداشته‌اند. مشکل این است و با این شرایط اصلاح وفای معنایی ندارد. وفای کنند که چه کار کنند؟ ابتدا باید برنامه توسعه توسط یک دولت توسعه‌گر اشکال می گرفت و شرط اول در یک دولت توسعه‌گر این است که نخبرگان آن توسعه‌گر باشند و به توسعه اعتقاد داشته باشند. آقای پزشکیان باید این فاکتور را حل کند نه اینکه به فکر وفای باشد، بلکه باید دولت توسعه‌گر تشکیل بدهد. اینکه بگوید پنج نفر از طرفداران آقای قالیباف را جذب کند، چهار نفر دیگر از اصولگراها و نفر از اصلاح طلب‌ها که کار مملکت انجام نمی شود. مشکل آقای پزشکیان این است که ذهن علوم انسانی ندارد. اصلاح بحث وفای در این شرایط معنایی ندارد. اگر برنامه را مشخص کنید و بعد بگویید براساس این برنامه به چنین فردی نیاز داریم که یکی از ویژگی‌های آن این است که شخصیت توسعه‌گر داشته باشد، علم و آگاهی در حوزه مورد نظر داشته باشد، و همچنین از تجربه کافی برخوردار باشد و مهارت و توانایی داشته باشد، آن وقت می توان گفت که شرایط می تواند تغییر کند، اینکه کارها را تقسیم کنند حرف‌های خوبی است اما ما به افراد توسعه‌گر و توانمندی نیاز داریم که اگر ذهنیت توسعه‌گرایی داشته باشند دیگر خط و نشان‌ها برای آنها معنایی ندارد چرا که رویکرد توسعه‌ای معلوم است. بهتر است آقای پزشکیان بدون توجه به خط و خطوط‌ها و هویت فرهنگی و سیاسی افراد مناسب را انتخاب کند. گله‌ای که از

سید رحیم ابوالحسنی:

اگر بنای رقبا کارشناسی است ایشان باید مردم را آگاه و افشاگری کند. باید افکار عمومی را آگاه کند و ایشان در این ایام متأسفانه نتوانسته است افکار عمومی را هم به سمت خود بیاورد و بخش اعظمی از مقبولیت خود را از دست داده است. مهمترین کار ایشان این است که بتواند افکار عمومی را همراه خود داشته باشد

حمیدرضا جلاتی پور:

اگر منظور شما از رویکرد، رویکرد وفای باشد، به نظر من این رویکرد پزشکیان نباید تغییر کند. بلکه این رویکرد در عمل جدی‌تر باید پیگیری شود. توجه کنید تا حالا بخش تندرو اصول‌گرا که اهل وفای نبوده است. وفای در سطح حکومت یعنی تعامل نیروها در دولت، در حاکمیت و در مجلس برای اینکه کارهای لازم برای کشور، بهتر پیش برود، بوده است. تندروها تا حالا همراهی نداشته‌اند. تنها مانع آن‌ها این بوده که کمی از تهدیدات راست افراطی (نتانیاها-ترامپ) نگران بودند و هستند. کمی هم از سایه بروز اعتراضات مردمی در درون جامعه می ترسیدند و می ترسند. با این همه، این نیرو تندرو حتی در رای اعتماد به وزرا هم کوتاه نیامد. اصول‌گرایان عملگرها هم منذبند و در هنگام رای اعتماد به کابینه پزشکیان کمی همکاری کردند اما همین اصول‌گرایان موضوع وضع اقتصادی کشور را به سطح فرد وزیر تقلیل دادند و همتی را زدند. شما توجه داشته باشید کاسبان استصواب، تحریم و بحران خارجی جمهوری اسلامی، نیروی قوی در کشور هستند. اقدامات همتی کمی این کسب و کار آن‌ها را کساد می کرد. این کاسبان به راحتی این ضربات را تحمل نمی کنند. لذا در چنین شرایطی دولت پزشکیان شایسته است رویکرد وفای‌اش را سامان یافته‌تر و شفاف‌تر پیگیری کند. بدین معنا که: دولت پزشکیان نباید مسئولیت پیامدهای تندروی‌های رادیکال‌ها را به عهده بگیرد؛ حلقه مدیریت در ساختمان ریاست جمهوری (پاستور) را منسجم‌تر و کارتر بکند. معاونت اجرایی رئیس جمهور سابقه کار در امور کلان کشور را ندارد یا افراد کاربلد مثل طیب‌نیا رانده می شوند. معاون حقوقی رئیس جمهور در قصه استیضاح کجا بود؟ رئیس جمهور نباید سخنان تکراری و موعظه‌ای داشته باشد بلکه صحبت‌های مشخص (در باره مسائل مشخص و راه‌های مشخص و کارشناسی) را به صورت کوتاه و از روی متن بخواند. متأسفانه پزشکیان همچنان مثل دوره نمایندگی مجلس با مردم حرف می زند. پزشکیان از افرادی مثل دکتر ظریف و همتی در جاهای مهمتر استفاده کند. چون این تندروها حدیقف ندارند. دوباره به مدیران دولت ضربه می زنند. پزشکیان اهل دعوا نیست ولی تندروها بیشتر در دعوا و ایجاد بحران مهارت دارند. اگر این تندروها مهارت مؤثری برای اداره کشور داشتند که تندرو نمی شدند. لذا پزشکیان افراد برجسته‌ای مثل ظریف را در جاهای مهم‌تر به کار بگیرد. چه کسی مثل ظریف در شرایطی که غرب دارد بر طبل ایران هراسی و جمهوری اسلامی هراسی می دمد، در دیپلماسی علنی می تواند از جمهوری اسلامی دفاع کند؟ اگر پزشکیان چنین



آیا این وضعیت در دولت در مسیر فاصله‌گیری از شعارهایی است که در انتخابات از سوی پزشکیان برای تغییر و اصلاح مطرح شده است؟

فیلترینگ را ببینید، با این همه تلاش، فیلترینگ دو پلترفرم برداشته شد، اما این موضوع در برابر مسائل اصلی که معیشت و امور اقتصادی است مسئله بزرگی نیست. منظور این است که ایشان اگر می خواهد شعرهای خود را عملیاتی کند باید نیروهایی را به کار بگیرد که با او هماهنگ هستند و از طرفی هم با توجه به بوروکراسی ایجاد شده خیلی از مسائل باید پروسه رهبری، مجمع تشخیص و... را طی کند تا شاید به نتیجه برسد.

صادق نوروزی: فکر نمی کنم که آقای پزشکیان خواهد از شعرهای خود بگذرد اما شعار با اجرا کردن و ایجاد شرایطی که بتوان شعرها را عملی کرد نیز مسائلی هستند که باید به آنها توجه کرد. آقای پزشکیان در زمان تبلیغات انتخابات شعرهایی را اعلام کردند و جهت اجرایی کردن اقداماتی را آغاز کردند اما هرکاری که بخواهند انجام دهند، یک پروسه طولانی زمان نیاز دارد. شما



از جیب شخصی نیست؛ متأسفانه این‌ها از امکانات حاکمیت است. مشکل دوم دولت پزشکیان را در بالا اشاره کردم که در داخل سازماندهی ساختمان پاستور هست. خود پزشکیان روزی ۱۸ ساعت فعالیت می کند در صورتی که این کافی نیست. سازمان ریاست جمهوری شایسته است با مدیران قوی، قوی عمل کند. وگرنه فردا تندروها می آیند جلوتر و نیروهای کاربلد دیگر را دولت پزشکیان را می زنند.

سید رحیم ابوالحسنی: فعلاً، اینگونه فکر نمی کنم.

حمیدرضا جلاتی پور:

پزشکیان فرد صادقی است اهل دروغ و تبلیغات نیست. مشکل دولت پزشکیان دو چیز است: یکی تندروهای مخالف دولت در مخالفت‌شان از امکانات حاکمیت برخوردارند و امکانات صداسیما را در اختیار دارند. (اخیراً دیدم نهادهای مرتبط با تندروها در دانشگاه برنامه افطاری ترتیب می دادند. دیدم کاغذ دعوت آن‌ها کاغذ گران قیمت گلاسه بود! این مجالح که





این افراد باید حذف شوند

اشرف بروجردی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در گفت‌وگو با خبرنگاری ایلنا درباره ارزیابی اش از استیضاح عبدالناصر همتی توسط مجلس دوازدهم گفت: «اگر چه طبق قانون استیضاح وزرا از اختیارات نمایندگان است اما در هیچ جای دنیا این میزان عجله برای برکناری اعضای کابینه معمول نیست و اصولاً وقتی رئیس جمهور و تیم آن در مسند مدیریت قرار می‌گیرند می‌توانند نقد، بررسی و نظارت کنند اما اینکه در عرض ۶ماه از شکل‌گیری دولت بخواهند استیضاح را بر کابینه آقای پزشک‌های اعمال کنند، نوعی اقدام بدون فکر است. این مجلس از نظر من یک مجلس بی‌مسئولیت است؛ چراکه مسئولیتی در قبال مردم به معنای کامل ندارد.» او درباره وفای ملی گفت: «یکی از اشکالات بزرگی که وجود دارد همین سیاست وفای است. مدام می‌گویند وفای باید انجام شود. اما وفای به معنای این نیست که این‌ها مقابل دولت قرار بگیرند و سنگ‌اندازی کرده و مشکل ایجاد کنند. البته به هر صورت علی‌رغم همه این‌ها آقای پزشک‌های چند کار اساسی از زمانی که آمده، انجام داده؛ از جمله رفع فیلتر واتس‌آپ و گوگل پلی و گام اول در این زمینه برداشته شده است.» این فعال سیاسی اصلاح طلب ادامه داد: «این نشان می‌دهد دولت کار خودش را انجام می‌دهد و به حد هم انجام می‌دهد خطاهایی هم داشته است این هم طبیعی است اما مهم‌ترین خطای دولت به نظر من انتخاب تیم مدیریتی اش است. نصف این تیم مدیریتی افرادی هستند که برای دولت گذشته هستند و به‌عنوان اینکه وفای صورت بگیرد این افراد سرکار مانده‌اند و این افراد هستند که چوب لای چرخ دولت می‌گذارند. من معتقدم که آقای پزشک‌های از همین امروز باید دست به کار شود و هر فردی که مربوط به دوره قبل بوده و مخصوصاً از طیف پایداری چی است را از کابینه کنار بگذارد. این افراد خیلی جاها هنوز حضور دارند. در قالب استانداران، فرمانداران و... حضور دارند و آقای پزشک‌های باید این‌ها را حذف کند تا بتواند بر کار سوار شود و کار را پیش ببرد والا همینطور مشکلات ادامه خواهد داشت.»



باید این قانون اصلاح شود

علی شکوری‌راد، عضو هیئت‌رئیس‌ه جبهه اصلاحات ایران در گفت‌وگو با جماران درباره استعفای محمدجواد ظریف گفت: «اولاً من خیلی متأسفم که در نظام اداره کشور جایی برای دکتر ظریف به عنوان یک دیپلمات و مدیر برجسته نیست؛ حتی در سطح مشاوره و راهمایی در حوزه‌ای که کاملاً تخصص ایشان است. استعفای ایشان به هر دلیلی بوده باشد، نشان‌دهنده فقدان ظرفیت لازم در نظام حکمرانی برای استفاده از چنین نیروهایی است. من جزئیات امر را کامل اطلاع ندارم، ولی توصیه‌رئیس قوه قضائیه احتمالاً به دلیل فشارهایی بوده که برای اجرای قانونی وارد شده که خود این قانون محل اشکال و ایراد اساسی است. یعنی در واقع این به اصطلاح قانون، نظام حکمرانی را از نیروهای توانمند محروم کرده است. اگر چه آنها تمسک به قانون می‌کنند، ولی چنین قانونی امر مقدسی نیست و به اشتباه وضع شده و آنها به جای خارج کردن انسان‌های ارزشمند و توانمند از حکمرانی، باید این قانون غیرمنطقی را اصلاح کنند.» او درباره احتمال ارسال لایحه به مجلس گفت: «با توجه به استیضاح آقای دکتر همتی، به نظر می‌رسد در مجلس بنای بر همکاری با دولت نیست؛ به شکلی که بتواند دولت را برای حل مشکلات کمک کند. به نظر من ارسال لایحه هم خیلی مشکلی را حل نخواهد کرد؛ مشکل بیش از این حرف‌ها است. مگر اینکه در سطوح بالا بین رئیس‌جمهور و رهبری گفت‌وگوهایی صورت بگیرد و توافقاتی انجام شود که در بستر آن، لایحه بتواند به جایی برسد. بدون چنین توافقی من فکر نمی‌کنم از این مجلس بشود چشم‌امیدی داشت.»

سیاسی در کابینه خود تفسیر نکند و به جای لابی بر سر چهره‌های سیاسی، بر سر افراد کارآمد ولو از گروه‌های مخالف لابی کند. وفای سیاسی یا به تعبیر دیگر که برخی بر آن تأکید دارند، باج‌دهی سیاسی رئیس‌جمهور تا اینجای کار نتیجه‌ای جز سهم‌خواهی بیشتر تندرورها، کاهش پایگاه حداقلی مردمی که به سختی و با برگزازی دو مرحله انتخابات به دست آورده بود و شیپ تندم‌تر شدن شرایط بد اقتصادی موجودی نداشته است.

پزشک‌های این روزها در محاصره مخالفان قرار گرفته است، معلوم نیست که در ماه‌های آینده چه رویکردی را برای مدیریت دولت مطلوب خود در پیش خواهد گرفت. انطوری که میثم ظهوریان مدعی شده است، انتخاب وزیر اقتصاد را و شاید در ادامه دیگر بخش‌ها را نیز به مجلسی‌ها خواهد سپرد و همین رویکرد وفای را که مطلوب تندرورها است و از وی نیز خواسته‌اند که با همین دست‌فرمان آن را پیش ببرد ادامه خواهد داد، تفسیر دقیق‌تری از وفای خواهد کرد و نیروهای ناکارآمد را کنار خواهد گذاشت و یا استعفای خود را تقدیم خواهد کرد؛ آنچه مشخص است، روزهای سخت‌تری پیش روی رئیس‌جمهور خواهد بود که تا اینجا در وفای با سیاسیون، هم پایگاه مردمی خود را از دست داده است و هم از همان گروه‌های سیاسی رودست خورده است. حال آنکه طیف‌های مختلفی که تحت عنوان اصلاح طلب فعالیت می‌کنند و پایگاه سیاسی حامی پزشک‌های هستند، چه مسیری را به او و دولت‌ش پیشنهاد می‌کنند؛ موضوعی است که برای پاسخ به آن به سراغ حمیدرضا جلالی‌پور، تحلیلگر و فعال سیاسی اصلاح طلب، رحیم ابوالحسنی، استاد دانشگاه تهران و صادق نوروزی، دبیرکل حزب توسعه ملی رفته‌ایم که در ادامه می‌آید.

شرایط دولت را در ماه‌های آینده چطور پیش بینی می‌کنید؟ آیا تعاملات دولت با جریان‌های سیاسی تغییرخواه و اصلاح طلب همچون دولت دوم روحانی حداقلی خواهد شد؟

خوبی است باید به صورت جدی پشت وزرای خود بایستد چراکه در صورت عقب‌نشینی، طی یک سال باید دولت را دودستی تقدیم کند و کار به دولت دوم هم نخواهد کشید. جناح رقیب بسیار جناح گستاخ و غیراصولی کار می‌کند و به دنبال منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت خود است و اصلاً منافع ملی و هویت دینی، افکار عمومی و منافع مردم برایش ملاک نیست و یک سر سوزن عقب‌نشینی منجر به یک گام جلو آمدن آنها خواهد شد.

صادق نوروزی:
رادیکال‌های خواهند به راه خود ادامه دهند و در نظر دارند که آقای پزشک‌های زمین‌گیر شود چراکه مشکل آنها مشکل مملکت نیست و به دنبال مسائل خود هستند. همین که آقای پزشک‌های توانسته یک کارهایی بکند و به خواست و منافع آنها در جاهایی ضربه خورده است، خشمگین هستند. آقای پزشک‌های باید بتواند همانند زمان احمدی‌نژاد و روحانی موافقت رهبری جهت مذاکره به منظور تشنج‌زدایی با کشورهای خارجی را دریافت کند. مشابه قانون حجاب که موافقت رهبری را جهت عدم اجراء موقت دریافت نمودند.



قول و وعده‌هایی که به مردم داده، وفا کند. برخی شخصیت‌های سیاسی دیگر معتقدند که رئیس‌جمهور باید به سمت مردم حرکت کند؛ علی‌ریبیعی، دستیار رئیس‌جمهور گفته است که رئیس‌جمهور روزهای سخت‌تری در پیش خواهد داشت و بهتر است که وفای با جامعه را گسترش دهد و به آن عمق دهد. عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح طلب نیز در یادداشت روزنامه اعتماد نوشته است که رئیس‌جمهور باید هدفش را به گونه‌ای تنظیم کند که علاوه بر نمایندگی ساختار، رضایت مردم را هم جلب کند تا جایی که وفای با مردم شکل بگیرد. به عقیده عبدی، وفای که در پی انتخابات ریاست‌جمهوری ایجاد شد با گذشت زمان فاصله فراوانی گرفته است. برخی از تحلیل‌گران نیز خواهان جسارت بیشتر رئیس‌جمهور هستند، اینکه وزرای ناکارآمد را حذف کند و در مقابل فشارها بایستد. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی در همین زمینه توصیه‌هایی به پزشک‌های کرده است که هم با رهبری هماهنگی کامل داشته باشد و هم ارتباط بیشتری با مردم داشته باشد، وزرای ناکارآمد و غیرهمسو را عزل کند در برابر فشارها تسلیم نشود. محمود صادقی، فعال سیاسی اصلاح طلب اما با مقصر دانستن دولت و همتی گفته است نه از دولت کنش فعالی در تغییر روندها دیده شد و نه آقای همتی در وزارت اقتصاد عملکرد بارزی داشت. به عقیده صادقی تلاش پزشک‌های برای محقق ساختن وفای از خیلی ایده‌ها و خواسته‌های رای‌دهندگان فاصله گرفته است چراکه ایده وفای به تضعیف توانایی و بنیه تخصصی مجموعه اعضای دولت منجر شده است. به نظر می‌رسد پزشک‌های چوب‌حتم‌بخشی را خورد که از ابتدا درباره آن به وی هشدار داده بودند، اینکه وفای را در به‌کارگیری گروه‌های متعدد

پزشک‌های ناکارآمد عمل می‌کند و یا از سوی تندرورها ضربه می‌خورد) زیر فشار تبلیغات دو جریان (یکی رسانه‌های تندرو وطنی و یکی رسانه‌های سرتنگونی‌طلبان) قرار می‌گیرند.

دسته سوم اصلاح‌جویان ناامید از تغییر هستند که در انتخابات اخیر هم با اکره شرکت کردند. وقتی این ضربات از سوی تندرورها با سکوت حاکمیت به دولت پزشک‌های وارد می‌شود، این نیرو منفعل‌تر می‌شود، و به جمعیت مایوسان افزوده می‌شود.

سیدرحیم ابوالحسنی: شرایط را با این وضعیت که یک وزیر را برکنار کردند، به‌نظرم بخش اعظم وزرا نیز عقب‌نشینی می‌کنند و همین میزان توانی که داشتند نیز از دست خواهد رفت؛ به همین دلیل شرایط را خوب پیش‌بینی نمی‌کنم. مگر اینکه آقای پزشک‌های یک بر خورد جدی و اصولی با این کاری که با او کردند انجام دهد و نباید عقب‌نشینی کند. باید معیار رئیس‌جمهور کارنامه باشد و براساس کارنامه، چه مخالفین یا یک وزیر مخالفت داشته باشند و چه خود ایشان مخالفت داشته باشند، باید حتی کسانی که با خود رئیس‌جمهور همسو هستند اما در کار اجرا و مدیریت توانمند نبوده‌اند را بی‌تعارف برکنار کند. اگر بنا بر این است که رقیباً برکنار کنند، آنها باید استدلال داشته باشند و کارنامه باید ملاک باشد. اگر کارنامه



حمیدرضا جلالی‌پور: دولت در ماه‌های آینده همچنان در مهار نرخ ارز، در تامین برق، گاز و آب برای شهروندان مشکل دارد. تندرورها کنش‌ها هم برای این امور نمی‌گذرد. تندرورها از تخریب دولت دست برنمی‌دارند، چون تداوم کار دولت منافع هویتی و مادی آن‌ها را تهدید می‌کند. تندرورها ضمناً نگران فرایند «توسعه» ایران نیستند و حتی آن‌ها نگران «بقای» جمهوری اسلامی هم نیستند. این تندرورها عمدتاً نگران منابع هویت‌ساز خود (مثل شعار محو اسرائیل و ضدیت با آمریکا) و منافع مادی خود هستند. در شرایط رفع تحریم، کاسبی آن‌ها به هم می‌خورد. (این تندرورها وقتی حاکمیت از «واقعیت جامعه» یک سیلی می‌خورد، برای مدت کوتاهی فقط سکوت می‌کنند تا دوباره شروع کنند). حامیان دولت پزشک‌های هم سه دسته‌اند. یک دسته کسانی هستند که به پزشک‌های رای ندادند ولی از رای آوردن او خوشحال شدند؛ به امید اینکه وضع معیشتی آن‌ها بهتر بشود. این دسته وقتی می‌بینند تندرورهای تحریم‌ساز دارند به دولت پزشک‌های هم (که وفای بود) ضربه می‌زنند، ناامیدی‌شان نه فقط از دولت بلکه از ناکارآمدی حاکمیت بیشتر می‌شود. دسته دوم اصلاح‌جویانی هستند که همه‌جوره در انتخابات فعال بودند و رویکرد وفای را، راه عبور کشور از بحران می‌دانستند و می‌دند. این نیروی حامی (وقتی



به نظر می‌رسد وفای رئیس‌جمهور با رادیکال‌ها به نتیجه‌ای نرسیده و از این به بعد هم نخواهد رسید. پزشک‌های باید چه رویکردی در پیش بگیرد؟ تعامل بیشتر یا حذف فرصت‌هایی که فراهم کرده بود؟

طلب کند؛ مثل تقاضا از مردم در صرفه‌جویی در دو درجه حرارت، که بخشی از مردم هم همراهی کردند. کار رئیس‌جمهور، ذکر سخنان تکراری نیست بلکه ذکر سخنان مشخص و راهگشا در حل مشکلات مردم هست. **سیدرحیم ابوالحسنی:** دولت باید به صورت قاطع مسیر خود را ادامه دهد و اگر نمی‌گذارد که کار کند همان جمله‌ای که گفت «کنار می‌کشیم» به صورت شفاف کنار بکشد. رئیس‌جمهور نباید کوتاه بیاورد. رئیس‌جمهور از ابتدا به مسئله وفای اشاره کرد که استراتژی خوبی است اما به اصول وفای آشنا نبود. وفای یعنی برنامه داشته باشی و براساس آن نیروی مناسب انتخاب کنی، نه اینکه تقسیم ارضی کنی. همه مشکلات این است که نیروهایی که براساس اصول وفای انتخاب شدند، بسیار ضعیف‌تر از نیروهای دیگری هستند که می‌توانستند انتخاب شوند. بله، وفای استراتژی خوبی است اما نیاز به برنامه و بعد شایستگی و توانایی دارد. شعاری که در ایام انتخابات می‌دادند که نیروی متخصص، باتجربه و توانمند می‌خواهیم را رعایت نکرد. اصولگرا و غیراصولگرا بودن یک بحث است و به کارگیری نیروهای ضعیف در مدیریت بحث دیگری است



حمیدرضا جلالی‌پور:
در چنین شرایطی دولت پزشک‌های شایسته است رویکرد وفای اش را سامان یافته‌تر و شفاف‌تری بگیرد کند. بدین معنا که: دولت پزشک‌های نباید مسئولیت پیامدهای تندرورهای رادیکال‌ها را به عهده بگیرد

حمیدرضا جلالی‌پور: به یک نکته حتماً باید توجه کنیم. شما نگاه به تبلیغات و توهمات و اقدامات ایران‌سوز تندرورها در مجلس نکنید. گفتیم این‌ها نگران توسعه ایران نیستند. این‌ها حتی نگران بقای جمهوری اسلامی هم نیستند. نکته من این است که ایران یعنی جامعه و کل حکومت ایران اولاً در شرایط «شبه‌جنگی» قرار دارد (یعنی ایران هنوز از پیچ تهدیدات نتانیا‌هو-ترامپ خارج نشده) و ایران در وضعیت «تشدید تحریم‌ها» قرار دارد (یعنی اقتصاد ایران و معیشت مردم همچنان دارد ضعیف می‌شود و به مردم مردم ناراضی می‌افزاید). در چنین شرایطی و برای عبور از بحران‌ها ایران نیازمند همکاری دولت با حاکمیت برای حل مشکلات مردم است. دولت پزشک‌های نباید رویکرد وفای را ترک کند و تقابل راه‌حل نیست، بلکه راه‌حل این است که دولت پزشک‌های اولاً سازماندهی پاستور و اداره‌جمهور را منسجم‌تر و محکم‌تر کند و به تندرورها نباید باج داد. ثانیاً دولت پزشک‌های مسائل کشور را شفاف‌تر با حاکمیت مطرح کند. ثالثاً پزشک‌های در صحبت‌هایش با مردم به‌جای تکرار حرف‌ها و نصایح، با مردم درباره مشکلات‌شان روشن صحبت کند و همکاری مردم را



نگاه
هم‌میهن

AFP-عکس

فصل ابوعطا خواندن آنکارا

ترکیه در حال حاضر در بهترین شرایط برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود قرار دارد

اکثر مساحت منطقه مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی را تصرف کرد. این پیروزی موجب تغییر موازنه قوا در قفقاز شد. از سال ۲۰۲۳، موازنه قوا بین ترکیه و ایران، بسیار بیشتر به نفع ترکیه تغییر کرد. در سپتامبر سال ۲۰۲۳، نیروهای آذربایجان آتش‌بس ماه دسامبر ۲۰۲۰ را شکستند تا تسلط خود بر قره‌باغ را تکمیل کنند. شکست ارمنستان یک دگرگونی استراتژیک بزرگ برای ایران در امتداد مرزهای شمالی بود.

کمی بعد از آن، در اکتبر سال ۲۰۲۳، حمله حماس به اسرائیل رخ داد و ایران در جریان این درگیری که ۱۵ ماه به طول انجامید، آسیب‌هایی را متحمل شد. تلاش‌های ایران برای ضربه‌زدن به اسرائیل نتیجه‌ای چندانی مطلوب به همراه نداشت و اسرائیل با حمله همه‌جانبه به رهبری و کادر فرماندهی حزب‌الله لبنان، یک بازوی مهم منطقه‌ای ایران را تضعیف کرد. اتفاق بدتر در این میان، رویارویی مستقیم میان ایران و اسرائیل بود که باعث شد ایران متحمل خساراتی شود. در همان زمان بسیاری از تحلیلگران بر این عقیده بودند که با تضعیف حزب‌الله لبنان و حملات پیاپی اسرائیل به مواضع ارتش بشار اسد، ترکیه و شورشیان وابسته به آن، در بهترین موقعیت برای تضعیف پایه‌های حکومت اسد، قرار دارند. تنها چند ماه طول کشید تا این پیش‌بینی محقق شود و شورشیان وابسته به ترکیه حمله خود را آغاز کردند و در کمتر از دو هفته، حکومت بشار اسد به تاریخ پیوست. سقوط اسد باعث شد که ترکیه در جناح جنوبی‌اش با فرصتی استراتژیک مواجه شود؛ فرصتی که ترکیه برای بیشتر از یک قرن از آن محروم بود. امروز ترکیه با تحکیم دستاوردهای خود در سوریه، حامی اصلی دولت انتقالی سوریه است و به دولت جولانی در بازسازی ارتش سوریه کمک می‌کند.

اما اگرچه ترکیه امروز از موقعیت بسیار خوبی برخوردار

رو به رشدی برای نمایش قدرت در مناطق مختلف به دست آورده است. اما این فقط یک روی سکه است. ترکیه چالش‌های داخلی و خارجی زیادی دارد که این چالش‌ها در کنار هم ظهور ژئوپلیتیکی این کشور را محدود خواهد کرد. البته به‌رغم وجود این محدودیت‌ها انتظار می‌رود که ترکیه در آینده یک‌جانبه‌تر عمل کند. خصوصاً اینکه تغییر در روابط امنیتی آمریکا و اروپا، به بازتعریف مجدد کارکرد و جایگاه ناتو خواهد انجامید.

در این میان، ایران همچنان رقیب مهم ترکیه محسوب می‌شود. نزدیک به یک ماه پیش، ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه به ایران سفر کرد و در این سفر با اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات و علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار کرد. ظاهراً در این دیدارها وضعیت شکننده امنیتی در سوریه، موضوع جدایی‌طلبان گُرد، تجدید قوای داعش و آتش‌بس در غزه مورد بحث قرار گرفت اما نگاهی به رسانه‌های ترکیه در خصوص این دیدارها نشان می‌دهد که نگرانی‌های ایران فراتر از این مسائل بوده است. در روز قبل از سفر کالین به ایران، گزارش‌هایی درباره نگرانی‌های ایران از تلاش‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایجاد مسیر موسوم به ننگزور از طریق جنوب ارمنستان، منتشر شد. ایران و ارمنستان، هر دو مخالف احداث این مسیر هستند. علی‌اکبر احمدیان نیز ماه گذشته به آذربایجان و ارمنستان سفر کرد و در این دو کشور مخالفت تهران را با هرگونه «تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه» که روابط ایران و ارمنستان را تهدید کند، تکرار کرد. ایران مدت‌ها هم در قفقاز جنوبی و هم در خاورمیانه، ترکیه را از نظر استراتژیک مهار کرده بود اما تغییرات استراتژیک در قفقاز از سال ۲۰۲۰ به نفع ترکیه شروع شد. در آن سال، در کمتر از شش هفته، جمهوری آذربایجان، به‌عنوان متحد نزدیک ترکیه، ارمنستان مورد حمایت ایران را شکست داد و

ترک‌ها یک بار در میانه بهار عربی به چین و سوسه‌ای دچار شدند. ناامنی سوریه موجب شد تا وزیر خارجه وقت ترکیه، با شور و شوق در دهه ماه رمضان آن سال، اعلام کند که اسد تا پایان ماه رمضان رفتنی است. اما این آرزو با ورود ایران به سوریه و نقش آفرینی پررنگ‌تر روس‌ها نقش بر آب شد اما در نهایت، سقوط بشار اسد در سوریه و تسلط آذربایجان بر قره‌باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۳ نشان داد که ترکیه توانایی رو به

رشدی برای نمایش قدرت در مناطق مختلف به دست آورده است

آنها را در حالی که ترکیه در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد. به نظر می‌رسد که ترکیه بار دیگر به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور است. ترک‌ها یک بار در میانه بهار عربی به چین و سوسه‌ای دچار شدند. ناامنی سوریه موجب شد تا وزیر خارجه وقت ترکیه، با شور و شوق در دهه ماه رمضان آن سال، اعلام کند که اسد تا پایان ماه رمضان رفتنی است. اما این آرزو با ورود ایران به سوریه و نقش آفرینی پررنگ‌تر روس‌ها نقش بر آب شد اما در نهایت، سقوط بشار اسد در سوریه و تسلط آذربایجان بر قره‌باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۳ نشان داد که ترکیه توانایی

آرمین منتظری



دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

اخیراً در جلسه‌ای یکی از مقامات ارشد با اشاره به مخالفت سوریه با بازگشایی سفارت ایران در سوریه، به ترکیه اشاره کرده و گفته بود: «ایرادی ندارد. ۱۲ سال ما اجازه ندادیم ترک‌ها سفارت‌شان را در دمشق باز کنند. حالا آنها اجازه نمی‌دهند ما سفارت‌مان را در سوریه باز کنیم». از همان ابتدای سقوط بشار اسد در سوریه به‌دنبلی بود که ترکیه به راحتی اجازه حضور دوباره ایران در سوریه را نخواهد داد. به نظر می‌رسد این سیاست ترکیه ادامه خواهد یافت تا زمانی که نظمی مدنظر ترکیه در سوریه برقرار شده و تثبیت شود و آنگاه که همه معادلات در سوریه طبق نظر ترکیه تثبیت شد، آنگاه در کوچکی به روی ایران باز خواهد شد و ایران عملاً در سوریه در عمل انجام شده قرار خواهد گرفت. نگاهی به سخنان عجیب و تند هاگان فیدان علیه ایران که اخیراً ایراد شده، این ادعا را اثبات می‌کند.

اما ترکیه در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد. به نظر می‌رسد که ترکیه بار دیگر به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور است. ترک‌ها یک بار در میانه بهار عربی به چین و سوسه‌ای دچار شدند. ناامنی سوریه موجب شد تا وزیر خارجه وقت ترکیه، با شور و شوق در دهه ماه رمضان آن سال، اعلام کند که اسد تا پایان ماه رمضان رفتنی است. اما این آرزو با ورود ایران به سوریه و نقش آفرینی پررنگ‌تر روس‌ها نقش بر آب شد اما در نهایت، سقوط بشار اسد در سوریه و تسلط آذربایجان بر قره‌باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۳ نشان داد که ترکیه توانایی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



Atlantic Council

بازسازی سوریه عامل نزدیکی بیشتر ترکیه و عربستان

بازسازی سوریه پس از اسد، فرصتی را برای ترکیه و عربستان فراهم می‌کند تا به روابطشان عمق بیشتری ببخشند. احمدالشرع پس از تبدیل شدن به رهبر جدید سوریه در دو سفر اول خود به خارج از کشور از عربستان و ترکیه بازدید کرد. این امر گواهی است بر نقش مهمی که انتظار می‌رود هر دو کشور در سوریه جدید ایفا کنند. ترکیه پس از سرنگونی اسد در سوریه دست بالا را داشت و از نگاه بسیاری از تحلیلگران کشوری است که احتمالاً تأثیرگذارترین کشور در آینده سوریه خواهد بود. ترکیه دیپلماسی قوی را با کشورهای حوزه خلیج فارس (افغانستان، اروپا و آمریکا) به منظور به اصطلاح مشارکت آن‌ها در آینده سوریه برای تضمین امنیت و ثبات در منطقه پیگیری کرده است.

افزایش تعامل با کشورهای حاشیه خلیج فارس (افغانستان، عربستان و سوریه) در عین حال به تضمین تأمین بودجه لازم برای بازسازی سوریه کمک می‌کند. ترکیه و عربستان در جریان بهار عربی رویکردهای متفاوتی داشتند. عربستان قیام اعراب را تهدیدی برای ثبات منطقه می‌دانست اما ترکیه از اکثر آنها حمایت کرد.

با این وجود عربستان به دلیل مخالفت با بشار اسد از قیام‌های سوریه حمایت و از گروه‌هایی در ارتش آزاد سوریه و از شخصیت‌های سیاسی سکولار و ملی‌گرا حمایت کرد. در همین حال باید به یاد داشت که رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس (نگرانی خود را در مورد پیشینه رهبر جدید سوریه پنهان نکرده‌اند. ترکیه با آگاهی از این نگرانی‌ها از کشورهای حوزه خلیج فارس) به‌ویژه عربستان و امارات دعوت کرده است تا در آینده سوریه سرمایه‌گذاری مشترکی داشته باشند.

عربستان از اولین کشورهای حوزه خلیج فارس) بود که با سوریه پس از اسد روابط رسمی برقرار کرد و مانند ترکیه از جامعه بین‌المللی خواست تا تحریم‌های سوریه را لغو کند. ترکیه و عربستان، منافع مشترکی در سوریه با ثبات و مرفه دارند و به دنبال ایفای نقشی حیاتی در بازسازی آن هستند. هر دو کشور منافعی در تضمین صلح و آرامش و بهبود اقتصادی سوریه دارند

و این امر به پناهندگان سوری مقیم ترکیه و عربستان اجازه می‌دهد تا با خیال راحت به کشورشان بازگردند. بازسازی سوریه به ترکیه و عربستان نشان داده است که در واقع منافع مشترکی دارند. این امر فرصتی را برای آنکارا و ریاض ایجاد کرده است تا روابطشان را تعمیق کنند. ریاض قصد دارد به عنوان بخشی از چشم‌انداز ۲۰۳۰، تأمین‌کنندگان دفاعی خارجی خود را متنوع و صنعت دفاعی خود را تقویت کند. روابط دفاعی ترکیه و عربستان از زمان عادی‌سازی روابط در سال ۲۰۲۱

به‌طور قابل توجهی بهبود یافته است. عربستان پیشنهادت ترکیه برای به اشتراک گذاشتن فناوری را پذیرفت و فرصت‌هایی را برای شرکت‌های سعودی برای مشارکت در تولیدات داخلی فراهم کرد. ترکیه به دلیل تحریم‌های رسمی و غیررسمی، ده‌ها سال است که برای دریافت تجهیزات دفاعی مورد نظر خود از آمریکا و کشورهای اروپایی تلاش می‌کند. وجود این موانع انگیزه‌ای برای رشد صنعت دفاعی داخلی ترکیه شد و به‌عنوان یازدهمین صادرکننده بزرگ تسلیحات در سطح جهان ظاهر شده است. در سال‌های اخیر سهم ترکیه از صادرات تسلیحات جهانی ۱۰۶ درصد رشد داشته است. در این میان ترکیه صادرات تسلیحات خود را به بسیاری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس) از جمله عربستان افزایش داده است که اکثریت قریب به اتفاق آن از هواپیماهای جنگی بدون سرنشین (UCAV) تشکیل شده است. عربستان نیز درصدد کاهش وابستگی به غرب برای نیازهای دفاعی است زیرا در گذشته در تهیه تجهیزات مورد نظرش از شرکای غربی با مشکل روبرو بوده است. عربستان و ترکیه قراردادهایی برای تولید و تدارکات دفاعی منعقد کرده‌اند. فرصت‌های بیشتری برای همکاری دو طرف

در حال ظهور است. ترکیه انتظار دارد قرارداد تسلیحاتی به ارزش شش میلیارد دلار شامل فروش کشتی‌های جنگی، تانک و موشک را با عربستان منعقد کند. همچنین می‌تواند در مورد فروش جنگنده‌های TF KAAN خود با عربستان معامله کند. افزایش همکاری دفاعی از طریق فروش تسلیحات بین ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس) مانند عربستان می‌تواند پویایی تأمین تسلیحات در منطقه را تغییر دهد.



ردزنی معاملات رمز ارز

زمانی امکان شناسایی درآمد معاملات رمز ارز خارجی وجود دارد که یک بستر اطلاعات در سیستم تراکنش بانکی داشته باشیم که این بستر مشخص کند وقتی درآمد رمز ارزها به ریال تبدیل می‌شوند، منبع آن تراکنش چه بوده است. به گزارش ایلنا، مهدی موحدی، سخنگوی سازمان امور مالیاتی درباره ساز و کار مالیات‌ستانی از معاملات رمز ارزها در صورت رسمی و قانونی شدن این معاملات، گفت: هر معاملاتی که منجر به درآمدزایی و سود شود طبیعتاً طبق قوانین موجود مشمول مالیات خواهد شد، بنابراین معاملات رمز ارز هم مشمول همین احکام قانونی خواهد شد؛ به طوری که اگر فردی صرافتی داشته باشد با خرید و فروش رمز ارز، از طریق زیرساخت و ولت داخلی، می‌توان میزان درآمد آن فرد را شناسایی کرد و این درآمد می‌تواند مشمول موضوع ماده ۹۳ قانون مالیات‌های مستقیم و مشمول مالیات‌ستانی شود.



شتاب بانک ملی در خروج از بنگاه‌داری

دراستای سیاست‌های کلان دولت چهاردهم در خروج از بنگاه‌داری بانک‌های کشور، بانک ملی ایران، یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون سهم دیگر به ارزش بالغ بر ۱۲ همت از شرکت نیشکر و صنایع جانبی را واگذار کرد. به گزارش روابط عمومی بانک ملی ایران، با واگذاری سهام بانک ملی ایران از شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و استراتژیک‌ترین هلدینگ‌های کشاورزی و صنعتی کشور، گام مهمی دیگر در راستای تحقق سیاست‌های کلان دولت محترم در واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه نظام بانکی کشور برداشته شده است. پیش از این نیز بانک ملی ایران با واگذاری سهام و بانک به ارزش ۶۱ هزار میلیارد تومان و همچنین واگذاری آینده پویا با ارزشی معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان، عزم جدی خود را برای خروج عملی از بنگاه‌داری به‌نمایش گذاشت. بانک ملی ایران به‌عنوان بازوی اجرایی دولت در نظام بانکی کشور با این واگذاری‌ها توانسته است فصل جدیدی از خروج از بنگاه‌داری را رقم بزند.



لزوم رعایت شیوه‌نامه حقوق مسافران

معاون بهره‌برداري فرودگاهی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) بر لزوم رعایت کامل شیوه‌نامه حقوق مسافران در عملیات نوروزی ۱۴۰۴ از سوی شرکت‌های هواپیمایی، همچنین نظارت بر بازاریابی و صدور بلیت در بازار تأکید کرد. به گزارش ایلنا، جواد صالحی‌آزیمانی، گفت: شرکت‌های هواپیمایی برای سفرهای پیش رو حتماً هواپیمایی پشتیبان داشته باشند و همچنین نسبت به اخذ مجوزهای سازمان هواپیمایی کشوری و اسلات‌تایم فرودگاه مبدأ و مقصد به‌گونه‌ای اقدام کنند که مغایرت زمانی در بلیت‌ها یا مجوزهای پروازی مربوطه وجود نداشته باشد. او افزود: شرکت‌های هواپیمایی در زمان تاخیر باید آمادگی لازم برای پذیرایی و اسکان در هتل را مطابق مقررات داشته باشند و در صورت لزوم هماهنگی‌های لازم را با مدیریت ترمنال به عمل آورند. براساس شیوه‌نامه حقوق مسافر، مسئولیت نهایی درباره نظارت بر بازاریابی و صدور بلیت در بازار با شرکت‌های هواپیمایی است.

معاونت در اخلاص یابی توجهی؟

دو وزیر در دولت سیزدهم در پرونده جای دیش به یک تا دو سال زندان محکوم شدند

مرتضی افقه، اقتصاددان گفته بود: «۳/۴ میلیارد دلار، به خصوص در شرایط تحریمی، نسبت به کل درآمد ارزی رقم بالایی است و اگر صادرات غیرنفتی را ۳۰ میلیارد دلار در نظر بگیریم، ۳/۴ میلیارد دلار، ۱۰ درصد صادرات غیرنفتی کشور است. متأسفانه این اعداد و ارقام عادی‌سازی شده است و حساسیت‌برانگیز نیست و واکنشی که باید به این ارقام نشان داده شود، نشان داده نشده است. عادت دادن مردم به خیلی از غیرعادی‌ها یکی از افت‌هایی است که به جان کشور افتاده است. دلیل این فسادها و رشد روزافزون رقم آن‌ها نحوه انتصاب کارکنان در هر سه قوه است و معیار تنها یکسری سوابق خاص است و نتنها توسعه‌ای ایجاد نمی‌کند بلکه مانعی برای توسعه است.»

بدهی بیش از ۱۵ میلیاردی متهم جای دیش اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه:
اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه به حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری در خصوص ابعاد مختلف پرونده جای دیش گفت: آقای اکبر رحیمی، متهم اصلی پرونده قاچاق سازمان‌یافته است و بر اساس رای دادگاه به چهار اتهام محکوم شده است: قاچاق کالاهای مجاز: وی به خاطر ۹۶ فقره اظهارنامه گمرکی جای سیاه که با تباری و تقلب ثبت شده، به ۷۵ ماه حبس، ضبط کالا و جزای نقدی محکوم شده است.

وی ادامه داد: قاچاق کالاهای ممنوعه: ۱۳ فقره از جای‌های وارداتی وی به دلیل کپک‌زدگی و عدم قابلیت مصرف انسانی شناسایی شد و برای این اتهام نیز به ۷۵ ماه حبس، ضبط کالا و جزای نقدی محکوم گردیده است.

اخلال در نظام اقتصادی و ارزی: بابت قاچاق ارز و عدم ایفای تعهدات ارزی، به ۲۵ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و استرداد ۲/۲ میلیارد یورو محکوم شده است. فروش ارز بدون رعایت ضوابط: در این رابطه به ۲۵ سال حبس و جزای نقدی به خاطر فروش ارز به مبالغ مشال (همچون دلار، یوان و...) محکوم گردیده و همچنین ۷۴ ضربه شلاق دریافت کرده است.

سخنگوی قوه قضائیه اظهار کرد: متهم در ابتدا شرکت‌های صوری و پوششی را برای این کار در نظر گرفته که بتواند مبادلات بین شرکت‌های خود داشته باشد تا از این طریق نشان دهد که فعالیت‌های مالی بالایی دارد؛ از جمله چهار شرکت با همکاری برادرخانم خود در خارج از کشور (در امارات) تأسیس کرده و مدیریت صادرات جای و جعل اسناد، توسط آن شرکت‌های خارجی که در اختیار منصوبینش بوده صورت گرفته و در مجموع ۱۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهی دارد؛ روش‌هایی که در این خصوص انجام داده این است که در درجه اول با تلمیع کارکنان و مدیران بخشی از نظام اداری و بانکی کشور از طریق پرداخت رشوه به صورت دلار، سکه، کارت هدیه و حتی گوشی تلفن همراه وارد شده و در پوشش بسته‌های جای این موارد را برای افراد ارسال می‌کرده است.

این مسئول بیان کرد: هم‌اکنون، دادگاه بخش‌های زیادی از اموال گروه دیش را توقیف کرده است. گروه



**اصغر جهانگیر
سخنگوی قوه قضائیه:**
**هم‌اکنون، دادگاه
بخش‌های زیادی
از اموال گروه دیش
را توقیف کرده
است. گروه دیش
به محض اینکه
متوجه تشکیل پرونده
شدند یکسری از
اموال‌شان را به
افراد دیگر منتقل
کردند که این اموال
در حال شناسایی
است. بخشی از
اموال نیز شناسایی
و توقیف شده و در
حال برگشت است،
اما رقم دقیق را
ندارم که عنوان کنیم
ولی حتماً این‌ها را
احصاء می‌کنیم و
اطلاع‌رسانی خواهیم
کرد. در حال حاضر
آنچه که تا الان
شناسایی شده به
اندازه بدهی ایشان
نمی‌شود**

پس از ۲۴ جلسه رسیدگی به پرونده جای دیش بالاخره احکام متهمان صادر شد. بر همین اساس، پرونده دارای ۶۱ متهم بوده که برای ۴۲ نفر از متهمان تعیین تکلیف شده، سه نفر در این پرونده تبرئه قطعی شدند. یک نفر به دلیل فوت در زمان تحمل بازداشت قرار موقوفی تعقیب برای او صادر شده و برای یک نفر هم قرار عدم صلاحیت صادر شده است و پرونده نسبت به بقیه افراد به دلیل نقص تحقیقات همچنان مفتوح است. این نقایص توسط خود دادگاه رفع خواهد شد و به دادسرا بازمی‌گردد تا تحقیقات تکمیلی انجام شود.

بخش مهمی از پرونده جای دیش به صورت محرمانه است و حتی آرای صادرشده در این بخش نیز اعلام نشده است. همین موضوع باعث ابهام در کشور و کاهش اعتماد عمومی در میان‌مدت می‌شود. در اصل مشخص نیست که متهمانی همانند رؤسای بانک‌هایی که رشوه دریافت کرده‌اند، مشمول چه حکمی شده‌اند، آیا همچنان سرکار خود هستند یا خیر؟

می‌توان گفت مهمترین مسئله‌ای که این روزها افکار عمومی را در پرونده جای دیش به خود مشغول کرده، نحوه رسیدگی و جزئیات این پرونده است. تمامی جلسات دادگاه جای دیش به صورت محرمانه برگزار شد و این در حالی است که متهمان این پرونده از ارز دولتی استفاده کرده‌اند و لازم است جرائم، احکام و نحوه بازگشت ارز توسط متهمان مشخص شود.

رقم فساد جای دیش ۳/۴ میلیارد دلار بود که با قیمت دلار ۹۰ هزار تومانی این روزها ۳۰۶ هزار میلیارد تومان جای دیش فساد کرده است. این رقم از فساد تأثیر بسزایی در اقتصاد کشور داشته چراکه دیش آن زمان از ارز دولتی استفاده کرده بود.

عدم شفاف‌سازی واضح در خصوص بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد اقتصادی نه‌تنها یک ضرورت حقوقی، بلکه یک نیاز اساسی برای بهبود فضای کسب‌وکار و جلب اعتماد عمومی است. بدون اقدامات جدی در این زمینه، خطر تداوم نااطمینانی و تأثیرات منفی آن بر اقتصاد کشور همچنان وجود خواهد داشت.



دیش به محض اینکه متوجه تشکیل پرونده شدند یکسری از اموال‌شان را به افراد دیگر منتقل کردند که این اموال در حال شناسایی است. بخشی از اموال نیز شناسایی و توقیف شده و در حال برگشت است، اما رقم دقیق را ندارم که عنوان کنم ولی حتماً این‌ها را احصاء می‌کنیم و اطلاع‌رسانی خواهیم کرد. در حال حاضر آنچه که تا الان شناسایی شده به اندازه بدهی ایشان نمی‌شود.

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که آقایان ساداتی‌نژاد و فاطمی‌امین، وزرای سابق جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت، به اتهام معاونت در اخلال نظام اقتصادی و اهمال در انجام وظایف محاکمه شده‌اند. این دو وزیر با وجود داشتن دسترسی به داشبوردهای مدیریتی، نظارت لازم را بر ثبت سفارش‌های بیش از حد نیاز کشور انجام ندادند. در برخی موارد، واردات کالاهایی مانند ماشین‌آلات و جای چندین برابر نیاز واقعی کشور بوده است. سخنگوی قوه قضائیه تأکید کرد که تفریض اختیارات به مدیران استانی، مسئولیت وزیر را کاهش نمی‌دهد.

در ادامه، سخنگوی قوه قضائیه به نقش بانک‌ها در این پرونده اشاره کرد و گفت که بانک‌ها نیز در بخشی از این تخلفات متهم هستند و پرونده‌هایی علیه ۳۳ نفر از مدیران بانکی در حال رسیدگی است. وی همچنین به موضوع قاچاق معکوس اشاره کرد و توضیح داد که ثبت سفارش‌های بیش از حد نیاز کشور و تخصیص ارز به این سفارش‌ها، امکان قاچاق معکوس و خروج غیرقانونی منابع ارزی را فراهم کرده است.

سخنگوی قوه قضائیه با ارائه آمار، نشان داد که سهم گروه دیش از ارز تخصیص‌یافته برای واردات جای در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ به طور غیرمنطقی افزایش یافته است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۴۰۰، سهم این گروه از ۹ درصد به ۶۳ درصد رسید و در سال ۱۴۰۱، این سهم به ۷۹ درصد افزایش یافت. این موضوع باعث اعتراض سایر بازرگانان و نهادهای نظارتی شد. در مجموع، در این سه سال، ۶۸ درصد از کل ارز تخصیص‌یافته برای واردات جای به گروه دیش اختصاص یافته است.

سخنگوی قوه قضائیه تأکید کرد که دستگاه قضایی بدون توجه به جایگاه افراد، با فساد مبارزه می‌کند و پس از قطعی شدن احکام، اطلاع‌رسانی لازم انجام خواهد شد.

بزرگ‌ترین فساد اقتصادی در کشور
پرونده جای دیش را می‌توان بزرگ‌ترین پرونده فساد اقتصادی در کشور دانست که در دولت‌های حسن روحانی و سیدابراهیم رئیسی رخ داده است. رقم این اختلاس حدود ۲/۴ میلیارد دلار (نزدیک به ۱۴۰ هزار میلیارد تومان در زمان انجام فساد) بوده است. آذرماه سال ۱۴۰۲ برای اولین بار و به‌طور رسمی سازمان بازرسی کل کشور خبر اختلاس جای دیش را اعلام کرد؛ اما دستگاه قضایی کشور از اسفندماه سال ۱۴۰۱ در حال پیگیری و بررسی این تخلف بوده است. به‌ادعای سازمان بازرسی کل کشور در آن زمان، گروه کشت و صنعت دیش طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱



ذخایر گوشت بالا است

میزان ذخایر گوشت قرمز کشور چه به صورت منجمد، چه گرم و چه زنده نسبت به تقاضا کاملاً بالاست و سید پروتئینی گوشت قرمز کشور بر اساس گزارش ایسنا، منصور پوریان، رئیس شورای تأمین دام کشور با اشاره به افزایش عرضه دام زنده کشتاری و کاهش تقاضا در بازار، تأکید کرد که با وجود ذخایر کافی گوشت قرمز، قیمت برخی قطعات گوشت گرم همچنان بالا است. او با انتقاد از سیاست‌های تنظیم بازار، خواستار صدور مجوز صادرات دام شد تا از ضرر بیشتر دامداران جلوگیری شده و تولید داخلی حفظ شود. پوریان با تأکید بر بالا بودن میزان دام‌های کشتاری، چه در بخش گوسفند و چه گوساله، گفت: تولیدکنندگان با مشکلاتی نظیر هزینه‌های بالای تغلیف، نگهداری و قیمت پایین دام آماده کشتار مواجه هستند. این شرایط با نزدیک شدن به پایان سال و افزایش حجم گله‌های کشتاری، سخت‌تر خواهد شد.



توزیع ۹ هزار تن مرغ

نایب‌رئیس اتحادیه مرغداران گوشتی از توزیع روزانه ۹ هزار تن مرغ در سطح کشور خبر داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، صدرالدین عطیمی، گفت: با توجه به مازاد تولید در برابر عرضه، مرغ کماکان به نرخ واقعی در بازار نرسیده است؛ به طوری که مرغداران هرکیلو مرغ تولیدی را ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان کمتر از قیمت تمام شده عرضه می‌کنند. او با بیان اینکه عرضه از تقاضا پیشی گرفته است، افزود: به‌رغم آنکه در ایام ماه رمضان و پایانی سال به سر می‌بریم، عرضه نسبت به تقاضا بیشتر است که همین امر موجب شده تا قیمت در اکثر استان‌ها غیرمنطقی باشد. با وجود تورم مرغ در ایام پایانی سال، اما قیمت مرغ کاهشی است که بر این اساس پشتیبانی امور دام اقدام موثری انجام ندهاده است و مجوز صادرات مرغ در حدی نیست که بر بازار اثرگذار باشد. گفتنی است مجوز صادرات ۵ هزار تن مرغ صادر شده که به‌دلیل افزایش حجم تولید، مرغداران با بحران روبه‌رو هستند.



بازار آجیل در رکود و آرامش

بازار آجیل و خشکبار در رکود و آرامش به سر می‌برد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، علیرضا ارزانی‌مقانی، رئیس کارگروه آجیل و خشکبار، گفت: در حال حاضر تقاضایی برای خرید در بازار وجود ندارد که نشان می‌دهد به‌دلیل شرایط اقتصادی، قدرت خرید کاهش یافته است. با توجه به افزایش نرخ ارز، نوساناتی در بازار آجیل و خشکبار نسبت به شب پیدا داشتیم و کماکان تقاضایی در بازار برای خرید وجود ندارد. او درباره آینده بازار آجیل و خشکبار عنوان کرد: برآوردها حاکی از آن است که روند رکود در بازار استمرار یابد و نسبت به سنوات گذشته ناشی از کاهش قدرت خرید، افت فروش داشته باشیم. آجیل و خشکبار کالایی است که مردم خریدار به روزهای پایانی ماکول می‌کنند، حال باید منتظر ماند و دید که بازار به کدام سمت و سو می‌رود. گرچه صادرات آجیل و خشکبار نسبت به سال قبل افزایشی است، اما روش صادراتی که توسط خوردهایی انجام شد، مناسب نبود.

شفاف است که بتواند به‌طور یکسان و بدون تبعیض، تمامی موارد فساد را شناسایی و با آن‌ها برخورد کند. همچنین، ضابطان و مراجع قضایی باید در کشف جرم و صدور احکام، کاملاً قانونی و شفاف عمل کنند.

وی ادامه داد: ما باید اصل آزادی فعالیت‌های اقتصادی را به رسمیت بشناسیم و تنها در مواردی که قانونگذار به صراحت جرم‌انگاری کرده است، وارد فضای کیفری شویم. تفسیر حداکثری از جرایم اقتصادی می‌تواند باعث ایجاد ناامنی و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی شود. بنابراین، باید دقت کنیم که خارج از چارچوب قانونی، امنیت شهروندی و اقتصادی به خطر نیفتد.

این کارشناس حقوقی اظهار کرد: برای ایجاد یک اقتصاد باز و رقابتی، نیازمند شفافیت، حاکمیت قانون و نهاد‌های نظارتی قوی هستیم. باید اطمینان حاصل کنیم که قوانین به‌طور یکسان برای همه اجرا می‌شود و هیچ‌کس خارج از چارچوب قانون عمل نمی‌کند. همچنین، باید از فعالیت‌های اقتصادی سالم حمایت کنیم و تنها در مواردی که قانونگذار جرم‌انگاری کرده است، وارد فضای کیفری شویم. این رویکرد می‌تواند به ایجاد امنیت اقتصادی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران کمک کند.

نقده کار اظهار کرد: در چنین پرونده‌هایی همانند جای دیش باید دقت شود که تمامی مراحل دادرسی به‌طور شفاف و قانونی انجام شود. متهمان باید امکان دفاع از خود را داشته باشند و حق تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی برای آن‌ها محفوظ باشد. همچنین، باید از انتشار اطلاعات نادرست یا ناقص جلوگیری شود تا حقوق متهمان و شهروندان به خطر نیفتد. در نهایت، باید اطمینان حاصل کنیم که احکام صادره کاملاً مستند و قانونی هستند.

وی در نهایت تأکید کرد: به نظر من، باید به سمت تقویت نهاد‌های نظارتی و شفاف‌سازی فرآیندهای قضایی حرکت کنیم. همچنین، باید از فعالیت‌های اقتصادی سالم حمایت کنیم و تنها در مواردی که قانونگذار جرم‌انگاری کرده است، وارد فضای کیفری شویم. این رویکرد می‌تواند به ایجاد امنیت اقتصادی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران کمک کند. در نهایت، باید اطمینان حاصل کنیم که قوانین به‌طور یکسان برای همه اجرا می‌شود و هیچ‌کس خارج از چارچوب قانون عمل نمی‌کند.

سخنگوی قوه قضائیه روز سه‌شنبه در صحبت‌های خود تلاش کرد تا موضوع اخلاق در نظام اقتصادی را توسط ساداتی‌نژاد، وزیر کشاورزی دولت سیزدهم به گونه‌ای لایوشانی کند؛ چراکه وی سابقه‌ای از اتهامات دارد. همچنین از سخنگو درخواست می‌شود تا روند

پگیری یک درخواست ارزی را به‌طور شفاف بررسی کند تا مشخص شود چرا فرآیندهای اداری برای برخی با سخت‌گیری‌های فراوان همراه است، اما در مقابل، مبلغ ۳/۷ میلیارد دلار بدون ارائه تضمین‌های کافی پرداخت شده است. این اقدام نتهت‌سوال‌برانگیز است، بلکه می‌تواند مصداق بارز ترک فعل در سطحی گسترده محسوب شود.

این سوال مطرح است که از چه زمانی چنین اقداماتی بدون پاسخگویی شفاف و دقیق انجام می‌شود و مسئولیت این تصمیمات بر عهده چه کسانی است؟ افکار عمومی و نهاد‌های نظارتی انتظار دارند پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای در این زمینه ارائه شود.

رخداد

پیش‌بینی دلار ۱۰۵ هزار تومانی در دولت سیزدهم

قیمت دلار در زمان ریاست دولت سیزدهم در محدوده ۵۰ هزار تومان بود و این روزها به بیش از ۹۰ هزار تومان رسیده است. این در حالی است که برخی نمایندگان مجلس این افزایش قیمت دلار را ناشی از تصمیمات نادرست دولت چهاردهم و وزیر اقتصاد یعنی عبدالناصر همتی می‌دانند به همین دلیل او را استیضاح و برکنار کردند. خبرگزاری فارس نیز در واکنش به این خبر منتشر شده اعلام کرده این نامه نه پیش‌بینی موضوع دولت سیزدهم بوده و نه در جایی تصویب شده بلکه یک گزارش کارشناسی با ۵۷ صفحه پیوست پیرامون یک مسئله بوده است. یک مقام در دولت سیزدهم نیز گفته است «در همین نامه قید شده که وزرا درباره آن نظر بدهند که همین مسئله مشخص می‌کند، این مستندات صرفاً یک طرح کارشناسی است. به گزارش فارس، البته اگر این نامه بخواهد محل بحث قرار گیرد، در آن قید شده است که در صورت انجام اصلاحات و اقدامات مد نظر، دلار در پایان سال باید ۷۰ هزار تومان باشد. در حالی که پس از ۶ ماه فعالیت دولت چهاردهم نرخ ارز ۲۰ هزار تومان بالای این عدد است.» اما به‌طور کلی با تکیه به این نامه می‌توان گفت که دولت چهاردهم یا به طور خاص وزیر اقتصاد استیضاح‌شده این دولت، مقصر اصلی یا عامل گرانی دلار نیستند، بلکه چند مولفه‌ای از جمله ناترازی انرژی و تورم دست به دست یکدیگر داده‌اند تا قیمت دلار روند صعودی را تجربه کند.

باید به سمت یک نظام یکپارچه و شفاف حرکت کنیم. همچنین، تقویت نهاد‌های نظارتی و افزایش شفافیت در عملکرد آن‌ها می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی کمک کند. بدون این تغییرات، مشکلات ادامه خواهند داشت.

احتمال تغییر در احکام

حمید اسدی، کارشناس مسائل حقوقی در گفت‌وگو با «هم‌میهن»



در خصوص پرونده جای دیش و صدور احکام وزرا گفت: این پرونده از جهات مختلفی قابل بررسی است. در حال حاضر، حکم دو وزیر سابق صادر شده است؛ اما درباره مدیرانی که در این پرونده به اتهام رشوه‌گیری تحت تعقیب هستند، اطلاعات دقیقی منتشر نشده است. این عدم شفافیت می‌تواند سوالات زیادی را در ذهنان عمومی ایجاد کند.

وی با اشاره به اینکه بخش‌هایی از پرونده محرمانه است اظهار کرد: در برخی پرونده‌ها، به‌ویژه پرونده‌های اقتصادی که ابعاد گسترده‌ای دارند، ممکن است بخش‌هایی از پرونده به دلایل امنیتی یا حفظ حقوق متهمان محرمانه باقی بماند اما درست است که این موضوع می‌تواند باعث کاهش اعتماد عمومی شود اما مردم حق دارند از جزئیات پرونده‌ها مطلع باشند، به‌ویژه وقتی که این پرونده‌ها به مسائل کلان اقتصادی مربوط می‌شود.

اسدی تأکید کرد: در حال حاضر، حکم صادر شده برای دو وزیر سابق، حکم بدوی است و هنوز قطعی نشده و امکان تجدیدنظرخواهی وجود دارد. حتی پس از مرحله تجدیدنظر، پرونده ممکن است به دیوان عالی کشور یا مرجع اعاده دادرسی ارسال شود. تا زمانی که رای قطعی صادر نشود، امکان تغییر در حکم وجود دارد. نمونه‌هایی مانند پرونده بابک زنجانی نشان می‌دهد که احکام ممکن است در مراحل بالاتر دچار تغییرات اساسی شوند.

این حقوقدان با اشاره به اینکه اتهام دو وزیر سابق معاونت در وقوع جرم بود نه مباشرت توضیح داد: معاونت به این معناست که فرد مستقیماً مرتکب جرم نشده، اما به نحوی به وقوع جرم کمک کرده است. این کمک می‌تواند از طریق اقدامات مثبت یا حتی ترک فعل باشد. در حالی که مباشرت به معنای این است که فرد خودش مستقیماً جرم را انجام داده است. در این پرونده، اتهام دو وزیر سابق معاونت در اخلاق نظام اقتصادی است، نه مباشرت.

اسدی در نهایت گفت: تا زمانی که پرونده در مرحله تجدیدنظر یا مراحل بالاتر قرار دارد، بعید است که مستندات کامل منتشر شود. پس از قطعی شدن رای، احتمالاً شاهد انتشار جزئیات بیشتری خواهیم بود. این موضوع به شفافیت بیشتر و پاسخگویی به سوالات عمومی کمک خواهد کرد.

شفافیت در پرونده جای دیش کلید اعتماد

صالح نقره‌کار، کارشناس حقوقی در گفت‌وگو با «هم‌میهن»



در خصوص پرونده جای دیش گفت: مبارزه با فساد باید به گونه‌ای باشد که در هر سطحی از حکمرانی، اگر تخلفی صورت گرفت، بدون ممانعت و با قاطعیت برخورد شود. این موضوع نیازمند یک سیستم نظارتی قوی و

برای واردات جای و ماشین‌آلات مبلغی برابر با سه میلیارد و سیصد و هفتاد میلیون دلار ارز دریافت کرده که یک میلیارد و چهارصد و هفتاد و دو میلیون دلار از این مقدار، ارز دولتی بوده است.

همچنین واردات جای و دستگاه‌های این گروه بازرگانی، نیازمند ثبت سفارش و تاییدیه وزارت صمت، جهاد کشاورزی و بانک مرکزی بوده که طی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰ با هماهنگی‌های صورت گرفته، ثبت سفارش‌های این گروه به میزان بیشتر از نیاز کشور تأیید و به‌محض ارسال برای بانک مرکزی تخصیص لازم انجام شده بود؛ در حالی که دیگر شرکت‌ها فرآیند خاصی را برای دریافت تاییدیه پشت سر می‌گذاشتند.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در خصوص این پرونده گفت: وزارت اطلاعات به عنوان اولین گزارش‌دهنده این موضوع به دستگاه قضایی بوده است و به موازات آن نیز سایر دستگاه‌های دیگر مانند سازمان بازرسی کل کشور ورود کردند و اقدامات خوبی داشتند، در حقیقت این اقدام یک تعاملی بین قوه قضائیه و دولت قبل (دولت شهید رئیسی) بوده است. شهید رئیسی خود در این قضیه برای مبارزه با فساد در ابعاد مختلف پیش قدم بودند و گزارش اولیه هم توسط وزارت اطلاعات به مجموعه قوه قضائیه داده شد.

جهانگیر ادامه داد: این گزارش در ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ جهت رسیدگی به دادرسی تهران ارائه شد و به دادرسی رسیدگی به جرایم اقتصادی ارجاع شد و موضوع بلافاصله به صورت شبانه‌روزی در دستور کار دادستانی تهران قرار گرفت، دو بازپرس ویژه به‌صورت شبانه‌روزی برای این پرونده در نظر گرفته شد و هر روز با همکاری ضابطان دستگاه‌های نظارتی کار دنبال شد؛ دستگاه‌هایی مانند سازمان ملی استاندارد و مجموعه‌های دیگر هم کمک کردند و نتیجه این شد که یک فساد گسترده که توسط گروه جای دیش صورت می‌گرفت کشف شد. این نتیجه تلاش بین‌دستگاهی بود که صورت گرفت و متهمین مختلفی در این پرونده مطرح شدند. البته وزارت خانه‌های مختلف هم در این پرونده همراهی و همکاری داشتند (وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت، سازمان توسعه تجارت، بعضی از بانک‌ها مانند صادرات و ملت و گردشگری) بخشی از پرونده رسیدگی و رای آن صادر شده و کیفرخواست دوم در مورد ۳۳ متهم دیگر است که جدیداً وارد دادگاه شده که آن هم متعاقباً رسیدگی خواهد شد.

نظام چندقیمتی ارز، بستر فساد

عطا بهرامی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «هم‌میهن»



در خصوص پرونده جای دیش و علنی نبودن این دادگاه گفت: علنی نبودن کامل دادگاه‌ها و عدم انتشار جزئیات دقیق می‌تواند به دلایل مختلفی باشد؛ از جمله حفظ امنیت اطلاعات یا جلوگیری از تأثیرگذاری بر روند رسیدگی. اما درست است که این موضوع ممکن است باعث ایجاد سوالات و ابهامات در میان مردم شود، اما اعتماد عمومی زمانی جلب می‌شود که شفافیت بیشتری وجود داشته باشد و مردم بتوانند به‌طور کامل از روند رسیدگی مطلع شوند.

وی توضیح داد: مشکل اصلی اینجا است که نظام چندقیمتی ارز ذاتاً پیچیده و غیرقابل نظارت است. وقتی شما چندین نرخ ارز دارید، طبیعی است که افراد سودجو از این تفاوت قیمت‌ها سوءاستفاده کنند. ناظران هم ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه باشند، اما مشکل اصلی به ساختار نظام اقتصادی برمی‌گردد. تا زمانی که نظام چندقیمتی وجود دارد، امکان نظارت کامل و جلوگیری از فساد بسیار دشوار است.

این کارشناس اقتصادی اظهار کرد: دولت رئیسی با این تصور وارد عمل شد که ناظران قبلی عملکرد ضعیفی داشته‌اند و با تغییر آن‌ها می‌توان مشکلات را حل کرد اما واقعیت این است که مشکل فراتر از این است. نظام قیمت‌گذاری ارزی و چندنرخ بودن آن، ذاتاً مشکل‌ساز است. حتی با تغییر ناظران، اگر ساختار اصلاح نشود، مشکلات ادامه خواهند داشت. بهرامی تشریح کرد: با توجه به رقم‌های کلانی که در این پرونده‌ها مطرح می‌شود، مثلاً ۳۰۰ میلیون دلار یا نیم میلیارد دلار سیستم دچار ضعف‌های ساختاری جدی است. وقتی شما رقم‌های این چنینی را می‌بینید، طبیعی است که مردم اعتماد خود را از دست بدهند. برای بازسازی اعتماد، نیاز به اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و نظارتی داریم. بدون این اصلاحات، ادامه این روند غیرممکن است.

وی ادامه داد: در یک نظام چندقیمتی، جلب اعتماد عمومی بسیار دشوار است. این نظام چندقیمتی ذاتاً باعث ایجاد فساد و سوءاستفاده می‌شود تا زمانی که نظام یکپارچه و شفافی نداشته باشیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مردم به‌طور کامل به این سیستم اعتماد کنند. اعتمادسازی نیازمند شفافیت، عدالت و اصلاحات ساختاری است.

این کارشناس اقتصادی در نهایت گفت: راه حل اصلی، اصلاح ساختار اقتصادی و حذف نظام چندقیمتی است.



درمان رایگان ۲۵ میلیون ایرانی

به گفته دبیر شورای عالی بیمه سلامت، هزینه درمان ۲۵ میلیون ایرانی تحت پوشش بهزیستی، کمیته امداد، جانبازان معسر و زنان سرپرست خانوار معسر در مراکز درمانی دولتی از ابتدای سال ۱۴۰۴ رایگان می‌شود. به گزارش ایلنا، سعید معنوی درباره جزئیات این طرح توضیح داد و گفت: «هزینه‌های بستری و دارویی افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی شامل سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، جانبازان معسر و زنان سرپرست خانوار معسر، در مراکز درمانی دولتی از ابتدای سال آینده رایگان می‌شود، افزون بر این هزینه‌های درمانی و دارویی دهک‌های یک تا سه هم رایگان است.» به گفته او، اعتبار مورد نیاز در سازمان برنامه بودجه پیش‌بینی شده و حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان برای اجرای آن نیاز است. «حدود ۵ میلیون نفر تحت پوشش کمیته امداد و حدود سه میلیون نفر تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند و جمعیت افراد دهک‌های یک تا سه نیز حدود هشت‌ونیم میلیون نفر است. در مجموع ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور در بخش دولتی هزینه‌های درمان‌شان رایگان می‌شود.»



موافقت مجلس با تعطیلی پنج‌شنبه

نمایندگان مجلس با تعطیلی روز پنج‌شنبه موافقت کردند. به گزارش ایرنا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در چارچوب لایحه اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری تمامی دستگاه‌های اجرایی را به استثنای برخی از دستگاه‌های خدماتی و نظامی موظف کردند ساعات کاری خود را در پنج‌روز هفته بین شنبه تا چهارشنبه تنظیم کنند، بنابراین در صورت تأیید شورای نگهبان با این لایحه، پنج‌شنبه‌ها تعطیل خواهد شد. براین اساس تمام دستگاه‌های اجرایی اعم از ستادی و استانی، به استثنای واحدهای نظامی، انتظامی و امنیتی و بخش عملیاتی واحدهای خدمات‌رسانی از قبیل بانک‌ها، گمرک جمهوری اسلامی ایران، بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی-درمانی و اماکن ورزشی، موظفند ساعات کار خود را در پنج‌روز هفته از روز شنبه تا چهارشنبه تنظیم کنند. فهرست کامل بخش عملیاتی واحدهای خدمات‌رسانی و استثنائات موضوع این تبصره ظرف سه‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.



تکمیل ظرفیت بهشت زهرا

رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران اعلام کرد که بیش از حداکثر یک‌هکتار دیگر، امکان دفن جدید و دفن روز را در بهشت زهرا (س) نداریم. به گزارش ایلنا، مهدی بابایی تأکید کرد که باتوجه به تکمیل ظرفیت الان، در حال پیگیری زیرساخت‌های لازم هستیم که آرامستان‌های جدید را به بهره‌برداری برسانیم و بیش از حداکثر یک‌هکتار امکان دفن جدید و دفن روز را در بهشت زهرا (س) نداریم؛ یعنی دفن جدید برای افرادی امکان دارد که در قطعات قدیمی، قبوری دارند یا بعد از گذشت مثلاً ۳۰ سال از دفن شدنی است؛ وگرنه بهشت زهرا (س) دیگر قطعه جدید ندارد و قطعات جدید آن در سال ۱۴۰۴ به پایان می‌رسد. او اضافه کرد: «فرونشست تهدیدی است که از دشت‌های مجاور شهر تهران به سمت تهران رسیده است. بیشتر هم از جنوب غرب تهران به این سمت آمده. به‌ر حال دغدغه‌ای جدی برای ماست و می‌طلبیم که دولت و وزارت نیرو در این موضوع تدابیری ویژه بیاندیشند که میزان برداشت آب‌ها در این دشت - که بیشتر به سمت شهر یار است - مدیریت شود تا شاهد فرونشست نباشیم.»

مواجهه نسل «زد» و «وای»

متولدان دهه‌های ۶۰ و ۸۰ مقابل هم نشستند و از کنشگری اجتماعی و سیاسی سخن گفتند



عکس: ایسنا



زهرا جعفرزاده خبرنگار گروه جامعه

همه متولدان دهه ۸۰، دانشجوی و کنشگر. هر کدام از یک طرف صدایش را بلند کرد: «خسته و ناامیدیم، ما را به رسمیت نمی‌شناسند. بی‌هویتی، هویت ماست، ابزارگرایی، جسوریم.» آنها مهم‌ترین دستاوردشان را شرکت در اعتراضات ۱۴۰۱ می‌دانند و حالا در مواجهه با نسل «وای»، یعنی همان متولدان دهه شصت، از تضادهای می‌گویند. کارشناسان و جامعه‌شناسان متولد دهه ۶۰ معتقدند که نسل «زد»، نمی‌خواهد جهان را نجات دهد، ایدئولوژیک‌گرا نیست، دنبال هنجارها نمی‌گردد، تعصب ندارد، متکثر است، سلطه‌پذیر نیست، تغییر می‌خواهد، نه اصلاح. آنها حتی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردند. با این همه تأکید می‌شود که نباید بار این نسل را سنگین کرد. نباید آنها را اینقدر پررنگ کرد. موجهی در جامعه ایجاد شد که نسل زد هم در آن مشارکت داشت. نباید مسئولیت تغییر را به گردن آنها انداخت و نسل‌های قبلی، عقب‌نشینی کنند. جامعه‌شناسان، این‌ها را سوءاستفاده از نسل زد می‌دانند.

شجاعت، جسارت و افراطی‌گری

حامد بیدی، مؤسس پلتفرم کارزار و کنشگر اجتماعی است. او این بار درباره نسل «زد» حرف زد؛ نسلی که قرار است پس از این موضوع سلسله‌نشست‌های این پلتفرم باشد. ماجرا از ثبت کارزارهای دانشجویی و دانش‌آموزی شروع شد، زمانی که نسبت به مصوبات کنکور اعتراض کردند یا خواستار لغو فلان امتحان و تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها به دلیل آلودگی هوا و... شدند. بیدی توقع دارد که این نسل، فعال‌تر باشد؛ هر چند می‌گوید کارزارهای این نسل، در مدت‌زمان کمی، امضاهای زیادی هم می‌گیرد. مثلاً در چند روز ۵۰ هزار امضاء که برای سایر کارزارها

نسل را فعال‌تر و از آنها برای کنشگری استفاده کرد؟ کنشگری واقعی نه تعویق‌کنکور و حذف درس فلان است.

▲ ملیکا، از اعضای پلتفرم کارزار است، او آمار از وضعیت ثبت کارزارهای دانش‌آموزی و دانشجویی می‌دهد: «۸۰ کارزار دانشجویی و ۶۵ کارزار دانش‌آموزی ثبت شده که اغلب نویسنده‌های آنها هم دانشجو و دانش‌آموز هستند. آنها در این کارزارها خواستار تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها به دلیل آلودگی‌ها و سردی هوا، همچنین مطالبات مربوط به کنکور شده‌اند. به هر حال کنشگری آنها مدنی نیست.»

▲ یونس خسرویگی، دانشجوی رشته حقوق دانشگاه تهران و دبیر کانون آسیب‌های اجتماعی دانشگاه تهران، متولد سال ۸۳:

«ما در کانون آسیب‌های اجتماعی دانشگاه تهران، بیشترین تمرکز را روی مسائل محیط‌زیست داریم، چراکه آن را منشأ آسیب‌های اجتماعی از جمله فقر، مهاجرت، تغییر ترکیب جنسیتی، تغییر اقلیم و... می‌دانیم. در این کانون، نسل زد هم حضور دارد. اما سوال این است که آیا نوع کنشگری این نسل نسبت به نسل قبل، تغییر کرده و چه تفاوت‌هایی با کنشگری هم‌نسلان خود در کشورهای توسعه‌یافته دارند؟

نکته اینجاست که این نسل در مقایسه با نسل قبلی در ایران و هم‌نسلان خود در کشورهای دیگر، بسیار ضعیف عمل کرده. هفته پیش دکتر فرستخواه، جامعه‌شناس اعلام کرد که آمار فعالیت‌های داوطلبانه در کشورهای اروپایی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد اما در ایران این آمار یک درصد است؛ آماري که بسیار عجیب است. البته مشخص هم نیست که این یک‌درصد از کدام نسل است.

چنان‌ببینی و نگرش این نسل متفاوت شده، این نسل خودش را در جمع تعریف نمی‌کند و چنان‌ببینی فردگرایی رویش غلبه

این اتفاق تکرار نمی‌شود. همین هم برای بیدی و سایر کنشگران اجتماعی در این حوزه، نشان‌دهنده این است که چقدر این نسل متشکل است و یک شبکه‌سازی آنلاین انجام داده. هر چند برای کنشگران مطالبه‌گری این نسل، سطحی است و شاید کمی هم از جنس عاقبت‌طلبی: «قبلاً جنبش‌های دانشجویی به شدت فعال بودند، آنها مطالبات آوانگارد داشتند، نسل زد امروز اما این چنین نیست. آنها سابقه شرکت در اعتراضات سال ۱۴۰۱ را دارند، آنها فریاد زدند که این ما هستیم.» نسل زد را فعال می‌دانند اما نه در همه جا. در بخش‌هایی که خودشان شبکه‌سازی کرده باشند، آنجا بیش از هر جای دیگری فعال و پویا هستند. بسیاری از موضوعاتی که برای نسل‌های دیگر مسئله است، برای این نسل نیست. بیدی اینها را می‌گوید و معتقد است که تفاوت ماهیتی میان نسل زد و نسل وای که یک‌نسل قبل از آنهاست، نمی‌بیند؛ تفاوت اصلی شاید در دسترسی به اینترنت است. آنها نسل بومی دیجیتال بوده‌اند، از وقتی به دنیا آمدند اینترنت بوده است، در حالی که نسل قبلی، تا جوانی و نوجوانی اینترنت نداشت. نسل زد، یک جدافتادگی از بخش سنتی جامعه دارند، در میان آنها کمتر کارهای مدنی و ان‌جی‌اویسی و حزبی دیده می‌شود، در مقابل از ویژگی آنها شجاعت، جسارت و رادیکال بودن آنهاست. هر چند به گفته او، امروز این گوشی تلفن همراه را از هرکسی بگیرند، نصف زندگی‌اش از بین می‌رود. کاری که با گوشی انجام می‌شود، درجه دو نیست، بلکه بخشی از زندگی است، تمام فعالیت‌های ما از طریق اینترنت انجام می‌شود. حتی پلتفرم کارزار با همین گوشی شروع به کار کرد و اولین کاربران این پلتفرم دانشجویان بودند.»

بحث با نسل زد، با این سوال شروع شد: آیا اساساً تفاوت ماهیتی میان نسل زد و سایر نسل‌ها وجود دارد؟ امتیازی که آنها به‌واسطه اعتراضات ۱۴۰۱ به دست آوردند، چقدر اصالت دارد؟ مسئله‌شان چیست و به چه فکر می‌کنند؟ چطور می‌توان این



متولدان نیمه دوم دهه ۷۰ فراموش شدند



محمد رهبری جامعه‌شناس

آنقدر که دهه ۸۰ به‌عنوان نسل زد، برجسته شده، دهه ۷۰ زمانی که وارد میدان شد، برجسته نشد. متولدان دهه ۷۰، یکی، دو سال پررنگ بودند تا اینکه وارد دانشگاه شدند و بحث درباره آنها هم فروکش کرد. اما در ارتباط با نسل زد یا همان دهه هشتادی‌ها خیلی صحبت می‌شود و شاید هم بیشترین دلیل آن هم پیوندی است که با اعتراضات سال ۱۴۰۱ پیدا کردند؛ اعتراضاتی که تأثیر

برخی کارهای اینترنتی، وارد شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های بانک و تاکسی می‌شوند. به‌هر حال این تفاوت فرهنگ، تفاوت رفتار و پلتفرم‌ها را هم ایجاد می‌کند. در شهریورماه امسال یک نظرسنجی انجام شد که نشان می‌داد میزان استفاده از توئیتر در میان جامعه ایران سه تا چهار درصد است اما وقتی به دانشجویان رسید، این عدد به ۲۳ تا ۲۴ درصد رسید. میزان استفاده از یوتیوب هم به‌طور میانگین در جامعه ایرانی، ۱۰ درصد است و در میان دانشجویان ۵۰ درصد. حتی استفاده از یادگست هم همین‌طور است. نسل زد، بومی فناوری است، خیلی راحت فیلترینگ را دور می‌زند و به همین دلیل است که این نسل بیشتر از پیام‌رسان تلگرام استفاده می‌کند تا واتساپ. در حالی که نسل قبلی بیشتر از واتساپ استفاده می‌کند. نسل زد، تفاوت منابع رسانه‌ای دارد، او از تلگرام، یوتیوب و... استفاده می‌کند اما نسل‌های گذشته در معرض یک منبع اطلاعاتی قرار دارند. به همین دلیل است که نسل زد، تکثر را راحت‌تر می‌پذیرد اما نسل‌های پیشین، روی عقایدش محکم ایستاده، برخلاف نسل زد که تعصب کمتری دارد و غیرایدئولوژیک است. او دنبال ایدئولوژی نیست که برایش هزینه داشته باشد.



تاکید بر حفظ هویت «عودلاجان»

وزیر میراث‌فرهنگی بر ضرورت حفاظت از هویت فرهنگی تاریخی محله عودلاجان تأکید کرد. به گزارش مهر، سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، با حضور در محله عودلاجان و امامزاده یحیی (ع) ضمن زیارت و بازدید از این بقعه تاریخی، طرح حفاظت و ساماندهی بافت تاریخی عودلاجان را بررسی کرد. در این نشست و بررسی میدانی، مسئولان حاضر توضیحاتی پیرامون تهیه طرح، فرآیندهای اجرایی و ملاحظات فنی و فرهنگی مرتبط با طرح حفاظت و ساماندهی و توسعه این مجموعه ارائه کردند. طرح مزبور که با هدف حفاظت از کالبد تاریخی، همچنین ساماندهی و توسعه فضاهای عملکردی امامزاده در دستور کار قرار دارد، در کمیسیون ماده ۵ سازمان نوسازی شهرداری تهران در حال بررسی است. وزیر میراث‌فرهنگی پس از استماع گزارش‌های کارشناسی، با اشاره به اهمیت تعامل میان دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف موردنظر، دستور برگزاری جلسه‌ای مشترک با حضور شهرداری تهران و شورای تخصصی میراث‌فرهنگی را صادر کرد تا ابعاد مختلف طرح ساماندهی ارائه شده از سوی شهرداری، از منظر ملاحظات فرهنگی، تاریخی و شهرسازی بررسی شود.



کشته‌شدن روزانه ۴۸ نفر در تصادفات کشور

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور فراجا اعلام کرد که به‌طور میانگین روزانه ۴۸ نفر در تصادفات کشور کشته می‌شوند. به گزارش ایسنا، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور فراجا اعلام کرد: مهم‌ترین علت‌های تصادفات در کشور ما، سرعت غیرمجاز و عدم رعایت فاصله طولی مناسب است که ۳۰ درصد از این تصادفات بر همین اساس رخ می‌دهند. علاوه بر این، ۲۰ درصد تصادفات به‌علت رانندگی خطرناک و سبقت غیرمجاز، ۱۵ درصد به‌علت خستگی و خواب‌آلودگی، ۱۵ درصد به‌علت کیفیت و نقص ایمنی خودرو، ۱۰ درصد به‌علت نابلین بودن جاده‌ها و ۱۰ درصد به‌علت عدم توجه به علائم و استفاده از تلفن همراه رخ می‌دهد. در سال گذشته، ۲۰ هزار و ۴۵۰ نفر در تصادفات کشور جان خود را از دست داده‌اند و در مجموع در ۱۰ سال گذشته، ۱۷ هزار نفر سالیانه در تصادفات کشور جان خود را از دست می‌دهند و این آمار روزانه به ۴۸ نفر می‌رسد.



نظر شورا، حکم نهایی است

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرد که تصمیمات شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص مصوبه تأثیر معدل در کنکور به‌عنوان مصوبه قطعی تلقی می‌شود. به گزارش مهر، خسرو پناه در خصوص نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع نحوه تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش دانشگاه‌ها گفت: «نظر و تصمیمات شورای عالی آموزش و پرورش در این مسئله، مصوبه نهایی است.» او اضافه کرد: «در خصوص مصوبه تأثیر معدل، شورای عالی انقلاب فرهنگی تأثیر پایه‌های یازدهم و دوازدهم را مصوب کرد اما این مسئله جزئیاتی داشت. شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب کرد که در خصوص جزئیات این مسئله نظیر اینکه چه درسی در پایه یازدهم برای کنکور مؤثر باشد یا در خصوص جزئیات دیگر نظر شورای عالی آموزش و پرورش نهایی بشود و به‌عنوان مصوبه قطعی تلقی شود.»

نیست و ارزش‌هایش دگرگون شده، آیا برایش الگوی درستی مبتنی بر این سبک زندگی وجود دارد؟»

▲ امین، دانشجوی حقوق دانشگاه امام صادق، متولد سال ۸۲:

«پرنگ‌ترین ویژگی نسل زد، جسارت است، این جسارت هم به‌دلیل تربیت والدین‌شان که دهه‌های ۶۰ و ۵۰ هستند، ایجاد شده است؛ نسلی که خودشان را سوخته می‌دانند، نسلی که عقده دارند و می‌خواستند فرزندان‌شان بدون عقده بزرگ شوند. آنها انقلاب و جنگ را گذرانده‌اند و مسائل مذهبی برایشان بسیار مهم بود. نسل زد اما تمایل به چالش دارد، مشکل اینجاست که ایندولوزی آلترناتیو ندارد. قبل از انقلاب در سال ۵۷، عادی‌ترین کتابی که در میان دانشجویان دست‌به‌دست می‌شد، کتاب سرمایه حقوق مارکس بود. در حال حاضر نسلی که در میان اندیشمندان و جمع‌های روشنفکری باشد، کم است، نسلی که سیاست، حقوق، فلسفه و... بخواند. همه چیز نسل زد، فست‌فودی است و با تفکرات و ایندولوزی‌های متفاوت مواجهه عمیقی ندارد. این نسل نیاز به گفت‌وگو دارد، از ذیل گفت‌وگو می‌توان به نتایج مهمی رسید. گفت‌وگو، اول مسیر است.»

▲ متولد دهه شصتی که دکترای روانشناسی دارد و در حوزه اعتیاد اینترنتی کار می‌کند:

«آخرین بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که سن نوجوانی تا ۲۳ سالگی افزایش یافته است، ما در دوره نوجوانی با بحث گذر از بحران هویت مواجهه ایم و همین حالا هم شکل‌گیری هویت جنسی، فری، خانوادگی و اجتماعی نسل زد ما تا اخیر مواجهه است؛ چراکه جامعه ما از یک جامعه سنتی در حال ورود به یک جامعه مدرن است. این در حالی است که ساختار حکمیتی هم نوجوانان را به رسمیت نشناخته، کودک‌بزرگسال را می‌شناسد اما نوجوان را نه. حتی بودجه‌ای برایش در نظر گرفته نمی‌شود. چشم‌اندازهایی که برای جوانان و نوجوانان ترسیم می‌شود، وقتی به عمل می‌رسد، دستیابی به آنها هم سخت می‌شود. اگر حس مطالبه‌گری و کنشگری را از نوجوانان و جوانان بگیریم، دیگر نمی‌توانیم به آینده ایران امیدوار باشیم. یکی از معضلاتی که در حوزه نوجوان و جوان دیده می‌شود این است که آنها ادبیات مشترک‌شان را از موج‌های مختلف رسانه‌ای می‌گیرند، یعنی خودشان نتوانسته‌اند این موج را ایجاد کنند. اصالت خاصی در میان آنها دیده نمی‌شود.»

▲ الهام مراد، تسهیلگر توسعه محلی و دبیر انجمن علمی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، متولد دهه ۶۰:

«من در دو موقعیت با نسل زد در ارتباط بوده‌ام، یک بار که به‌عنوان تسهیلگر کنش‌شان بوده‌م و خیلی از آنها موختم یکی هم تعاملی که با تشکلهای دانشجویی در دانشگاه دارم. نسل زد، ما را به یاد امیر محمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران می‌اندازد که چندوقت پیش جانش را از دست داد. او نماد یک نسل‌زدی بود، در روستا درس خوانده بود، به تهران آمده بود برنامه‌نویسی می‌کرد. بعد از حادثه‌ای که برای او پیش آمد، شاهد کنشگری قابل توجه نسل‌زدی‌ها بودیم، آنها برای داشتن کوچه و محیطی امن اعتراض کردند، بنابراین بی‌انصافی است اگر بگوییم نسل زد، کنشگر نیست. اما سوال اینجاست که آیا نسل زد، یک‌دست است؟ یا اینکه با گروه‌های مختلفی که هر کدام به فضایی تعلق دارند، کار می‌کنند؟ آنها شیوه جدیدی از تعامل با نابرابری دارند، ما متولدان دهه ۶۰ سرکوب شدیم. ما تلاش می‌کردیم غم‌زگمان را تبدیل به کار بزرگ کنیم، اما نسل زد اینطور نیست، او در برابر نابرابری مصیان می‌کند. اگر توجه کنید آخرین نسلی که در نهادهای مدنی مشغول به فعالیت هستند همین متولدان دهه ۶۰ هستند. کنشگری نسل‌زدی‌ها، متفاوت است، ما دهه شصتی‌ها دنبال نجات جهان بودیم، اگر یک نسل‌زدی کارزای راه می‌اندازد و خواستار لغو کنکور است، به این دلیل است که اول می‌خواهد خودش را نجات دهد، هر چند هنوز به بلوغ کنشگری در این نسل نرسیده‌ایم اما همچنان می‌توان به آنها امید داشت. چراکه از خطای شناختی نجات دیگری دهه ۶۰، گذر کرده‌اند. امیدواریم که کارزار ابزار خوبی برای کنشگری این نسل شود؛ جایی که افراد نه به نمایندگی از دیگری که صدای خودشان را بلند کنند.»

▲ سارا سهیم‌الدینی، متولد سال ۷۷ و فارغ‌التحصیل زبان فرانسه از دانشگاه شهید بهشتی:

«به ما می‌گویند نسل تبیل، اما نسل ما ابزارگراتر است. ما تلاش می‌کنیم از ابزارهای موجود نهایت استفاده را کنیم. می‌خواهیم بیشتر ناظر باشیم و کنشگری را در این می‌بینیم که سر بزنه، وارد ماجرا شویم و بگذاریم قدم‌به‌قدم اتفاق رخ دهد. در سال ۱۴۰۱ هم به‌موقع وارد عمل شدیم و آن کاری که باید را انجام دادیم. اتفاقات سال ۱۴۰۱، برای روز ما کافی است. ما آدم‌هایی بی‌خیالی نیستیم، ما از زندگی خودمان گذر کردیم تا کار ویژه‌ای انجام دهیم.»

▲ علی مرادزاده، فارغ‌التحصیل مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد کرج، متولد سال ۸۲:

«نسل زد کرج، زیاد اهل درس خواندن نیستند و به همان اندازه هم دنبال مطالبه‌گری نیستند. انگار به‌صورت سیستماتیک امید آدم‌های این نسل را گرفته‌اند. آنها می‌گویند اگر حرفی بزنیم یا مطالبه‌ای کنیم، چه کسی می‌شود و چه کسی می‌خواهد عمل کند.»

▲ محمدرضا، متولد دهه ۷۰، ورودی سال ۹۳ دانشگاه تبریز:

«آن زمان که من وارد دانشگاه تبریز شدم، تمام انجمن‌های دانشجویی تعطیل بودند، فضای مه‌گرفته‌ای روی دانشگاه حاکم بود، انجمن اسلامی دانشگاه تبریز که از سال ۶۴ فعال بود، فعالیتش را متوقف کرده بود، هر چند تلاش می‌کردند افراد را دوباره دور خودشان جمع کنند و دوباره این انجمن را بازگشایی کنند. مسئله این است که تمامیت خواهی در بسترهای جامعه، موج می‌زند. تا قبل از سال ۱۴۰۱، این احساس وجود داشت که نسل زد، متشکل نیستند نمی‌توانند با هم حرف بزنند، البته یک مسئله ویژگی زمانی است، مثل اینکه در دوره ما اینترنت در دسترس بود، البته این مسائل تنها مربوط به ایران نیست. در آمریکا هم جنبش ویکسم و کنسل کالج، فعال است. نسل زد از هر بستری استفاده می‌کند تا حرفی بزند، کنسل کالج و ویکسم را باید جدی گرفت. ماجرا بیش از آنکه بحث زمانه باشد، به جنس زندگی ارتباط دارد.»

▲ فائزه فراهانی، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی:

«نفوذ نسل زد در دانشگاه بسیار زیاد شده است، ما نشست‌هایی برگزار می‌کنیم و اساتید نمی‌توانند مثل قبل حرف بزنند، آنها رویکردشان را تغییر داده‌اند و تلاش می‌کنند به‌روز باشند. اتفاقات ۱۴۰۱، هم از سوی همین نسل اتفاق افتاد. امیدوارم در سال‌های آینده بتوان فعالیت‌های گسترده‌تری انجام داد تا این نسل بیشتر مورد توجه قرار گیرد.»

▲ تینا، متولد سال ۸۴:

«نسل ما از کنشگری مدنی یا فعالیت مدنی درک درستی ندارد، فعالیتی که انجام می‌دهند صرفاً یک فعالیت است، ما می‌گوییم حضور این افراد در جامعه باید پررنگ باشد، اما نمی‌بینیم که این حضور به نتیجه رسیده باشد. ما در انتخابات اخیر شاهد بودیم که ستادها خیلی از دهه هشتادی‌ها بود، آنها بیش از آنکه به نتیجه فعالیت‌های مدنی اعتقاد داشته باشند، به تغییر کلی اعتقاد دارند.»

▲ آرین، متولد سال ۸۴:

«برخی از دوستان می‌گویند که دانشجویان ناامید هستند، اما این ناامیدی از حاکمیت شروع شده که به آنها میدان نمی‌دهند تا حرف‌شان را بزنند و برای آینده خودشان تصمیم بگیرند. به نسل زد گفته می‌شود شما هنوز به آن درک لازم نرسیده‌اید.»

▲ علیرضا، متولد سال ۷۹:

«دغدغه فعلی، چگونگی کنشگری نسل زد است. من فکر می‌کنم آنچه در نسل زد وجود دارد، سلطه‌ناپذیری است. ما با نسلی رویه‌رو هستیم که ارزش‌هایش به‌شدت دگرگون شده است، نسلی که وارد ساختار رسمی نمی‌شود و کنشگری رسمی هم نمی‌کند. سوال این است که برای نسلی که سلطه‌پذیر



کرده، به همین دلیل است که در کنشگری‌های مدنی و بعضاً سیاسی، حضور پررنگی ندارد. نکته دیگر مربوط به ساختار حاکمیتی می‌شود. ما با یک حاکمیت تمرکزگرا و سلطه‌طلبی مواجهه‌ایم که نهاد مدنی را به رسمیت نمی‌شناسد، چه رسد به کنشگری مدنی. همین موضوع باعث می‌شود تا کنشگری نهادهای مدنی تضعیف شود. در قوانین نهادهای مدنی به رسمیت شناخته شده‌اند، در اجرا نه، نکته بعدی در ارتباط با این نسل، تغییر قالب کنشگری اوست. اگر گوشی تلفن همراه را از این نسل بگیریم، او دیگر همان اندک کنشگری را هم نخواهد داشت و حتی دیگر نمی‌تواند با واقعیت‌های جامعه آشنا شود، درک‌شان کند و حتی نمی‌تواند با آنها مواجه شوند.»

▲ محمد شهریاری، دانشجوی رشته علوم کامپیوتری دانشگاه تهران:

«مانسل زد، از ابتدا داخل گوشی‌های تلفن همراه مان زندگی کرده‌ایم، اگر این گوشی را از ما بگیرند، هیچ فعالیت اجتماعی نخواهیم داشت. ما ادا خل جمع نبوده‌ایم، دوستان مان را همان‌جا پیدا کرده‌ایم. شاید برای اینکه بتوان کنشگری از سوی این نسل دید، باید آنها رودرروی هم بنشینند. شاید اینگونه فعال تر شوند.»

▲ علی متولد سال ۸۴، دانشجوی رشته علوم کامپیوتری:

«من همیشه در حوزه‌های مختلف فعال بودم و اعتراض کردم، اما همیشه به‌دور خودم وقفه می‌دم که هیچ کاری نمی‌شود انجام داد. این نسل با نسل‌های دیگر تفاوت دارند، حتی تفاوت‌شان جزئی نیست، این نسل خسته و ناامید است. اینطور نیست که به امید تغییر کارزایی ثبت کند. وقتی می‌گویند کارزایی برای توقف فیلترینگ بزنید، آنها می‌گویند به جای یک فیلترشکن پیدا کنید که خوب جواب دهد. او این سوال را می‌پرسد که چرا باید برای این کشور بجنگد. چرا باید ماند؟ همه رفته‌اند.»

می‌شود این نسل انومیک است، ما این را می‌توانیم به‌عنوان تفاوت میان نسل زد و نسل‌های قبلی بدانیم. مثلاً برای نسل‌های گذشته یک محتوایی مبتدل و زشت است اما برای نسل جدید همان محتوا مبتدل نیست. برای نسل زد، محتوا معنای متفاوتی دارد. بر همین اساس برای اینکه بتوانیم با این نسل زبان مشترکی داشته باشیم، باید مفاهیم و ارزش‌ها را به‌هم نزدیک کنیم. شاید هم حرفی که می‌زند که بی‌هویتی، هویت‌شان است، جمله درستی باشد. نکته دیگر اینکه، همواره درباره میزان درک و فهم این نسل پرسیده می‌شود که شاید درست هم نباشد. اتفاقاً از نظر من، نسل زد به‌دلیل تنوع منابعی که دارد، درک عمیق‌تری از مسائل دارد. یک ۲۰ ساله نسل زد، از ۲۰ ساله دهه ۶۰ اطلاعات بیشتری دارد، چراکه اطلاعاتش را از منابع زیادی می‌گیرد. این نسل راحت به خودش اجازه می‌دهد که تجربه کند و این مسئله منجر به بلوغش می‌شود. نمی‌توان گفت که نسل زد، شجاع‌تر از نسل قبلی خود باشد، اگر اینطور باشد، کسانی که در سال ۵۷ انقلاب کردند، شجاع نبودند؟ یا کسانی که به جنگ رفتند یا در سال ۸۸ در خیابان‌ها اعتراض کردند، شجاع نبودند؟ اساساً جوانان شجاع و جسورند.

درصد بود اما در سال ۱۴۰۲ این عدد به ۵۸ درصد رسیده بود. به‌هر حال هنوز ۴۰ درصد به خانواده اعتماد ندارند اما روندی که طی شده نشان‌دهنده افزایش اعتماد به خانواده بوده است. البته نکته مهم این است، قبل از اینکه برویم سراغ داده‌ها، مفاهیم ذهنی ما باید انعطاف بیشتری داشته باشد. ویژگی دیگر این نسل، تأکید بر صداقت و مخالفت با ریاکاری و دروغگویی است. ریاکاری برای آنها به‌شدت به‌عنوان ارزش‌های منفی شناخته می‌شود. مسئله دیگر اینکه، در میان خود نسل زد هم تفاوت‌های زیادی وجود دارد، شاید یک ویژگی مشترک در میان تمام آنها همان بومی فناوری بودن‌شان است که باعث شده اسم‌شان بشود نسل زد. بنابراین نوجوانانی که در زاهدان و اراک یا جنوب شهر تهران زندگی می‌کنند قطعاً با هم تفاوت دارند، ما وجه اشتراک‌شان را در بومی فناوری بودن‌شان می‌دانیم. گفته می‌شود بی‌هویتی، هویت نسل زد است، ما مفهومی تحت‌عنوان انومی داریم به معنی بی‌هنجاری؛ یعنی هیچ‌هنجار مسلطی در جامعه حاکم نیست. جامعه‌شناسی انومی، حکایت از یک وضعیت بد دارد، یعنی وقتی جامعه انومیک می‌شود، شرایط بدی ایجاد شده است، اما حالا گفته

برای ایندولوزی‌اش جان نمی‌دهد. البته به این معنی نیست که آرمانی نداشته باشد، برابری، آزادی و عدالت برایش مهم است اما اینکه بخواهد زندگی‌اش را فدا کند، اینطور نیست. به همین دلیل گفته می‌شود آنها نسل خودخواهی هستند. نکته دیگر اینکه برای این نسل، شخصیت‌های ملی، بُت نیستند و جایگاهی برایشان ندارند، به‌جای آن، شخصیت‌های کارآفرین و علمی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این شخصیت‌ها برای نسل زد، مرجعیت بیشتری دارند، به همین دلیل زودتر مستقل می‌شوند، زودتر دنبال مهارت و درآمدزایی می‌روند. مسئله دیگر، اهمیت جایگاه خانواده برای نسل زد است. قبلاً این تصور وجود داشت که نسل زد، ارتباط خوبی با خانواده ندارد اما در موج چهارم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که سال گذشته منتشر شد نشان داد که اتفاقاً این نسل بیشترین اعتماد را به خانواده دارد، یعنی در مقایسه با پزشکان، معلمان و... این نسل، بیش از همه به خانواده اعتماد دارد. البته یکی از دلایلی ممکن است این باشد که این نسل تربیت‌شده متولدان دهه ۶۰ هستند و در واقع با والدین‌شان دوست هستند. براساس نظرسنجی که در سال ۹۴ انجام شد، میزان اعتماد به خانواده ۳۸



پل زدن میان آزادی های منفی و مثبت

لارس اسونسن می کوشد میان آزادی سیاسی و نیک زیستی پیوندی برقرار کند



هدف حراست از این هدف مقدس.

آیزایا برلین، یکی از شناخته شده ترین مورخان تاریخ اندیشه ها، از وجود قریب به ۲۰۰ تعریف از آزادی خبر می دهد. در عین حال او خود در مقاله ای که شهرتی عالمگیر پیدا کرده است، از تضادهای گاه غیر قابل رفع میان دو سنخ از آزادی، «آزادی منفی» (فقدان اجبار یا موانع یا دخالت های بیرونی در اعمال فرد) و «آزادی مثبت» (ظرفیت افراد برای پیگیری اهداف و بالفعل کردن پتانسیل های خود) سخن می گوید که تبعاتی یکسره متفاوت از التزام به هر یک به دست می آید؛ تفاوت هایی به عمق و اهمیت تفاوت دموکراسی و دیکتاتوری.

همین جناب برلین در کتابی به نام «آزادی و خیانت به آزادی» از فیلسوفان و اندیشمندان چون هلسوسوس، روسو، فیشتنه، هگل، سن سیمون و دومستر به عنوان افرادی نام می برد که با آزادی شروع می کنند و خواننده خود را به این باور سوق می دهند که آنها مدافعان راستین این ارزش فوق العاده حیاتی برای تعالی بشر هستند، اما در نهایت در تحلیل نهایی، در آزادی مدنظر آنها چیزی از آن سنخ آزادی های فردی و فکری که امروزه نزد بسیاری از ما از جمله ملزومات انکارناشدنی آزادی هستند، دیده نمی شود و بدین ترتیب آن سامانه سیاسی هم که آنها در نوشته های شان بدان می رسند، شباهتی با لیبرالیسم به مثابه نظریه آزادی سیاسی ندارد. در چنین شرایطی در سامانه مطلوب این متفکران این حق به سیاستمداران

درمان پزشکی قرار نگرفت) را شامل می شود. توسعه ای هپارین، دارویی که جراحی قلب را در ابتدا ممکن ساخت اما کاشف آن در «گمنامی مُرد»؛ ساخت ضربان ساز توسط مهندسی که آن را رها کرد و ترجیح داد در عوض روی روش های پاستوریزه کردن آبجو کار کند، از جمله موضوعاتی است که در این کتاب به آن ها اشاره می شود. «ماجرای قلب» مملو از حقایق و داستان های جالب است، با تمرکز بر قهرمانان مختلف مانند جراح آفریقای جنوبی، کریستیان بارنارد که نخستین عمل پیوند قلب را انجام داد و پزشک رومانیایی، توما یونسکو که به چالش های فنی متعدد در این زمینه می پردازد.

در ۱۱ عمل برجسته، توماس موریس داستان هایی از پیروزی، شجاعت بی پروایی، غرور، حسادت، رقابت و نبوغ باورکردنی را برای ما تعریف می کند. برایمان از اولین پیوند قلب انسان می گوید که در سرتاسر جهان خبرساز شد. با این که بیمار تنها ۱۸ روز بعد از عمل زنده ماند، اما پیوند قلب در کنار فرود آمدن روی کره ماه از مهم ترین خبرهای قرن بیستم بود.

این کتاب برای تمام آن هایی که به فناوری، علم یا تاریخ تلاش انسان علاقه مندند، نوشته شده است. این اثر نشان می دهد که چگونه یک نسل پیشگام از پزشکان در اوایل قرن بیستم بر این باور دیرینه غلبه کردند که قلب عضوی است که جراحی آن بسیار خطرناک است و توضیح می دهد که چگونه این اقدام کار می کند، مشکلات بالقوه و راه حل ها را توصیف می کند و جزئیات شگفت انگیزی را شرح می دهد که جراحان پیشگام برای بهبود چشم انداز

معرفی کتاب

فلسفه آزادی

نویسنده: لارس اسونسن

مترجم: نوید رشیدیان

انتشارات: نشر نو

قیمت: ۴۰۰ هزار تومان



شد. چنین بود که وقتی اوژن دولاکروا در سال ۱۸۳۰ از تابلوی نقاشی معروف به «آزادی هدایتگر مردم» رونمایی کرد، آنچه در کنار کوشندگان انقلاب دیده می شد، نقش انسان هایی بود که در راه آزادی کشته شده بودند. مخلص کلام آنکه، آزادی کلمه ای زیباست اما هم تحقق آن گاه بدون بذل جان میسر نشده، هم زشتی های زیادی از این جهان نتیجه فرامینی است که هربران به زعم خویش آزادی خواه صادر کرده اند برای وقوع ممالکان آزادی با

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ



آزادی، لاقبل در چند قرن اخیر یکی از پرسامدترین کلماتیست که انسان ها از آن استفاده می کنند. با این همه می دانیم که منظور همه ما از این کلمه یکسان نیست و به قول معروف هر کسی از ظن خود یار این مفهوم می شود؛ ظنهایی که گاه معنایی کاملاً متفاوت با یکدیگر دارند و در هنگام تصمیم گیری تبعات متضادی حتی می توانند داشته باشند، به نحوی که اگر از جهان باستان تا عصر پسامدرن را در نظر بگیریم می بینیم که چه درک های متنوعی از این مفهوم در میان فلاسفه، سیاستمداران و... پدید آمده و همین کلمه مقدس آزادی که همه آن را می ستایند و خود را رهروی راه آن می دانند، چه خون هایی را بر زمین نریخته است. در خاطر بیاورید در نخستین انقلاب سیاسی جهان، انقلاب فرانسه، چه رخ داد و چگونه در انقلابی که به نام آزادی دزهای سلطنت را در هم کوبید، استفاده از دستگاهی نیز باب شد به نام گیوتین برای سرعت بخشیدن به اعدام مردمان و تسهیل کردن نوشیدن جام خونین مرگ بر آنان. طنز ماجرا آنکه کسی چون روبسپیر که در دوران موسوم به «دوره وحشت» در فرانسه دستور اعدام قریب به ۱۰ هزار نفر را صادر کرد، بدتر خود گرفتار گیوتین

داستان این قلب پیچیده

زینب کاظم خواه

مترجم و روزنامه نگار



هزاران سال قلب انسان جزء عمیق ترین اسرار باقی ماند. قلبت که هم خانه ی روح است و هم عضوی، لمس آن بسیار پیچیده است؛ چه رسد به عمل جراحی آن. اما با گذشت زمان در اواخر قرن نوزدهم، پزشکان شروع به شکستن مرزهایی کردند که قبلاً هیچ کس جرأت عبور از آن مرزها را نداشت. جنگ جهانی اول گرچه دورانی تلخ و سیاه بود، اما جراحات هولناک ناشی از ترکش، مسلسل و سایر عوامل کشنده، به پزشکان فرصت های زیادی برای مطالعه ی موارد منحصر به فرد رنج را داد. تامس موریس در کتاب «ماجرای قلب»، داستان های شگفت انگیز جراحی های قلب را توضیح می دهد.

پزشکان با بررسی نوشته های میدان های جنگ فرانسه دریافتند که ۲۳ بیمار از ۲۶ بیمار از عمل جراحی جان سالم به در برده اند. این عدد - که حتی با استانداردهای امروزی نیز قابل توجه است - نتیجه ی نوآوری هایی مانند اشعه ایکس بود که کاشف آن

«دریافت که می توان از آن ها برای تجسم ساختارهای داخلی بدن انسان استفاده کرد» و پزشکان دریافتند که می توان از آن برای یافتن گلوله ها، ترکش ها و سایر اجسام خارجی استفاده کرد. در نتیجه ی این پیشرفت، جراحی های قلب به سرعت پیشرفت کرد.

مطالعات موریس - ۱۱ مورد عمده در مجموع - نشان دهنده ی دستاوردهای چشمگیری مانند درک علت به دنیا آمدن «نوزادان آبی» و تلاش برای بستن رگ های خونی معیوب (که قهرمان آن از یک نقص بینایی شدید رنج می برد که تا مدت ها پس از بازنشستگی از شغل پزشکی، تحت

ممنوعیت انتشار «معاویه»

ساترا دوپله و هر نوع انتشار سریال «معاویه» در سکویای صوت و تصویر فراگیر اعم از رسانه های ناشر محور و کاربر محور را ممنوع اعلام کرد. روابط عمومی سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی اعلام کرد: «بنا بر اعلام معاونت پایش و نظارت ساترا، سریال «معاویه» محصول شبکه mbc به دلیل روایت جدیدی از زندگی معاویه و سعی در تطهیر خاندان بنی امیه، در تمام رسانه های صوت و تصویر فراگیر کشور، غیر قابل انتشار است... بر همین اساس باتوجه به مکاتبه ای که از سوی سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با سکویای دارای مجوز از این سازمان در تاریخ ۱۳ اسفندماه سال جاری شده است، دوبله و هر نوع انتشار این محتوا ممنوع اعلام شد. همچنین به اطلاع می رساند، برخی رسانه های کاربر محور نسبت به انتشار نسخه زبان اصلی قسمت ۱ و ۲ اقدام کرده بودند که با همکاری دادستانی کل کشور نسبت به حذف دو قسمت یاد شده از تمام رسانه های کاربر محور اقدام شد.»

احضار بازیگر حامی فلسطین

خالد عبدالله که در سریال «تاج» نقش دودی الفلاید، فرزند میلیاردر مصری را ایفا می کرد، با اعلام اینکه نامه ای از پلیس متروپولیتن دریافت کرده و به دلیل «ارتباط با اعتراض سازمان همبستگی فلسطین» احضار شده، گفت که حق اعتراض در حال سرکوب شدن است. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، این بازیگر بریتانیایی - مصری ۴۳ ساله گفت، همه ما موظفیم از حق اعتراض که حالا در معرض خطر است دفاع کنیم و تاکید کرد اقدامات سرکوبگرانه پلیس بریتانیایی نتیجه خواهد بود. او افزود، در بریتانیا تلاش های فزاینده ای برای سانسور صداهایی که از فلسطین حمایت می کنند وجود دارد. پلیس متروپولیتن این بازیگر و عده ای دیگر از برگزارکنندگان تجمعات حامی فلسطین در تاریخ ۱۸ ژانویه ربه ادعای «تفص نظم عمومی» فراخوانده است. پلیس متروپولیتن معترضان را متهم کرده است که در میدان ترافالگار لندن از یک حصار امنیتی عبور کرده اند، اما سازمان دهندگان تظاهرات این ادعا را رد کرده اند

اجرای حکم شلاق مهدی یراحی

وکیل مهدی یراحی، خواننده، از اجرای «تام و تمام» حکم شلاق موکل خود در شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امنیت اخلاقی تهران خبر داد. آن طور که زهرامینویی در شبکه ایکس اطلاع رسانی کرده، این حکم روز چهارشنبه، ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۳ اجرا شده است. به نوشته مینویی، آخرین بخش احکام صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران علیه این هنرمند، مبنی بر ۷۴ ضربه شلاق، به طور «تام و تمام» اجرا و پرونده مهدی یراحی مختومه شد. مهدی یراحی پیش از این با انتشار ویدئویی در روز ۹ اسفندماه، درباره شرایط خود و حکم ۷۴ ضربه شلاق برای پرونده ترانه «روسریتو» توضیح داده بود. او با اشاره به حکم دادگاه مبنی بر دو سال و ۸ ماه حبس که یک سال آن قابل اجرا بود، اضافه کرده بود که حکم زندان او به حبس خانگی با پابند تبدیل شد و پس از پایان این دوره، می خواست فک وثیقه کند که این کار منوط به اجرای حکم شلاق اعلام شد.





اسارت زیر گنبد شیشه‌ای

نگاهی به جهان شکننده، پیچیده و شگفت‌انگیز
 خنده‌های خطرناک، نوشته استیون میلهاوزر

معرفی کتاب

خنده‌های خطرناک

نویسنده: استیون میلهاوزر

مترجم: بهنام نجفی

انتشارات: نی

قیمت: ۲۴۰ هزار تومان



از نظر اسونسن، آزادی مهارتی است مادام‌العمر که همینطور که روی خودمان کار می‌کنیم تراش‌اش می‌دهیم، بنابراین در این سخن دیوید فاستر دالاس که می‌نویسد: «نوع واقعاً مهم آزادی مربوط است به توجه، آگاهی، نظم، تلاش و توانایی بها دادن حقیقی به دیگر افراد و فداکاری مکرر برای آنها به بی‌شمار شیوه کوچک و خرد بی‌هیجان، هرروز و هرروز»، حقیقتی عظیم نهفته است



مسعود شاه‌حسینی
 خبرنگار گروه فرهنگ

در سال ۲۰۰۸ در حالی که جهان با بحران اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، استیون میلهاوزر، برنده پیشین جایزه پولیتزر برای رمان «مارتین درسل» (ترجمه سیروس قهرمانی، نشر مروراید)، مجموعه داستان «خنده‌های خطرناک» را منتشر کرد؛ اثری که با ظرافتی غیرقابل‌دریابی مرز بین واقعیت و خیال را به تصویر می‌کشد و مخدوش می‌کند. این مجموعه ۱۳ داستانی که نیویورک تایمز آن را در فهرست ۱۰ کتاب برتر سال خود قرار داد، بیش از یک دهه پس از انتشار، همچنان خوانندگانش را به سفری به جهانی آشنا می‌برد؛ جهانی که البته به‌طور نگران‌کننده‌ای غریب است. میلهاوزر در کتاب «خنده‌های خطرناک» با دقتی وسواس‌گونه، جهان‌هایی خلق می‌کند که در آغاز همچون اتاقی آشنا به‌نظر می‌رسند، اما لحظه‌به‌لحظه، واقعیت و منطق حاکم بر آن‌ها تغییر می‌کند تا جایی که خواننده خود را در قلمروی ناشناخته می‌یابد. منتقدان ادبی نیویورک تایمز به میلهاوزر لقب «مهم‌ترین انیمالیست ادبیات معاصر آمریکا» را داده‌اند؛ توصیفی دقیق برای نویسنده‌ای که توانایی‌ای استثنایی در جان‌بخشیدن به اشیای بی‌جان و مفاهیم انتزاعی دارد. در کتاب «خنده‌های خطرناک»، یک شهر می‌تواند زیر گنبد شیشه‌ای نفس‌گیر محصور شود، خنده می‌تواند به بیماری همه‌گیر مکرر تبدیل شود و کارتون‌های کودکان می‌توانند بستری برای تأملات فلسفی عمیق باشند.

نسخه فارسی کتاب که مترجم آن بهنام نجفی است، چهار بخش دارد: «غیب‌شدن‌ها»، «معماری‌های غیرممکن»، «تاریخ‌های بدعت‌گرا» و «پایان کارتون». این تقسیم‌بندی بیش از اینکه ساختاری ساده باشد، نقشه راهی برای سفر به اعماق وسواس‌های انسانی، معماری‌های جاه‌طلبانه ذهن بشر و روایت‌های بدیل از گذشته است؛ گذشته‌ای که می‌توانست باشد، اما نیست. اگر کتاب را بخوانید، شاید تأثیرگذارترین داستان را «گم شدن الین کولمن» بدانید؛ روایتی آرام اما تکان‌دهنده از زنی که به دلیل نادیده‌انگاری‌های مداوم دیگران، به معنای واقعی کلمه شروع به ناپدیدشدن می‌کند. داستانی اگر درباره‌اش بگویم ساده‌ترین شکل وحشت است، گراف نگفته‌ایم، این داستان تصویری است که نویسنده روی کاغذ درباره نیاز عمیق انسان به دیده‌شدن، شناخته‌شدن و عشق ورزیده‌شدن کشیده است. در یکی از تکان‌دهنده‌ترین صحنه‌های داستان، دوست دوران کودکی الین به خانه‌اش می‌رود و تنها یک اتاق خالی می‌یابد؛ اتاقی که به‌نظر می‌رسد هرگز کسی در آن زندگی نکرده است. این تصویر قدرتمند، همچون آینه‌ای است که میلهاوزر پیش‌روی ما می‌گیرد و می‌پرسد: «اگر کسی تو را نبیند، آیا واقعاً وجود داری؟»

داستان عنوان کتاب «خنده‌های خطرناک»، روایتی است از مسابقات خنده میان نوجوانان در دهه ۱۹۵۰؛ مسابقاتی که در آن شرکت‌کنندگان تا سرحد بهوش می‌خندند اما دست آخر، این سرگرمی به‌ظاهر بی‌ضرر به بیماری همه‌گیری تبدیل می‌شود که قربانیان را با لبخندی منجمد بر لب به کام مرگ می‌کشاند. میلهاوزر با این داستان میان لذت و درد، سرگرمی و آسیب‌پذیری و مرگ را در حد یک تار مو در وضعیتی دانماً متغیر می‌بیند.

در بخش اول، «اتاق در زیرشورانی» بسیار خواندنی است؛ داستان درباره مردی که اتاقی مخفی در خانه‌اش می‌سازد؛ اتاقی که به‌تدریج از قوانین فیزیک سرپیچی می‌کند و به فضایی بی‌نهایت تبدیل می‌شود. این داستان که می‌تواند یادآور آثار پیشگامان واقعیت‌جادویی باشد، پرسشی عمیق را مطرح می‌کند: آیا انسان می‌تواند از محدودیت‌های واقعیت بگریزد، حتی اگر این گریز تنها در چهاردیواری ذهن خود او میسر باشد؟ بخش دوم کتاب، «معماری‌های غیرممکن»، با داستان‌هایی

چون «گنبد» و «برج»، جاه‌طلبی‌های انسانی را در قالب سازه‌های عظیم به تصویر می‌کشد. در گنبد، شهری تصمیم می‌گیرد خود را زیر گنبدی شیشه‌ای، محصور کند تا از آلودگی‌ها و ناامنی‌های جهان بیرون در امان بماند. اما به‌تدریج این حفاظت به زندانی تبدیل می‌شود که ساکنان را از جهان واقعی جدا می‌کند. میلهاوزر با لحنی که منتقدان گفته‌اند به‌طور خرس‌و‌کور تازار شبیه است، این سازه‌ها را نه در شکل ساختمان، بلکه به‌مثابه استعاره‌هایی از آرزوهای دست‌نیافتنی به تصویر می‌کشد. در پشت هر برج عظیم و هر گنبد بلند پروازانه، اضطراب عمیق انسان از محدودیت‌های خود پنهان شده است.

داستان «تاریخ‌های کفرآمیز» شاید جسورانه‌ترین بخش سوم کتاب باشد. در این بخش، میلهاوزر با روایت‌های بدیل از گذشته، پل‌های میان تاریخ و افسانه را در هم می‌شکند و جهان‌هایی موازی خلق می‌کند که در آن‌ها، اختراعات عجیب با رویدادهای غیرمعمول، مسیر تاریخ را تغییر داده‌اند.

«طلایه‌دار سینما» نیز درباره تاریخ خیالی سینماست؛ تاریخی که در آن، پیش از اختراع فیلم، مردم در اتاق‌های تارکین گرد هم می‌آمدند تا به روایت‌هایی گوش دهند که صرفاً با نور و سایه بر دیوار، نقش می‌بست. این داستان با تأملی عمیق بر ماهیت تصویر، روایت و خیال‌نشان می‌دهد، چگونه انسان همواره در جست‌وجوی راه‌هایی برای فرار از محدودیت‌های واقعیت بوده است. بخش پایانی کتاب، داستان «گره و موش» است؛ بازآفرینی هوشمندانه‌ای از دنیای کارتون‌های کودکان که در آن تعقیب‌و‌گریز بی‌پایان دو شخصیت، به استعاره‌ای تلخ از وضعیت انسان معاصر تبدیل می‌شود. میلهاوزر با قلمی روان اما تیزبینانه و گاه هم تلخ و غمگین، نشان می‌دهد که چگونه سرگرمی‌های به‌ظاهر بی‌ضرر کودکان، می‌توانند پرده از خشونت نهفته در روح بشر بردارند.

کتاب «خنده‌های خطرناک»، واجد خصوصیات متمایزی است که به توانایی میلهاوزر در به‌کارگیری زبان و قدرت تخیل او در ساخت جهان‌هایی دیگر مرتبط است؛ جهانی متنوع و چندلایه در بازه زمانی متغیر، از دوران معاصر تا دوران تاریخی و خیالی. این جهان اما در همه عناصر سازنده‌اش سوررئالیسم و واقعیت و جادو درهم آمیخته است. میلهاوزر را نمی‌توان صرفاً یک داستان‌نویس دانست. او خالق است که با جوهر قلم خود، شخصیت می‌سازد و همگی هم جزئیات روان‌شناختی پیچیده دارند. شخصیت‌هایی که البته تجسم انسان در معنای وسیع آن هستند؛ انسان به‌عنوان موجودی که همواره در جست‌وجوی معنا، در تلاش برای غلبه بر محدودیت‌ها و در ترس دائمی از فراموش شدن است. گره‌نهدا به «خنده‌های خطرناک»، عمدتاً مثبت بوده‌اند، اما برخی منتقدان به برخی داستان‌های میلهاوزر به دلیل ایده‌گرایی و کاوشی که در انبوهی از مفاهیم فلسفی و انتزاعی می‌کند، انتقاد کرده‌اند.

برای خوانندگانی که به‌دنبال ادبیاتی فکری و چالش‌برانگیز هستند، این مجموعه داستان، سفری است به اعماق وسواس‌ها، ترس‌ها و آرزوهای انسانی؛ سفری که با خنده آغاز می‌شود، اما به تأملی عمیق در ماهیت واقعیت، حقیقت و وجود انسان می‌انجامد. کتاب که تمام می‌شود، سکوتی عمیق احاطه‌مان می‌کند؛ سکوتی که نه از آرامش، بلکه از نوعی تلاطم درونی برمی‌خیزد. این تازه شروع پرسش‌هایی بی‌پاسخ است که تا مدت‌ها راهی از دست‌شان ممکن نیست. همان‌طور که خود میلهاوزر در یکی از داستان‌هایش می‌نویسد: «گاهی پرسش‌ها مهم‌تر از پاسخ‌ها هستند». شاید همین، بزرگ‌ترین درسی باشد که کتاب به خوانندگانش می‌آموزد.

کتاب «خنده‌های خطرناک» را نشر نی، با ترجمه بهنام نجفی و قیمت ۲۴۰ هزار تومانی به بازار داده است.

به امید پدیداری جهاد تئاتری

پیام فرهاد ناظرزاده کرمانی برای روز تئاتر



نرگس کیانی
 خبرنگار گروه فرهنگ

بیش از نیم قرن است که بیست‌وهفتم مارس هر سال میلادی به‌عنوان روز جهانی تئاتر گرامی داشته می‌شود. پیام سالانه این روز که اولین بار در سال ۱۹۶۲ توسط ژان کوکتو نوشته شد، هر ساله توسط یکی از صاحب‌نظران و چهره‌های به‌نام عرصه جهانی تئاتر نوشته می‌شود. این پیام را در سال ۲۰۲۵ تئودوروس ترژپولوس؛ کارگردان، نویسنده و مدرس تئاتر یونانی نوشت. پیامی که در بخشی از آن چنین آمده بود: «بیباید به چشمان دیونیسوس، خدای شگفت‌انگیز تئاتر و افسانه که گذشته، حال و آینده را متحد می‌کند، نگاه کنیم، فرزند دوازده‌ساله، از زئوس و سمل، بیانگر هویت‌های سیال، زنانه و مردانه، خشمگین و مهربان، الهی و حیوانی، در آستانه دیوانگی و عقل، نظم و هرج‌ومرج، یک آکروبات سوار مرز زندگی و مرگ. دیونیسوس یک سؤال بنیادی هستی‌شناختی را مطرح می‌کند: «همه این‌ها درباره چیست؟» سؤالی که خالق را به سمت تحقیقی عمیق‌تر درباره ریشه افسانه و ابعاد چندگانه معمای انسانی سوق می‌دهد. ما به راه‌های روایی جدیدی نیاز داریم که به پرورش حافظه و شکل‌دهی به مسئولیت اخلاقی و سیاسی جدیدی بپردازند تا از دیکتاتوری چندوجهی قرون‌وسطی امروزی بیرون بیاییم.» روز جهانی تئاتر در ایران، از سال ۱۳۹۶ با عنوان روز ملی هنرهای نمایشی وارد تقویم رسمی کشور شد و از آن پس هفتم فروردین‌ماه هر سال با این عنوان گرامی داشته می‌شود و بنابر رسم جهانی، پیام آن را یکی از صاحب‌نظران و چهره‌های عرصه تئاتر می‌نویسد. کاری که امسال توسط پرفسور فرهاد ناظرزاده کرمانی انجام شده است. این پژوهشگر، استاد دانشگاه و از چهره‌های تأثیرگذار تئاتر ایران، به مناسبت هفتم فروردین‌ماه، روز ملی هنرهای نمایشی مصادف با روز جهانی تئاتر (۲۷ مارس) پیامی منتشر کرد که در آن بر اهمیت و نقش تئاتر در فرهنگ و جامعه تأکید ویژه شده است. او همچنین خواستار توجه جدی به آموزش تئاتر در مدارس شده است.

متن کامل پیام فرهاد ناظرزاده کرمانی به این شرح است:

«به همکاران ایران‌دوست که تئاتر، این چراغ-آینه‌ی فرهنگ و جامعه را، در حد گنجایش و توانش ذهن و خیال خود، فروزان و توانمند نموده‌اند. برای آنکه خورشیدی پدید آید، هرکس باید از خانه‌ی خود، چراغی بیافرودد. خوشبختانه تئاتر ایران پوشش و پیمایش دانشگاهی یافته و در بسیاری از شهرها، آموزش دانشگاهی که سبب‌ساز بالیدگی و گستردگی تئاتر است، برقرار گشته است.

در ایران، انقلاب کمی تئاتر رویداده است و شمار فراوانی هنرمند تئاتر، به کار کنش‌های تئاتری، همت گماشته‌اند. اکنون بایسته است که همگی هم‌داستان شویم و کوشنده‌ی رویدادن انقلاب کیفی هنر تئاتر نیز باشیم. انقلاب کیفی را به روال، نوانی تئاتر رقم می‌زند و از این رهگذر، آفرینش‌های تئاتری پرشماری پدید آورده‌اند؛ اما اینک به‌درستی باید منتظر هنرمندانی باشیم که تئاتر را نه تنها با نبوغ، بلکه با آگاهی و آموزش پدید می‌آورند. از این قرار، چشم به راه سرباوردن نوانی تئاتری هستیم.

اکنون در این بزرگه تاریخی، نوبت دبستانی و دبیرستانی شدن گفتمان-متن تئاتر در ایران است. بایستگی بسیار دارد که برای گسترش، رواج و ارتقای هنر تئاتر در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، آموزگاران و دبیران تئاتر، به‌صورت رسمی به خدمت گمارده شوند و در هر دبستان و دبیرستان، دست‌کم یک یا دو دانش‌آموزی رشته‌ی رشته‌ی تئاتر که دارنده‌ی درجه‌ی کارشناسی یا کارشناسی ارشد هستند، استخدام شوند و در درس‌های تئاتر نیز، از درس‌های موظف دوره‌ی دبستان و دبیرستان گردند.

برپایی تئاتر دانش‌آموزی، به شرحی که بیان گردید، زمینه‌ساز و پایه‌گذار طلوع نوانی تئاتری خواهد بود. اینجانب که از دهه‌ی ۶۰ تا کنون کوشیده‌ام تئاتر دانشگاهی را در ایران پی‌ریزی و دایر کنم، امیدوارانه به پدیداری تئاتر دانش‌آموزی که زیربنای تئاتر دانشگاهی است، چشم‌دوخته‌ام و در این راستا به سهم خود کوشیده‌ام و خواهم کوشید. این همان پدیده‌ای است که آن را، جهاد تئاتری می‌نامم. از این‌قرار، به امید پدیداری جهاد تئاتری»

جاده بد را خوب برانیم



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

«هیچ کس از این دنیا زنده بیرون نرفته است.» این جمله معروف که همزمان هم ترازیک است و هم کمدی، مهم‌ترین و قطعی‌ترین اصل این دنیاست. لاف‌کلک تا آن چنین است. پیشرفت پزشکی، توسعه امکانات و... فقط توانسته که متوسط عمر بشر را زیاد کند. شوربختانه یا خوشبختانه هنوز بشر نابیرا نشده است.

پس هنوز مرگ حق است، ولی نه مرگ مفت. مرگ مفت مرگ اجتناب‌پذیر است؛ مرگی که با تدبیر، پیش‌بینی و پیشگیری می‌شد که اتفاق نیفتد. یکی از مفهومی‌ترین مرگ‌ها به‌خصوص در کشور ما، مرگ ناشی از تصادف است.

در آمار بالای مرگ و جراحت ناشی از تصادف در ایران، عوامل زیادی دخیل هستند. ماشین‌های غیراستاندارد و خطرناک تولید داخلی احتمالاً اولین و مهم‌ترین مقصر این وضعیت‌اند. اینکه چرا چنین شده و جان ملتی گروگان خودروسازهای داخلی است از حوصله و توان این یادداشت خارج است. درباره این مسئله گفتنی‌ها را همه از مردم تا صاحب‌نظران گفته‌اند. اراده و توان برای این تغییر نیاز است نه حرف و سخن.

جاده‌های خطرناک و غیراستاندارد هم سه‌م تقصیر قابل توجهی در آمار بالای تصادفات دارد. خوشبختانه هرچه جلوتر آمده‌ام جاده‌ها به استاندارد شدن نزدیک‌تر شده‌اند؛ هرچند هنوز در بعضی جاها همچنان هیچ کاری نشده است. با همه اینها هنوز ما شهروندان یکسره بی‌هیچ و دست خالی در برابر سوانح جاده‌ای نیستیم. می‌توانیم پشت غیراستاندارترین ماشین در بدترین جاده‌های جهان هم به تصادف نه بگوییم. عامل انسانی در بیشتر اوقات اولین عامل به‌وجود آمدن یک تصادف است. سرعت تند منجر به تصادف یا چپ شدن ماشین می‌شود و چپ شدن در ماشین‌نایمن منتهی به جراحی شدید و مرگ می‌گردد. بیشترین تعداد تصادفات در مسیرهای انتهایی مقصد و نزدیکی شهرها اتفاق می‌افتد. کم‌حوصلگی و شتاب برای زودتر رسیدن، رانندگی را پرخطر می‌کند و آمار تصادفات را بالا می‌برد. همین یک نکته پس ذهن‌مان بماند و آن آخر سفر حوصله و طاقت‌مان را زیادتر کنیم. تأثیر زیادی روی می‌شود آمار تصادفات خواهد داشت. با همین بستن کم‌ریند ایمنی که در بسیاری اوقات ناچی جان تصادف‌کنندگان شده است. به نظر کم‌ریند ایمنی هنوز آنچنان که باید به یک قاعده غیرقابل چشم‌پوشی تبدیل نشده است. چندی پیش سوار ماشین دوست فریخته‌ای‌اش شدم، کم‌ریند ایمنی را که بهستم خاک و دوده روی پیراهنم چنان نقش بست که دیگر هرگز پاک نشد. معتزض آن دوست شدم که این همه خاک و دوده از کجاست، گفت تا به حال از کم‌ریندهای ایمنی ماشین استفاده نکرده است. یا همین چند روز پیش در سفری بین‌شهری سوار ون بودیم. با ۲۱ سرنشین. سه سرنشین مازاد بغل راننده نشسته بودند و بقیه هم روی صندلی‌ها. پلیس راه بین‌شهری کاغذ تردد را امضا نکرده، به درستی می‌گفت تا همه سرنشینان کم‌ریندهای خود را ننهند کاغذ را امضا نخواهم کرد. همه به تکاپو افتادند تا کم‌ریندهای زنگ‌زده و ازکار افتاده را برای چند ثانیه چنان نشان دهند که انگار همه آن را بسته‌اند. آن چند سرنشین اضافه هم پیاده سر به بیابان گذاشتند که بعد از زرد شدن از پلیس راه سوار شوند. به هر مکلفاتی بود کم‌ریندها شکل و شمابلی گرفت و مامور پلیس بالاخره کوتاه آمد.

بعد از آن وضعیت کلافه‌کننده یادم به دوستی افتاد که در انبوس نایمنی در جاده‌ای بدو با راننده‌ای ناشی از تصادفی جان سالم به برد که چند عزیز در آن متاسفانه از بین رفتند. او تنها کاری که در آن وضعیت همه چیز خراب از دستش بر می‌آید بستن کم‌ریند بود و همان او را نجات داد. بله، ماشین بد و جاده بد را می‌توان خوب رانندگی کرد. حتی می‌توان به عواقب اندیشید و ده‌ها برابر شهروندان کشورهای توسعه‌یافته که ماشین و جاده امن دارند و از خیلی تصادفات جان سالم به در می‌برند، در رانندگی دقت و احتیاط کرد. چرا که نه. هم عقل حکم می‌کند هم اخلاق و هم احساسات‌مان. عقل‌مان می‌گوید که مفت نمیریم، شفقت و دلسوزی‌مان می‌گوید تا آنجا که از دست‌مان بر می‌آید داغ بر دل عزیزان مان نگذاریم و اخلاق حکم می‌کند که به‌خاطر دیگرانی که به‌ما احتیاج دارند هرچه از دست‌مان بر می‌آید برای مراقبت از خودمان انجام دهیم. با این تفاسیر علی‌الحساب کاری که از دست‌مان دم تعالیات نوروز و از یاد سفرها بر می‌آید همین است که تا می‌توانیم خودمان مراقب باشیم. یا به قول پویشی که این روزها رسانه‌ای شده «نه به تصادف» بگوییم. حتماً که این را می‌توان همزمان با «نه به خودروسازی نایمن» و «نه به جاده‌های خطرناک» پیش برد.

عکس: Getty Images

۲۴ ساعت ۱۹

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com @Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۰۰۷۹۴۹۳۸۸۷۳۰۲۹۱ آگهی‌ها: ۰۰۰۷۳۵۵۰۷۸۸۷۳ نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ لیتوگرافی و چاپ: هم‌مین. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۸۱۱۱۴ توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱۰۶۱۹۳۳۰۰۰



روزهای داغ فوتبال در یزد و اصفهان

هفته بیست و دوم در حالی آغاز می‌شود که پرسپولیس در یزد و سپاهان در اصفهان در اندیشه صدرنشینی هستند



سپهر خرمی گزارشگر ورزشی هم‌مین

بخوانند از این بازی حساس دست پُر بیرون بیايند. گفتنی است پرسپولیس شش مسابقه خارج از خانه است که رنگ پُر را ندیده و برای شکستن چنین طلسمی باید در یزد دست پر از زمین مسابقه خارج شود.

گل محمدی ترمز اسکویچ را می‌کشد؟

تراکتوری‌ها در حالی صدرنشین‌لیگ‌تر هستند که اگر نتایج پنج مسابقه اخیرشان را بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که صرفاً به‌دلیل ضعف در نتیجه‌گیری رقباست که تراکتور صدر را از دست نداده است. تراکتور از پنج مسابقه اخیر خود سه برد، یک تساوی و یک شکست کسب کرده است. در واقع از پنج دیدار اخیر خود پنج امتیاز از دست داده ولی باتوجه به اینکه پرسپولیس و سپاهان نیز از پنج مسابقه آخر خود، امتیازات زیادی را از دست دادند، تراکتور همچنان صدرنشین است. تراکتوری‌ها هفته اخیر مقابل سپاهان نیز مساوی کردند و بعد از تساوی مقابل التعاون، تیم هشتم‌لیگ عربستان در سطح دوم‌لیگ قهرمانان آسیا، این هفته باید مقابل فولاد خوزستان قرار می‌گرفتند که این دیدار را حمایت فدراسیون فوتبال برای حضور این تیم در رقابت‌های آسیایی به روز دیگری موکول شد. در روزهایی که یکی از سوال‌های اساسی هواداران فوتبال این است که «آی برانوند بعد از گذشت هشت ماه چه شد، تراکتوری‌ها باید در آسیا به مصاف رقیب عربستانی بروند. هشت ماه پیش کمیته انضباطی حکم به محرومیت چهار ماهه‌ی علیرضا بیرانوند داد و تأیید کرد، این بازیکن باید مبلغ ۲۰ میلیارد تومان نیز به‌دلیل فسخ غیرقانونی پرداخت کند، اما از زمانی که نوزی، مالک باشگاه تراکتور، مهدی تاج و فدراسیون فوتبال را تهدید کرد، مشخص شد کمیته استیناف چرا رای ناپایی را اعلام یا ابلاغ نمی‌کند؟ این در حالی است که باشگاه سپاهان از باشگاه تراکتور به‌دلیل حضور غیرقانونی بیرانوند در زمین مسابقه شکایت کرده و این رای نیز همچنین اعلام نشده است. رای دوم به موضوعی برمی‌گردد که بیرانوند به اعضای هیئت‌مدیره باشگاه پرسپولیس، اتهام رشوه زد که در نهایت خود بیرانوند به‌دلیل اینکه نتوانست این موضوع را ثابت کند دو میلیارد تومان جریمه شد. از سوی دیگر فولاد خوزستان با مربیگری یحیی گل محمدی در پنج مسابقه اخیر فقط یک برد کسب کرده و سه بار شکست خورده و یک دیدار مقابل پرسپولیس را نیز با تساوی به پایان رسانده است. فولاد روزهای خوبی را پشت‌سر نمی‌گذارد و شاید دلایلش چالش بین یحیی گل محمدی و هوشنگ نصیرزاده است که این اختلاف‌نظر به‌جای اینکه درون خانواده حل شود، به رسانه‌ها کشیده شد و از آن‌روز به‌بعد فولاد رنگ خوش ندید. فولاد در حالی شانس خود را برای تقابل با تراکتور امتحان می‌کند که با ۲۸ امتیاز و حضور در جایگاه چهارم، همچنان شانس قابل قبولی برای قهرمانی در لیگ‌برتر دارد و یکی از اضعل مربع قهرمانی این فصل را تشکیل داده است.

استقلال و چالش عبور از النصر

شاگردان بوژیویچ در لیگ‌برتر حال‌وروز خوشی ندارند و با حضور در رتبه نهم، حدااقل روی کاغذ، یکی از تیم‌هایی هستند که باید با قدرنشین‌ها رقابت کنند. ازسوی دیگر، این تیم در جام حذفی شانس خوبی دارد تا به مقام قهرمانی برسد؛ چرا که در جمع ۱۶ تیم باید با پیکان دسته اولی رقابت کند و تا فینال به تیم قدرتمندی نیز بر خورد نخواهد کرد. ازسوی دیگر، این هفته با النصر در ورزشگاه آزادی با تساوی بدون گل، کار را به پایان رساندند تا شانس خود را برای بازی در ورزشگاه خانگی النصر امتحان کنند. هرچند النصری‌ها تاز جیح داده بودند تیم اصلی را به تهران نیاروند اما در دیدار برگشت هفت بازیکن غایب‌شان، خواهند رسید تا پیولی با ترکیبی کامل در شهر و ورزشگاه خانگی به مصاف استقلال برود. باید دید لیگ‌برتر در پایان هفته بیست و دوم چه شکلی به خود خواهد گرفت. آیا پرسپولیس از رتبه سوم به دوم صعود می‌کند یا سپاهان نیز می‌تواند از بازی عقب‌افتاده تراکتور، بهره ببرد و صدرنشین شود؟

چهره

سالرگ معلم تار

هوشنگ ظریف، موسیقان و نوازنده تار، در هنرستان موسیقی ملی با مدیریت روح‌الله خالقی زیر نظر اساتیدی چون موسی معرفی، جواد معرفی و حسین تهرانی آموزش دید و پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۳۷ در وزارت فرهنگ و هنر مشغول کار شد و فعالیت‌اش را به‌عنوان نوازنده و تک‌نواز در گروه‌های مختلفی مانند ارکستر موسیقی ملی، ارکستر صبا، شروع کرد. او از سال ۱۳۴۲ به مدت ۱۷ سال به تدریس تار در هنرستان موسیقی پرداخت و حسین علیزاده، داریوش طلایی، ارشد طهماسبی، مجید درخشانی و حمیدمتبسم از جمله شاگردان او بودند. این نوازنده همچنین اجهای زیادی با گروه فرامرز پایور داشت. او علاوه بر نواختن ساز تار، همچنین سه‌تار و تنبک نیز می‌نواخت و در تدوین روش نوازندگی تنبک با حسین تهرانی همکاری داشت که حاصل آن در کتابی بانام «آموزش تنبک» منتشر شد. از دیگر فعالیت‌های او تصحیح دیدهای آوازی محمود کرمی بود که با عنوان کتاب «دید آوازی موسیقی سنتی ایران» منتشر شده است. همچنین «دستور مقدماتی تار» و «مجموعه قطعات» از جمله کتاب‌های دیگر او هستند. هوشنگ ظریف در هفدهم اسفندماه ۱۳۹۸، در دوران همه‌گیری کرونا درگذشت.



کتابخانه

دگراندیشان در رنج

«شاه کرش کنان می‌کشد (نه جستان)»، نوشته هرتا مولر با ترجمه امیر معدنی پور در ۱۶۰ صفحه و با قیمت ۱۵۵ هزار تومان توسط نشر برج منتشر شد. هرتا مولر، نیمه دوم سال ۱۹۵۳ به دنیا آمد. چندماه پس از مرگ ژوزف استالین، خانواده مولر از اقلیت آلمانی زبان رومانی بودند و در روستایی کوچک می‌زیستند. مدارش از بازماندگان اردوگاه کار اجباری نیروهای شوروی بود و پدرش راننده‌ای اغلب سیاه‌مس، هرتا در سربایی غمزه، از آب‌وگل درآمد و برای ادامه درس به شهر رفت و این بار در میان بچه‌های شهری به راه پر خار بزرگسالی از رنج کودکی و نوجوانی به راه پر خار بزرگسالی با گذاشت. حکومت سرکوبگر رومانی او را از کار مترجمی و آموزگاری انداخت و گذران زندگی را برایش دشوار کرد. او بعدتر با هزار دردسر به آلمان رخت کشید اما مهاجرت، در مان دردها نبود و خود بر بیم و رنج‌های افزود. این کتاب ۹ گفتار زندگی‌نامه‌وار است از همین رنج‌ها، بیم‌ها، تجربه‌های شخصی و خاطره‌های تلخ. مولر به‌زبان ساده از رنج‌های خود و دیگر دگراندیشان تبعیدی و مهاجر و تمامی ستم‌دیدگان قربانی حکومت خودکامه می‌گوید و بی‌پیرایگی گفتار ش هم‌دلی خوانندگان در دالشا را بر می‌انگیزند.



شاه کرش کنان می‌کشد نویسنده: هرتا مولر مترجم: امیر معدنی پور انتشارات: نشر برج

تاریخ

قطع روابط ایران و انگلستان

در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۴۷، حکم امام خمینی (ره) مبنی بر آزادند و قتل سلمان رشدی صادر شد. چهار روز بعد نویسنده کتاب «آیات شیطنی» از این که کتابش باعث نارضایتی مسلمانان شده است، اظهار تأسف و پوزش کرد. یکروز پیش از این عذرخواهی اما رئیس‌جمهور وقت ایران بر یکسان بودن دیدگاه دولت ایران با فتوی امام خمینی (ره) تأکید کرد و بدین ترتیب عذرخواهی سلمان رشدی، برای ختم این مسئله کفایت نکرد. بعد از آن در ۹ اسفندماه ۱۳۴۷، مجلس شورای اسلامی طی جلسه فوق‌العاده‌ای با اعلام ضرب‌الاجل یک‌هفته‌ای برای انگلیس، هرگونه رابطه سیاسی با لندن را منوط به عذرخواهی مقامات انگلیسی و تجدیدنظر در مواضع غیراصولی نسبت به جهان اسلام و کتاب «آیات شیطنی» کرد. وزیر امور خارجه انگلیس ضمن ابراز تأسف از انتشار کتاب رشدی، خود دولت متبوع‌اش را از مسئولیت انتشار این کتاب جدا دانست. این اظهارات و موضع‌گیری‌ها فاقد عنصر عذرخواهی رسمی و علنی بود و به‌همین دلیل دولت جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ اسفندماه ۱۳۴۷، در پایان مهلت یک‌هفته‌ای، روابط سیاسی خود را با انگلستان به‌طور رسمی قطع کرد.

آنسه وانا انه را بجزون جناب آقای مهدی نوروزیان سردبیر محترم وبسایت‌های خبری گروه دنیای اقتصاد درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت می‌گویم و برای آن مرحوم آرزوی علو درجات و رضوان الهی و برای جنابعالی و بازماندگان محترم شکیبایی آرزو مندیم. مهدی قربانی تبار